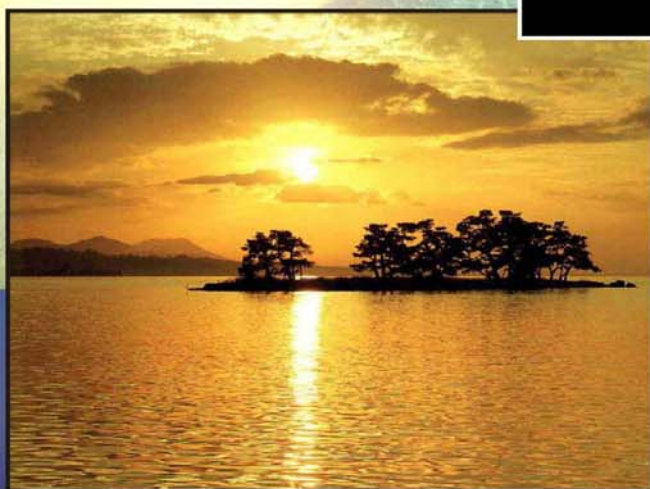


شری ایشوپانیشاد



آ.چ . بهاکتی ودانتا شریلا پرابھوپادا

THE BHAKTIVEDANTA BOOK TRUST

فهرست

عنوان	شماره صفحه
پیش‌گفتار	۳
نیایش	۱۰
مانترای یک	۱۲
مانترای دو	۱۶
مانترای سه	۱۹
مانترای چهار	۲۲
مانترای پنج	۲۵
مانترای شش	۲۹
مانترای هفت	۳۳
مانترای هشت	۳۵
مانترای نه	۴۰
مانترای ده	۴۳
مانترای یازده	۴۷
مانترای دوازده	۵۷
مانترای چهارده	۶۳
مانترای پانزده	۶۸
مانترای شانزده	۷۳
مانترای هفده	۷۷
مانترای هجده	۸۳
درباره‌ی نویسنده	۸۷

پیشگفتار

آموزش‌های وداها

بیانات حضرت ا.چ. بهاکتی ودانتا سوامی پرابهوپاد^۱ در ششم اکتبر ۱۹۶۹، در کانوی هال^۲، لندن، انگلستان.

خانم‌ها و آقایان! موضوع سخنرانی امروز درباره آموزش‌های وداها^۳ است. وداها چه هستند؟ ریشه واژه سانسکریت ودا را می‌توان به چند صورت معنی نمود، ولی مفهوم آنها در نهایت یکی است. ودا به معنای دانش است. شما هر دانشی را که بپذیرید ودا می‌باشد؛ آموزش‌های وداها، دانش اصلی محسوب می‌شود. دانش ما در شرایط مقید دستخوش نقایص بسیاری است. تفاوت بین یک روح مقید و یک روح رهایی‌یافته آن است که روح مقید چهار نقیصه دارد. نخستین نقص این است که او به طور حتم مرتکب اشتباه می‌گردد. برای مثال، ماهاتما گاندی در کشور ما شخصیت بسیار بزرگی محسوب می‌شد، ولی وی مرتکب اشتباهات بسیاری شد. حتی با آن که دستیارش در آخرین لحظات زندگی او، به وی هشدار داد: ”ماهاتما گاندی! برای شرکت در جلسه به دهلی‌نو نروید. من دوستانی دارم و شنیده‌ام که خطری در پیش است“، گاندی به این گفته او توجهی نکرد. وی به رفتن اصرار داشت و کشته شد. از این قبیل افراد، بسیارند؛ حتی شخصیت‌های بزرگی مانند ماهاتما گاندی و رئیس‌جمهور کندی دچار چنین اشتباهاتی می‌شوند. آدمی جایزالخطاست. این یکی از نقص‌های روح مقید است. نقص دیگر، ”در توهم بودن“ است. توهم یعنی پذیرفتن آنچه که نیست: مایا^۴. مایا یعنی ”آنچه که نیست.“ همه خویشتن را بدن می‌پندارند. اگر من از شما بپرسم، شما کی هستید؟ پاسخ خواهید داد: ”من آقای جان هستم؛ من مرد ثروتمندی هستم؛ من این هستم؛ من آن هستم.“ تمام اینها هویت‌های بدنی است. شما این بدن نیستید و این توهم است.

نقص سوم، ”میل به فریب“ است. هرکسی میل به فریب دیگران دارد. اگر چه ممکن است شخص، نادانی درجه یک باشد، ولی خود را بسیار باهوش نشان می‌دهد. اگر چه به این نکته اشاره شد که آدمی در توهم است و اشتباه می‌کند، ولی او به استدلال می‌پردازد: ”من فکر می‌کنم چنین است و چنان.“ اما او حتی به موقعیت خودش نیز آگاه نیست. شخص با آن که خود دارای نواقصی است، ولی درباره فلسفه کتاب می‌نویسد. این بیماری اوست؛ این فریب است.

^۱ A.C. Bhaktivedanta Swami Prabhupada

^۲ Conway Hall

^۳ Vedas

^۴ Maya

و بالاخره، "حواس ما ناقص است." ما به چشمان خود بسیار می‌بالیم. اغلب، بعضی از مردم می‌گویند: "آیا می‌توانید خدا را به من نشان دهید؟" اما آیا شما چشم دیدن خدا را دارید؟ اگر آن چشم را ندارید، او را هرگز نخواهید دید. اگر ناگهان اتاق تاریک شود، شما حتی قادر نخواهید بود دست‌های خود را ببینید. بنابراین چه توانی برای دیدن دارید؟ در نتیجه ما نمی‌توانیم با این حواس ناقص انتظار دانش (ودا) را داشته باشیم. ما نمی‌توانیم با تمامی نقایص موجود در زندگی مقید خود، دانش کامل را به شخص دیگری بیاموزیم. به‌علاوه خود ما نیز کامل نیستیم. بنابراین وداها را به همان‌گونه که هست، می‌پذیریم.

شما ممکن است وداها را هندو بنامید، ولی هندو یک نام نامربوط است. ما هندو نیستیم. هویت حقیقی ما وارناشراما^۱ است. وارناشراما به پیروان وداها اطلاق می‌شود، یعنی کسانی که جامعه بشری را در هشت گروه‌بندی وارنا و آشراما می‌پذیرند. چهار گروه اجتماعی و چهار مرحله زندگی روحانی وجود دارد. به این وارناشراما گفته می‌شود. در بهاگواد-گیتا^۲ (۱۳/۴) گفته شده است: "این گروه‌بندی‌ها در همه جا موجود می‌باشند، زیرا توسط خداوند ایجاد شده‌اند." گروه‌های اجتماعی شامل برهمن^۳، کشاتریا^۴، وایشیا^۵ و شودرا^۶ می‌باشند. برهمن به گروه بسیار هوشمند انسان‌ها گفته می‌شود، یعنی کسانی که می‌دانند برهمن کیست. به همین ترتیب، کشاتریاها، گروه مدیران، طبقه افراد خردمند بعدی را تشکیل می‌دهند. سپس وایشیاها، گروه بازرگانان، می‌باشند. این گروه‌بندی‌های طبیعی در همه جا وجود دارد و یک اصل ودایی است و ما آن را می‌پذیریم. اصول ودایی به عنوان حقیقت مسلم پذیرفته می‌شود، زیرا ممکن نیست اشتباهی به همراه داشته باشد. این است مفهوم پذیرش. برای مثال، پهن گاو در هند پاک محسوب می‌شود؛ و این در حالی است که پهن، مدفوع حیوان است. در جایی این دستور ودایی را خواهید یافت، که با لمس مدفوع باید بی‌درنگ استحمام کرد، ولی در جای دیگر گفته شده که مدفوع گاو پاک است. اگر مکانی ناپاک را با مدفوع گاو بیالایید، آن مکان پاک می‌شود. ما با حواس عادی خود می‌توانیم استدلال کنیم که "این تناقض است." در واقع این مطلب از دیدگاه عادی متناقض است، ولی نادرست نیست و حقیقت می‌باشد. پزشک و دانشمند برجسته‌ای در کلکته، پهن گاو را تجزیه نمود و تشخیص داد که تمامی خواص ضدعفونی‌کننده در آن موجود است.

در هند اگر شخصی به دیگری بگوید: "تو باید این عمل را انجام دهی"، طرف مقابل می‌پرسد: "منظور شما چیست؟ آیا این دستور ودایی است که من باید بی‌چون و چرا از شما پیروی کنم؟" احکام

¹ varṇāśrama

² Bhagavad-gītā

³ brāhmaṇa

⁴ kṣatriya

⁵ vaiśya

⁶ śūdra

ودایی را نمی‌توان تفسیر نمود. ولی در نهایت، اگر علت وجودی این احکام را به دقت بررسی کنید، به صحت همه آنها پی خواهید برد.

وداها حاصل گردآوری دانش بشری نیستند. دانش ودایی از عالم روحانی و از جانب خداوند کریشنا می‌آید. نام دیگر وداها، شروتی^۱ است. شروتی به دانشی اطلاق می‌شود که از طریق شنیدن حاصل می‌گردد و دانش تجربی نیست. شروتی مادر محسوب می‌شود. ما از مادر خود دانش‌های بسیاری را می‌آموزیم. برای مثال اگر بخواهید بدانید که پدر شما کیست، چه کسی می‌تواند به شما پاسخ بدهد؟ مادر شما. اگر مادرتان بگوید: "این پدر شما است"، باید قبول کنید. ممکن نیست که از طریق تجربه تشخیص دهید که او پدرتان می‌باشد یا خیر. به گونه‌ای مشابه، اگر بخواهیم در ورای تجربه، دانش تجربی و فعالیت‌های حواس خود به آگاهی دست یابیم، باید وداها را قبول کنیم. تجربه کردن بی‌معنی است، زیرا این مقوله تجربه شده و مشخص است. برای مثال، توضیح مادر باید به عنوان حقیقت پذیرفته شود. چاره دیگری وجود ندارد.

وداها مادر به‌شمار می‌آیند و برهما^۲ پدر بزرگ و جد نامیده می‌شود، زیرا او نخستین کسی بود که در دانش ودایی آموزش یافته است. در آغاز، نخستین موجود زنده برهما بود. وی این دانش ودایی را کسب کرد و سپس آن را برای نارادا^۳، سایر مریدان و فرزندان خود بیان نمود و آنها نیز این دانش را در میان مریدان خود پخش نمودند. دانش ودایی بدین طریق توسط سلسله پیران به ما می‌رسد. در بهاگاواد-گیتا نیز تأیید شده است که دانش ودایی از این طریق درک می‌شود. اگر در این مورد دست به تلاش تجربی بزنید، به همین نتیجه خواهید رسید. اما باید تنها به منظور صرفه‌جویی در زمان، این دانش را پذیرفت. اگر می‌خواهید بدانید که پدرتان کیست و مادر خود را به عنوان مرجع موثقی بپذیرید، پس هرچه را که او بگوید، قابل پذیرش است. سه نوع روش کسب دانش وجود دارد: پراتیاکشا^۴، آنومان^۵ و شابد^۶. پراتیاکشا یعنی "مستقیم". روش مستقیم چندان درست نیست، زیرا حواس ما کامل نیستند. ما هر روز خورشید را مشاهده می‌کنیم. در نظر ما خورشید مانند یک قرص کوچک است، ولی در واقع خیلی خیلی بزرگتر از بسیاری از سیارات می‌باشد. ارزش این دیدن چیست؟ نتیجه این‌که باید به مطالعه بپردازیم تا درباره خورشید اطلاعاتی را به دست آوریم. بنابراین تجربه مستقیم کامل نیست. سپس آنومان یا دانش استقرایی وجود دارد: "ممکن است چنین باشد؛ یعنی فرضیه. برای مثال، نظریه داروین می‌گوید: "ممکن است چنین باشد، ممکن است چنان باشد." این دانش نیست، پیشنهاد است و کامل هم نیست، ولی اگر دانش را از منابع موثق کسب کنیم، کامل است. اگر راهنمای برنامه‌ها را از مقامات ایستگاه رادیویی دریافت کنید، آن را می‌پذیرید و تکذیب

¹ śruti.

² Brahṁā

³ Nārada

⁴ pratyakṣa

⁵ anumāna

⁶ śabda

نمی‌کنید؛ و لزومی هم ندارد که در این باره تجربه کنید، زیرا آن برنامه از منابع موثق دریافت شده است.

دانش ودایی شایداً پرامانا^۱ نامیده می‌شود. نام دیگر آن شروتی است. شروتی یعنی آن که این دانش باید تنها از طریق شنیدن کسب شود. وداها بیان می‌دارند که برای درک دانش متعال، باید از مرجع موثق بشنویم. دانش متعال، دانشی است از ورای این دنیا. در این دنیا، دانش مادی و در ورای این دنیا، دانش متعال وجود دارد. ما حتی نمی‌توانیم به انتهای این دنیا دست یابیم، بنابراین چگونه می‌توانیم به عالم روحانی برویم؟ در نتیجه کسب دانش کامل امکان‌پذیر نیست.

عالم روحانی نیز وجود دارد و آن طبیعت دیگری است که در ورای متجلی و نامتجلی قرار دارد. اما شما چگونه می‌توانید دریابید که چنین عالمی وجود دارد و سیارات و ساکنان آن ابدی هستند؟ تمام این دانش وجود دارد، ولی چگونه می‌توان از طریق آزمایش به آن دست یافت؟ انجام این کار ممکن نیست. بنابراین باید از وداها کمک بگیرید. این دانش ودایی است. در جنبش کریشناآگاهی، ما دانش را از بالاترین مرجع یعنی کریشنا قبول می‌کنیم. کریشنا توسط همه گروه‌ها به‌عنوان بالاترین مرجع پذیرفته شده است. من ابتدا درباره دو گروه از حق‌جویان صحبت می‌کنم. یک گروه از حق‌جویان، بی‌هویت‌گرا^۲ یا مایاودی^۳ نامیده می‌شوند. آنها اغلب به‌عنوان ودانتیست^۴ شناخته شده‌اند و پیرو شانکاراچاریا^۵ هستند. گروه دیگری از حق‌جویان وجود دارند به نام وایشناواها^۶، مانند رامانوجاچاریا^۷، مادهاواچاریا^۸ و ویشنو سوامی^۹. هر دو سام‌پرادای شانکارا^{۱۰} و نیز سام‌پرادای وایشناوا^{۱۱}، کریشنا را به‌عنوان شخصیت متعال خداوند پذیرفته‌اند. گمان می‌رود شانکاراچاریا، بی‌هویت‌گرایی است که بی‌هویت‌گرایی، برهمن فاقد هویت، را تبلیغ می‌کند، ولی حقیقت این است که او فرد هویت‌گرایی است در پوشش بی‌هویت‌گرایی. او در تفسیر خود بر بهاگاود-گیتا نوشته است: "نارایانا، شخصیت متعال خداوند، در ورای این تجلیات کیهانی قرار دارد." و بعد باز هم تأیید می‌کند: "آن شخصیت متعال خداوند، نارایانا، کریشناست. او به صورت پسر دواکی و واسودوا آمده است." شانکاراچاریا به خصوص نام پدر و مادر کریشنا را ذکر نموده است. بنابراین کریشنا به‌عنوان شخصیت متعال خداوند، به وسیله همه حق‌جویان پذیرفته شده است. هیچ تردیدی در این باره نیست. منبع دانش ما در کریشناآگاهی بهاگاود-گیتا است که مستقیماً از طرف کریشنا آمده است. ما کتاب

¹ śabda-pramāṇa

² impersonalistic

³ Māyāvādī

⁴ Vedāntists

⁵ Śaṅkarācārya

⁶ Vaiṣṇavas

⁷ Rāmāṇujācārya

⁸ Madhvācārya

⁹ Viṣṇu Svāmī

¹⁰ Śaṅkara-sampradāya

¹¹ Vaiṣṇava-sampradāya

”بهاگاود-گیتا، همان گونه که هست“ رامنشتر کرده‌ایم، زیرا ما کریشنا را همان گونه که سخن می‌گوید، بدون هیچ تعبیری می‌پذیریم. این دانش ودایی است. چون دانش ودایی ناب است، آن را قبول می‌کنیم. ما هر چه را که کریشنا بگوید، می‌پذیریم. این کریشنا آگاهی است. با قبول این مطلب در وقت ما صرفه‌جویی می‌شود. اگر شما مرجع یا منبع دانش موثقی را پذیرفته باشید، در وقت صرفه‌جویی کرده‌اید. برای مثال، دو روش برای کسب دانش در دنیای مادی وجود دارد. استقرایی و قیاسی. شما به کمک دانش قیاسی می‌پذیرید که بشر فانی است. پدرتان می‌گوید بشر فانی است، خواهرتان می‌گوید بشر فانی است و همه می‌گویند بشر فانی است، ولی شما در این باره دست به تجربه نمی‌زنید. شما این مطلب ”که بشر فانی است“ را به عنوان یک حقیقت می‌پذیرید. اگر می‌خواهید تحقیق کنید که آیا بشر فانی است، باید تک تک آدمیان را مورد مطالعه قرار دهید و ممکن است فکر کنید آدمی وجود دارد که نمی‌میرد، ولی شما هنوز او را ندیده‌اید. بدین ترتیب، تحقیق شما هرگز به پایان نمی‌رسد. این روش در سانسکریت آروها¹ یا روش صعودی نامیده می‌شود. اگر می‌خواهید از طریق تلاش شخصی، یعنی بکارگیری حواس ناقص به دانش برسید، به نتایج صحیح دست نخواهید یافت. این امر ممکن نیست.

در برهما-سامهیتا² گفته شده است: ”بر هواپیمایی سوار شوید که با سرعت ذهن حرکت می‌کند.“ هواپیماهای عادی ما می‌تواند دو هزار مایل را در ساعت ببیمایند، ولی سرعت ذهن چقدر است؟ شما در خانه نشسته‌اید و به هند فکر می‌کنید که مثلاً در فاصله ده هزار مایلی است، بلافاصله هند در خانه شما قرار دارد. فکر شما به آن جا رفته است. سرعت ذهن بسیار زیاد است. بنابراین گفته شده است: ”اگر برای میلیون‌ها سال با این سرعت حرکت کنید، عالم روحانی را نامحدود خواهید یافت.“ حتی نزدیک شدن به این عالم امکان‌پذیر نیست. در نتیجه حکم ودایی این است که شخص ”باید“ - واژه الزام و اجبار بکار گرفته شده است - نزد یک پیر روحانی معتبر یعنی یک گورو³ برود. و اما ویژگی‌های یک پیر روحانی چیست؟ او پیام ودایی را به درستی از منبع موثقی شنیده است؛ او باید در عمل به طور راسخ در برهمن مستقر باشد. اینها دو ویژگی پیر روحانی هستند که او باید داشته باشد، در غیر این صورت وی معتبر نیست.

این جنبش کریشنا آگاهی اعتبار خود را از اصول ودایی اخذ می‌کند. کریشنا در بهاگاود-گیتا می‌فرماید: ”هدف حقیقی پژوهش ودایی، یافتن کریشناست.“ در برهما-سامهیتا نیز گفته شده است: ”کریشنا، گوویندا⁴، فرم‌های بی‌شماری دارد، ولی همه آنها یکی هستند.“ فرم‌های کریشنا به فرم‌های ما که نامزده و خطا پذیرند، شباهت ندارد. فرم او منزّه و خطاناپذیر است. فرم ما آغازی دارد، ولی فرم او بی‌آغاز است. این فرم آنانتا⁵ می‌باشد. و فرم او - بسیاری فرم‌های متعدد- انتهای ندارد. فرم من اینجا

¹ āroha

² Brahma-samhitā

³ guru

⁴ Govinda

⁵ ananta

نشسته است؛ نه در خانه من. شما اینجا نشسته‌اید؛ نه در خانه خود. ولی کریشنا می‌تواند در یک زمان در همه جا باشد. او می‌تواند در گولوکا ورینداون^۱ قرار داشته باشد و در عین حال در همه جا باشد؛ او "در همه جا حاضر" است. او منشأ و قدیمی‌ترین است؛ ولی هنگامی که تصویری از کریشنا را مشاهده می‌کنید، پسر جوان پانزده یا بیست ساله‌ای را خواهید دید. شما هرگز یک پیرمرد را نخواهید دید. شما تصویری از کریشنا را به‌عنوان ارباب‌ران در بهاگواد-گیتا مشاهده کرده‌اید. در آن هنگام سن کریشنا از یکصد سال کمتر نبود. او دارای نوادگانی بود، ولی مانند یک پسر جوان به نظر می‌آمد. کریشنا، خدا، هرگز پیر نمی‌شود و این قدرت متعال اوست. و اگر می‌خواهید با مطالعه وداها کریشنا را بیابید، گیج و گمراه خواهید شد. این جستجو ممکن است میسر باشد، ولی بسیار دشوار است. شما به آسانی می‌توانید از عابد کریشنا درباره او بیاموزید. عابد کریشنا، کریشنا را به شما می‌دهد. "او اینجا است. او را بگیر." این انرژی عابدان کریشناست.

در اصل فقط یک ودا وجود داشت و لزومی هم به مطالعه آن نبود. مردم بسیار باهوش بودند و حافظه آنها به قدری قوی بود که با یک بار شنیدن از دهان پیر روحانی، مطالب را می‌فهمیدند. آنها به سرعت تمامی معنی و مقصود را درک می‌کردند. ولی پنج هزار سال پیش، ویاسادوا^۲ برای مردم این دوره، کالی یوگا^۳، وداها را به‌رشته تحریر در آورد. او می‌دانست که سرانجام، عمر مردم کوتاه و حافظه آنها بسیار ضعیف خواهد شد و چندان هم تیزهوش نخواهند بود. "پس، باشد که این دانش ودایی را به صورت نوشته آموزش دهم." او وداها را به چهار بخش: ریگ^۴، ساما^۵، آتھاروا^۶ و یاجور^۷ تقسیم کرد. بعد مسئولیت این وداها را به مریدان مختلف خود سپرد و سپس گروهی از افراد کم‌خردتر - ستری، شودرا و دویجا باندهو^۸ - را به‌خاطر آورد. او گروه زنان، گروه شودراها (گروه کارگر) و دویجا باندهو را در نظر گرفت. دویجا باندهو به کسانی اشاره دارد که در خانواده‌ای والا مرتبه متولد شده‌اند، ولی چنان‌که باید شایسته نیستند. کسی که در خانواده برهمن به دنیا آمده است و مانند برهمن شایستگی ندارد، دویجا باندهو نامیده می‌شود. ویاسادوا برای این‌گونه افراد ماهابهارات را که تاریخ هند نامیده می‌شود، و هیجده پورانا را به‌رشته تحریر درآورد. همه اینها یعنی پوراناها، ماهابهارات، چهار ودا و اوپانیشادها^۹، ادبیات ودایی را تشکیل می‌دهند. اوپانیشادها بخشی از وداها هستند. سپس ویاسادوا تمامی دانش ودایی را برای محققان و حکما در آنچه که ودانتا-سوترا^{۱۰} نامیده می‌شود، خلاصه نمود. این کلام

¹ Goloka Vṛndāvana

² Vyāsadeva

³ Kali-yuga

⁴ Ṛg

⁵ Sāma

⁶ Atharva

⁷ Yajur

⁸ strī, śūdra and dvija-bandhu

⁹ the Purāṇas, the Mahābhārata, the four Vedas and the Upaniṣads

¹⁰ Vedānta-sūtra

نهایی وداهاست. ویاساداو خود ودانتا- سوترا را تحت آموزش‌های نارادا - گوروماهاراج یا پیر روحانی خود - نگاشت، ولی هنوز راضی نبود. این داستان طولانی است که در شریما-د- بهاگاواتام شرح داده شده است. ویاساداو پس از نگارش بسیاری از پوراناها، اوپانیشادها و حتی ودانتا- سوترا، باز هم چندان راضی نبود. سپس پیر روحانی‌اش، نارادا، به او دستور داد: "به شرح ودانتا- سوترا پرداز." ودانتا به معنای "دانش نهایی" است، و نهایت دانش، کریشناست. کریشنا می‌گوید که شخص باید از تمامی وداها، به درک او نائل آید: *vedaiś ca sarvair aham eva vedyah*. همچنین کریشنا می‌گوید: *vedānta-kṛd veda-vid eva cāham*: "من نگارنده ودانتا و داننده وداها هستم." بنابراین هدف غایی، کریشناست. این در تمامی تفسیرهای وایشناواها بر فلسفه ودانتا، توضیح داده شده است. ما، گودیا وایشناواها^۱، تفسیری بر فلسفه ودانتا به نام گوویندا بهاشیا^۲ را دارا هستیم که توسط بالادوا ویدیابهوشانا^۳ نگاشته شده است. به همین ترتیب رامانوجاچاریا و مادهاواچاریا نیز تفاسیری را نگاشته‌اند. تفسیر شانکاراچاریا، تنها تفسیر نیست. تفسیرهای بسیاری بر ودانتا وجود دارد، ولی از آن‌جا که وایشناواها اولین تفسیر ودانتا را عرضه نکرده‌اند، مردم تحت تأثیر این عقیده نادرست قرار دارند که تفسیر شانکارا تنها تفسیر ودانتا است. به علاوه ویاساداو خود تفسیر کامل ودانتا یعنی شریما-د- بهاگاواتام^۴ را نگاشت. شریما-د- بهاگاواتام نیز با نخستین کلمات ودانتا- سوترا آغاز می‌شود: جان‌مادی آسیا یاتاها^۵. و آن "جان‌مادی آسیا یاتاها" به طور کامل در شریما-د- بهاگاواتام توضیح داده شده است. ودانتا- سوترا به سادگی به این‌که برهمن یا حقیقت مطلق چیست اشاره دارد: "حقیقت مطلق وجودی است که همه چیز از او نشأت می‌گیرد." این یک تعریف کلی است که به طور مفصل در شریما-د- بهاگاواتام توضیح داده شده است. اگر همه چیز از حقیقت مطلق نشأت می‌گیرد، ویژگی این حقیقت مطلق چیست؟ این موضوع در شریما-د- بهاگاواتام شرح داده شده است. حقیقت مطلق باید آگاه باشد. او نورانی^۶ است. ما آگاهی و دانش خود را با کسب دانش از دیگران گسترش می‌دهیم، ولی در مورد حقیقت مطلق گفته می‌شود که او خود نورانی است. خلاصه کل دانش ودایی، ودانتا- سوتراست و ودانتا- سوترا به‌وسیله نگارنده آن در شریما-د- بهاگاواتام توضیح داده شده است. در خاتمه، ما از کسانی که حقیقتاً به دنبال دانش ودایی هستند تقاضا می‌کنیم که از طریق شریما-د- بهاگاواتام و بهاگاوا-د-گیتا برای درک تمامی دانش ودایی تلاش نمایند.

¹ Gauḍīya Vaiṣṇavas

² Govinda-bhāṣya

³ Baladeva Vidyabhūṣaṇa

⁴ Śrīmad-Bhāgavatam

⁵ janmādy asya yataḥ

⁶ sva-rāṭ

نیایش

om pūrṇam adaḥ pūrṇam idaṁ
pūrṇāt pūrṇam udacyate
pūrṇasya pūrṇam ādāya
pūrṇam evāvaśiṣyate

om - کل کامل؛ pūrṇam - کامل مطلق؛ adaḥ - آن؛ pūrṇam - کامل مطلق؛ idaṁ - این جهان متجلی و پدیدار؛ pūrṇāt - از آن در همه چیز کامل؛ pūrṇam - واحد کامل؛ udacyate - تولید می‌شود؛ pūrṇasya - از کل مطلق؛ pūrṇam - کاملاً تمام؛ ādāya - از او نشأت گرفته است؛ pūrṇam - تعادل کامل؛ eva - حتی؛ avāśiṣyate - باقی می‌ماند.

شخصیت متعال خداوند، تام و کامل است؛ و از آن جا که کامل مطلق است، جملگی تجلیات وی، همچون این عالم پدیدار، به تمامی چنان است که او. هر آنچه که از کل کامل پدید آید، خود نیز کامل است. و از آن جا که او کل کامل است، هرچند که اجزای کامل بسیاری از وی نشأت می‌گیرند، خود همچنان، آن متعادل کامل باقی می‌ماند.

شرح

کل کامل یا حقیقت مطلق متعال، شخصیت کامل خداوند است. ادراک برهمن فاقد هویت یا پارامآتما، روح متعال، ادراک ناقصی از کامل مطلق می‌باشد. شخصیت متعال خداوند یعنی: سات - چیت - آناندا - ویگراها¹ (ب.س. ۱/۵) درک برهمن فاقد هویت به معنی ادراک وجه سات یا جنبه جاودانگی خداوند، و درک پارامآتما یا روح متعال عبارت است از ادراک وجوه سات و چیت، یعنی جنبه جاودانگی و جنبه دانش او. ولی درک شخصیت متعال خداوند عبارت است از ادراک تمامی وجوه متعال او، یعنی سات، چیت و آناندا یا شعف. با ادراک شخص متعال، این وجوه در ویگراها (فرم کامل) درک می‌شود. از این رو کل کامل فاقد فرم نیست. اگر او فاقد فرم باشد و یا اگر به هر نحوی نسبت به آفرینش خود کاستی داشته باشد، دیگر نمی‌تواند کامل به‌شمار آید. کل کامل باید تمامی آنچه را که در محدوده و ورای محدوده تجربه ماست، در برگیرد؛ در غیر این صورت نمی‌تواند کامل باشد.

کل کامل یا شخصیت متعال خداوند از توانمندی‌های بیکرانی برخوردار است که یکایک آنها چون او کامل می‌باشند. بدین جهت، این دنیای پدیدار یا مادی نیز در خود کامل است. بیست و چهار

¹ sac-cid-ānanda-vigraha

عنصری که این دنیای مادی تجلی موقت آنهاست، به گونه‌ای سامان یافته‌اند که تمامی ملزومات را برای حفظ و بقای آن، تأمین نمایند. هیچ‌گونه تلاش دیگری از سوی هیچ احدی در این دنیا برای حفظ و بقای آن ضروری نیست. کارکرد این دنیا طبق مقیاس زمانی است که توسط انرژی آن کل کامل مقرر گشته است؛ و هنگامی که آن برنامه زمانی کامل گردد، این تجلی موقت با نظم کامل آن وجود کامل، نابود خواهد شد.

کلیه امکانات به این آحاد کوچک کامل، یعنی موجودات زنده، داده شده است تا بتوانند به درک آن کل کامل نائل آیند. تمامی نواقصی که تجربه می‌گردد به واسطه دانش ناقص از آن کل کامل است. شکل انسانی حیات تجلی کاملی از آگاهی موجود زنده است؛ و در نتیجه تکامل در میان ۸۴۰۰۰۰ گونه حیات، در چرخه تولد و مرگ پدیدار می‌گردد. اگر موجود زنده در این حیات انسانی که از نعمت آگاهی کامل برخوردار است، کامل بودن خود را در آن کل کامل درک ننماید، امکان درک کمال خود را از دست خواهد داد، و توسط قانون طبیعت مادی، برای بار دیگر به چرخه تکاملی افکنده می‌شود.

از آن‌جا که نمی‌دانیم نظم کاملی در طبیعت برای حفظ و بقای ما وجود دارد، لذا تلاش می‌کنیم که تمامی منابع طبیعت را برای ایجاد یک زندگی به اصطلاح سرشار از لذات حسی خود به کار گیریم. چون موجود زنده نمی‌تواند بدون وابستگی به آن کل کامل از زندگی کامجویانه خود لذت برد، لذا به زندگی گمگشته که بر مبنای ارضای حواس اوست، توهم اطلاق می‌شود. دست در بدن فقط تا هنگامی یک واحد کامل را تشکیل می‌دهد که به بدن کامل، مربوط و پیوسته باشد. زمانی که دست از بدن جدا گردد، ممکن است یک دست به‌نظر آید، ولی دیگر هیچ‌یک از توانمندی‌های دست را به همراه ندارد. به گونه‌ای مشابه، موجودات زنده اجزای آن کل کامل هستند و اگر از کل کامل جدا گردند، این نمود وهم‌گونه کمال، نمی‌تواند آنها را راضی و خشنود سازد. کمال زندگی انسانی، تنها هنگامی محقق می‌شود که شخص به خدمت آن کل کامل اشتغال ورزد. تمامی خدمات در این دنیا اعم از اجتماعی، سیاسی، گروهی، بین‌المللی و حتی بین‌سیاره‌ای، تا هنگامی که به آن وجود کل کامل مربوط و پیوسته نباشند، ناقص خواهد ماند. زمانی که همه چیز در رابطه و پیوستگی با آن کل کامل باشد، اجزای وابسته نیز در خود کامل خواهند بود.

مانترای یک

*īśāvāsyam idam sarvaṁ
yat kiṁca jagatyām jagat
tena tyaktena bhuñjīthā
mā gṛdhaḥ kasya svid dhanam*

īśa - توسط خداوند؛ āvāsyam - کنترل شده؛ idam - این؛ sarvaṁ - تمام؛ yat kiṁca - هر آنچه؛ jagatyām - در جهان؛ jagat - تمام آنچه جاندار یا بی جان است؛ tena - توسط او (خداوند)؛ tyaktena - سهم کنار گذاشته شده؛ bhuñjīthā - تو باید بپذیری؛ mā - انجام نده؛ gṛdhaḥ - تلاش برای کسب؛ kasya svid - متعلق به هر کس دیگر؛ dhanam - ثروت.

خداوند اختیاردار و مالک هر جاندار و بی جانی است که در این عالم یافت می شود. از این رو شخص باید تنها چیزهایی را بپذیرد که برایش ضروری است و همچون سهم وی کنار نهاده شده است. بر اوست که چیزهای دیگر را نپذیرد، چه به خوبی می داند که آنها در تملک کیست.

شرح

دانش ودایی خطاناپذیر است، زیرا از طریق سلسله کامل پیران روحانی که در صدر آن خود خداوند قرار دارد، منتقل می گردد. نظر به اینکه نخستین واژه دانش ودایی توسط خداوند جاری گشته است، منبع این دانش متعال می باشد. کلام خداوند آپوروشیا^۱ نامیده می شود و نشانگر آن است که توسط هیچ انسان خاکی بیان نشده است. هر موجود زنده در این دنیای خاکی، دارای چهار نقص است:

۱- دچار اشتباه می گردد.

۲- در توهم به سر می برد.

۳- میل به فریب دیگران را دارد.

۴- حواس او ناقص است.

هیچ کس با داشتن این چهار نقص قادر به ارائه دانش کامل نیست. وداها به وسیله چنین مخلوقات ناقصی فراهم نیامده اند. دانش ودایی در اصل به قلب نخستین موجود زنده مخلوق، برهما،

¹ apauruṣeya

منتقل شد و برهما آن را به فرزندان و مریدان خود آموخت، کسانی که آن را در طول تاریخ سینه به سینه منتقل کرده‌اند.

از آن‌جا که خداوند پورنام^۱ یا کامل مطلق است، امکان ندارد که در معرض قوانین طبیعت مادی که تحت کنترل اوست قرار گیرد؛ ولی موجودات زنده و اشیای بی‌جان همگی تحت تسلط قوانین طبیعت و در نهایت نیروی پروردگار می‌باشند. ایشوپانی‌شاد بخشی از "یاچور ودا" است و در نتیجه شامل اطلاعاتی است درباره مالکیت تمامی چیزهایی که در عالم وجود دارد.

این مطلب در فصل هفتم بهاگاواد-گیتا (۴/۷-۵) که به بحث درباره پارا و آپارا پراکرتی^۲ می‌پردازد، مورد تأیید واقع شده است. عناصر طبیعت - خاک، آتش، آب، هوا، اتر، ذهن، شعور و منیت کاذب - همگی به انرژی پست یا مادی خداوند تعلق دارند در حالی که موجودات زنده یعنی انرژی زنده، پاراپراکرتی (انرژی برتر) خداوند می‌باشد. هر دو پراکرتی یا هر دو انرژی از خداوند نشأت می‌گیرند و در نهایت او کنترل‌کننده هر آن چیز موجود است. در عالم چیزی وجود ندارد که به پارا و آپارا پراکرتی تعلق نداشته باشد؛ بنابراین همه چیز در تملک وجود متعال است.

وجود متعال یا شخصیت مطلق خداوند، شخصی کامل است و از خرد کاملی برای تنظیم همه چیز، توسط نیروهای مختلف خویش، برخوردار می‌باشد. وجود متعال خداوند غالباً با آتش مقایسه می‌شود و همه چیزهای زنده و غیرزنده با گرما و نور حاصل از آتش قیاس می‌شوند. درست همان‌گونه که آتش، انرژی را به صورت گرما و نور پخش می‌کند، خداوند نیز انرژی خود را به صور گوناگون متجلی می‌سازد. بدین‌سان او کنترل‌کننده، نگهدارنده و حاکم غایی همه چیز است. او مالک همه توانایی‌ها، داننده هر چیز و ولی‌نعمت همگان است. او سرشار از تمامی توانگری‌های غیرقابل درک همچون قدرت، ثروت، شهرت، زیبایی، دانش و انقطاع است. بنابراین انسان باید آن‌چنان خردمند باشد که تشخیص دهد جز خداوند هیچ وجودی بر هیچ چیز مالکیتی ندارد. انسان باید تنها چیزهایی را پذیرا گردد که به عنوان سهم او توسط خداوند کنار نهاده شده است. برای مثال گاو شیر می‌دهد، ولی از آن شیر تغذیه نمی‌کند. گاو علف و غلات می‌خورد و شیر او به عنوان غذای انسان در نظر گرفته شده است. تدبیر الهی چنین است و باید با آنچه که پروردگار با لطف و رحمت خویش برای ما کنار نهاده است راضی و خشنود باشیم؛ و همواره باید در نظر داشته باشیم که آنچه در مالکیت ماست، حقیقتاً به چه کسی تعلق دارد.

برای مثال، خانه از خاک، چوب، سنگ، آهن، سیمان و بسیاری از مواد دیگر ساخته شده است و اگر بر مبنای شری- ایشوپانی‌شاد بیان‌دیشیم، باید بدانیم که ما قادر نیستیم هیچ‌یک از این مواد را خود ایجاد کنیم. ما تنها می‌توانیم به وسیله تلاش و عمل خود این مواد را جمع‌آوری و به اشکال مختلف تبدیل نماییم. یک کارگر نمی‌تواند به صرف تلاش برای ساختن چیزی، ادعای مالکیت آن را بکند.

¹ pūrṇam

² parā and aparā prakṛti

در جامعه کنونی، همواره نزاع شدیدی بین کارگران و سرمایه‌داران وجود دارد. این نزاع جنبه بین‌المللی به خود گرفته، و دنیا نیز به خطر افکنده شده است. آدمیان همچون سگ و گربه با خشم و دشمنی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. شری-ایشوپانی‌شاد پند و اندرز برای سگ و گربه ندارد، بلکه پیام خداوند را از طریق آچاریاهای معتبر (معلمان مقدس) به انسان می‌رساند. نوع بشر باید حکمت و دایی را از ایشوپانی‌شاد فرا گیرد، و نزاع بر سر مالکیت مادی را به کناری گذارد. انسان باید با هر امتیازی که از روی رحمت خداوند به او اعطا شده است، راضی باشد. اگر کمونیست‌ها یا سرمایه‌داران یا هر گروه دیگری بر ذخایر طبیعت - که همگی آنها به خداوند تعلق دارند - ادعای مالکیت کنند، دیگر آرامش و صلحی به جای نخواهد ماند. سرمایه‌داران نمی‌توانند فقط با مانورهای سیاسی سد راه کمونیست‌ها گردند و کمونیست‌ها نیز نمی‌توانند تنها با جنگیدن بر سر نان مسروقه، سرمایه‌داران را شکست دهند. اگر آنها مالکیت شخصیت متعال خداوند را تشخیص ندهند، پس تمامی اموالی را که ادعا می‌کنند متعلق به آنها است، به‌عنوان اموال مسروقه محسوب می‌شوند. در نتیجه آنها سزاوار مجازات توسط قوانین طبیعت مادی خواهند بود. بمب‌های هسته‌ای هم در اختیار کمونیست‌هاست و هم در اختیار سرمایه‌داران. اگر آنها مالکیت خداوند متعال را تشخیص ندهند، بدون تردید بمب‌ها سرانجام هر دو گروه را از بین خواهد برد. بدین‌ترتیب این دو گروه برای بقای خود و ایجاد صلح در جهان باید از آموزش‌ها و دستورات شری-ایشوپانی‌شاد پیروی نمایند.

انسان‌ها برای جنگیدن همانند سگ و گربه آفریده نشده‌اند. آنها باید چنان هوشمند باشند که اهمیت و هدف حیات انسانی را درک کنند. وداها برای بشریت فراهم آورده شده است، نه برای سگ و گربه. سگ و گربه می‌توانند بدون آن که مرتکب گناهی شوند دیگر حیوانات را بکشند، ولی اگر انسانی برای ارضای ذائقه سرکش خود حیوانی را نابود سازد، در قبال تخطی از قوانین طبیعت مسئول است. و در نتیجه باید مجازات شود.

معیار زندگی بشری را نمی‌توان برای حیوانات در نظر گرفت. ببر، برنج، گندم و یا شیر گاو نمی‌خورد، زیرا خوراک او به صورت گوشت حیوان در اختیارش گذارده شده است. حیوانات و پرندگان بسیاری وجود دارند که گیاه‌خوار و یا گوشت‌خوار هستند، ولی هیچ یک از آنها از قوانین طبیعت که توسط مشیت الهی مقرر گشته است، تخطی نمی‌کنند. حیوانات، پرندگان، خزندگان و گونه‌های پست‌تر حیات به طور دقیق از قوانین طبیعت پیروی می‌کنند؛ بنابراین مسئله‌ای به عنوان گناه برای آنان وجود ندارد و آموزش‌های و دایی نیز برای آنان نیست. فقط حیات انسانی است که با مسئولیت همراه می‌باشد. این اشتباه است که تصور کنیم تنها با گیاه‌خوار شدن می‌توان از تخطی به قوانین طبیعت برحذر بود. گیاهان نیز دارای حیات هستند. این قانون طبیعت است که یک موجود زنده برای تغذیه موجود دیگر مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین شخص نباید از این‌که به‌طور کامل گیاه‌خوار است، به خود ببالد؛ مسئله، شناخت خداوند متعال است. حیوانات فاقد آن چنان آگاهی و ادراکی هستند که به شناخت خداوند ناائل گردند؛ ولی انسان به اندازه‌ای هوشمند است که می‌تواند تعالیمی را از متون و دایی فرا گیرد و چگونگی عملکرد قوانین طبیعت را دریابد و همچنین می‌تواند از این دانش بهره‌مند

شود. چنانچه انسان نسبت به آموزش‌های وداها غفلت ورزد، زندگی او بسیار پرمخاطره خواهد گشت. بنابراین لازم است که انسان به شناخت مرجعیت خداوند همت گمارد و عابد خدا شود. او باید همه چیز را برای خدمت به خداوند، تقدیم کند و تنها از باقیمانده غذایی که به خداوند تقدیم گردیده است، سهمی را برگیرد. این امر او را قادر خواهد ساخت تا وظیفه خود را به درستی انجام دهد. در بهاگواد- گیتا (۲۶/۹) خداوند به وضوح می‌فرماید که غذاهای گیاهی را از دستان یک عابد پاک می‌پذیرد. بنابراین انسان نه تنها باید به‌طور کامل گیاه‌خوار باشد، بلکه باید عابد خداوند نیز گردد و تمامی غذاهای خود را به او تقدیم کند؛ آن‌گاه باید فقط از پراسادام^۱ یا لطف خداوند بهره گیرد. تنها عابدی که بتواند در چنین آگاهی عمل نماید، قادر است وظیفه زندگی انسانی را به شایستگی به انجام رساند. آنان که از تقدیم غذای خود به خداوند سرباز می‌زنند، در واقع مرتکب گناه می‌شوند و خود را در معرض انواع گوناگون پیریشانی‌ها و گرفتاری‌ها که نتیجه گناهان مختلف می‌باشند، قرار می‌دهند (ب.گ. ۱۳/۳).

ریشه گناه، نافرمانی عمدی از قوانین طبیعت، به علت عدم تشخیص مالکیت خداوند است. نافرمانی از قوانین طبیعت یا دستورات خداوند، سبب نابودی بشر می‌شود. اگر شخص، هوشیار و از قوانین طبیعت آگاه باشد، تحت تأثیر دلبستگی یا دلزدگی غیرضروری قرار نگیرد، بدون تردید توسط خداوند پذیرفته می‌شود و شایسته بازگشت به نزد خداوند و خانه جاودان خود خواهد گشت.

¹ prasādam

مانترای دو

*kurvann eveha karmāṇi
jijīviṣec chatam samāḥ
evam tvayi nānyatheto 'sti
na karma lipyate nare*

kurvan - انجام مستمر؛ *eva* - بنابراین؛ *iha* - در طول این دوره زندگی؛ *karmāṇi* - کار؛ *jijīviṣet* - فرد باید تمایل به زندگی داشته باشد؛ *śatam* - یکصد؛ *samāḥ* - سال‌ها؛ *evam* - چنین زندگی می‌کند؛ *tvayi* - به تو؛ *na* - نه؛ *anyathā* - گزینه، چاره؛ *itaḥ* - از این مسیر؛ *asti* - وجود دارد؛ *na* - نه؛ *karma* - کار؛ *lipyate* - می‌تواند محدود شود؛ *nare* - به یک انسان.

آن‌که همواره بدین صورت عمل می‌کند، می‌تواند آرزوی زندگی صدها ساله را در سر بپروراند؛ زیرا عملکردی این چنین، او را به دام قانون کارما نمی‌افکند. برای انسان چاره‌ای جز این وجود ندارد.

شرح

هیچ‌کس نمی‌خواهد بمیرد؛ همه می‌خواهند تا جایی که ممکن است، زنده بمانند. این گرایش نه تنها به صورت فردی بلکه به صورت جمعی نیز در گروه، جامعه و ملت به چشم می‌خورد. تمامی انواع گوناگون موجودات، برای ادامه حیات در تقلا و کشمکش سختی به سر می‌برند؛ و بر اساس گفته وداها چنین امری کاملاً طبیعی است. موجود زنده به طور ذاتی جاودان است، ولی به علت گرفتاری در موجودیت مادی، باید بدن خود را بارها و بارها تعویض نماید. این جریان، انتقال روح نامیده می‌شود و به علت کارما - باندهانا^۱ یا "گرفتاری در بند اعمال خود" می‌باشد. موجود زنده باید برای گذراندن زندگی خود کار کند. این قانون طبیعت مادی است؛ و اگر او بر طبق وظایف تجویز شده خود عمل نکند، از قوانین طبیعت تخطی نموده است و بیشتر و بیشتر در چرخه تولد و مرگ در گونه‌های بسیاری از زندگی گرفتار می‌سازد.

گونه‌های دیگر حیات نیز تحت سلطه چرخه تولد و مرگ قرار دارند، ولی موجود زنده‌ای که به حیات انسانی نائل می‌گردد، از موقعیت رهایی از بندهای کارما^۲ برخوردار می‌شود. کارما، آکارما^۳ و

^۱ karma-bandhana

^۲ karma

^۳ akarma

ویکارما^۱ به وضوح در بهاگاود-گیتا توصیف شده‌اند. اعمالی را که بر اساس وظایف تجویز شده شخص، همان گونه که در کتب مقدس اشاره شده‌اند، انجام می‌شوند کارما نامیده می‌شوند. اعمالی که انسان را از چرخه تولد و مرگ رها می‌سازند آکارما نام دارند. و اعمالی که با استفاده نادرست از آزادی خود انجام می‌شوند و شخص را به گونه‌های پست‌تر حیات سوق می‌دهند، ویکارما نامیده شده‌اند. خردمندان از میان این سه گونه، عملی را ترجیح می‌دهند که آنان را از بند کارما برهاند. انسان‌های عادی برای مورد توجه قرار گرفتن و دستیابی به موقعیت بالاتر در این زندگی یا در زندگی بهشتی، مایلند که به انجام کارهای نیک بپردازند؛ ولی انسان‌های پیشرفته‌تر خواستار رهایی از تمامی موارد عمل و عکس‌العمل هستند. افراد هوشمند به خوبی می‌دانند که اعمال خوب و بد، هر دو، شخص را به طرز یکسانی در رنج‌های مادی به بند می‌کشد. در نتیجه به جستجوی عملی می‌پردازند که آنها را از عکس‌العمل کارهای خوب و بد رها سازد.

آموزش‌های شری-ایشوپانیساد در بهاگاود-گیتا - که در پارهای اوقات گیتوپانیساد^۲ یا عصاره تمامی اوپانیسادهای نامیده می‌شود - با دقت بیشتری توصیف شده است. در بهاگاود-گیتا (۹/۳-۱۶) شخصیت اعلای خداوند می‌فرماید که انسان نمی‌تواند بدون اجرای وظایف تجویز شده که در متون ودایی ذکر شده است به مرحله نایشکارما^۳ یا آکارما دست یابد. وداها قادرند که نیروی فعال انسان را بگونه‌ای هدایت کنند که شخص به تدریج بتواند مرجعیت وجود متعال را درک کند. آن هنگام که شخص مرجعیت شخصیت متعال خداوند، واسودوا یا کریشنا، را درک کرد، باید دانست که او به مرحله دانش مناسب دست یافته است. در چنین مرحله‌ای از وارستگی، گونه‌های طبیعت یعنی نیکی، شهوت و جهل نمی‌توانند عمل کنند و شخص قادر می‌گردد که بر مبنای نایشکارما عمل نماید. این گونه اعمال انسان را در چرخه تولد و مرگ محصور نمی‌سازد.

در حقیقت هیچکس نباید جز انجام خدمت عابدانه برای خداوند، عملی را انجام دهد. ولی به هر حال در مراحل پست‌تر حیات، شخص قادر نیست به یکباره خدمت عابدانه خداوند را بپذیرد؛ و همچنین نمی‌تواند از اعمال کامجویانه به طور کامل چشم‌پوشد. روح مقید بر این عادت است که همواره برای ارضای حواس و منافع خودخواهانه - چه منافع فوری یا درازمدت - به کار و عمل بپردازد. شخص عادی برای ارضای حواس خود عمل می‌کند، و هنگامی که اصل ارضای حواس گسترده شود، به گونه‌ای که جامعه، ملت یا به طور کلی بشریت را در برگیرد، اسامی جذاب مختلفی چون نوع‌دوستی، سوسیالیزم، کمونیسم، ملی‌گرایی، بشردوستی و غیره را به خود می‌گیرد. این "ایسم‌ها" بدون تردید اشکال جذابی از کارما باندھانا (اعمال مقیدکننده) می‌باشند، ولی آموزش ودایی ایشوپانیساد این است که اگر کسی واقعاً بخواهد که ورای هریک از این "ایسم‌ها" زندگی کند، باید همه

¹ vikarma

² Gītopaniṣad

³ naiṣkarma

آنها را خدا محور^۱ نماید. هیچ ضرری وجود ندارد که کسی مرد خانواده، نوع دوست، سوسیالیست، کمونیست، ملی گرا یا بشردوست باشد، به شرط آن که فعالیت های خود را در ارتباط با ایشاواسیا^۲ یا مفهوم "محور قرار دادن خدا" انجام دهد.

در بهاگاود-گیتا (۴۰/۲) آمده است که فعالیت های خدامحور به اندازه ای با ارزش هستند که فقط اندکی از آنها شخص را در برابر بزرگ ترین خطرات حفظ می نماید. بزرگ ترین خطر زندگی، سقوط مجدد به چرخه تکاملی تولد و مرگ در میان ۸۴۰۰۰۰۰ نوع گونه حیاتی می باشد. اگر شخصی موقعیت روحانی خود را که به وسیله شکل انسانی حیات برای وی فراهم گشته است، به طریقی از دست بدهد و بار دیگر به چرخه تکاملی سقوط کند، بدبخت ترین موجود به شمار می آید. شخص نادان به دلیل حواس ناقص خود، از وقوع این فاجعه بی خبر است. در نتیجه، شری- ایشوپانیشاد به ما اندرز می دهد که نیروی خود را بر مبنای مفهوم ایشاواسیا به کار گیریم. اگر اشتغال و توجه ما چنین باشد، می توانیم آرزو کنیم که سال های سال به زندگی ادامه دهیم؛ در غیر این صورت زندگی طولانی به خودی خود ارزشی ندارد. درخت برای صدها و یا شاید هزارها سال زندگی می کند، ولی این عمر طولانی، یا تنفسی به بلندای دم آهنگری، یا تولید مثلی همانند سگ و خوک، و یا خوردن مانند شتر از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. زندگی ساده ای که محور آن خداوند باشد، به مراتب گران به تر از نیرنگ بزرگی همچون زندگی نوع دوستانه و سوسیالیزم، که خداوند در آن محلی از اعراب ندارد، می باشد.

هنگامی که فعالیت های نوع دوستانه بر اساس مفاهیم شری- ایشوپانیشاد انجام پذیرد، گونه ای از کارما یوگا^۳ به شمار می آیند. این فعالیت ها در بهاگاود-گیتا (۹-۵/۱۸) توصیه شده اند، زیرا مجری آنها را از خطر سقوط به چرخه تکاملی تولد و مرگ می رهاوند. حتی اگر چنین فعالیت های خدامحوری ناتمام باقی بماند، همچنان برای انجام دهنده آن مفید خواهد بود؛ زیرا حیات انسانی را در زندگی آینده برای وی تضمین می کند. بدین گونه او می تواند از فرصت دیگری برای ارتقای موقعیت خود در مسیر رهایی بهره مند شود.

¹ God-centered

² īśāvāsya

³ karma-yoga

مانترای سه

asuryā nāma te lokā
andhena tamasāvṛtāḥ
tāms te pretyābhigacchanti
ye ke cātma-hano janāḥ

-asuryāḥ- منظور شده برای خدانشناسان؛ -nāma- مشهور به وسیله نام؛ -te- آنان؛ -lokāḥ- سیارات؛ -andhena- به وسیله جهل؛ -tamasā- به وسیله تاریکی؛ -āvṛtāḥ- پوشیده شدند؛ -tān- آن سیارات؛ -te- آنان؛ -pretya- پس از مرگ؛ -abhigacchanti- داخل می‌شوند؛ -ye- هر کسی؛ -ke- همگان؛ -ca- و؛ -ātma—hano- کشنده جان؛ -janāḥ- اشخاص.

کشنده جان، هر آن کس که باشد، رهسپار کراتی می‌گردد که به عوالم بی‌ایمانان معروف است، عوالمی مملو از ظلمت و جهل.

شرح

زندگی انسانی به واسطه مسئولیت‌های شدید و سنگین، از زندگی حیوانی متمایز می‌گردد. کسانی که به این مسئولیت‌ها آگاه هستند و در جهت آن فعالیت می‌کنند، سورا^۱ (خدانشناس) نامیده می‌شوند؛ ولی دیگران که در برابر این مسئولیت‌ها سهل‌انگار هستند و یا به آنها وقوف ندارند، آسورا^۲ (پلید) نام دارند. در سراسر جهان تنها این دو نوع انسان وجود دارد. در ریگ ودا آمده است که سوراها همواره متوجه قدوم نیلوفرین خداوند متعال ویشنو هستند و بر مبنای آن عمل می‌کنند. راه آنها چون مسیر انوار خورشید، روشن و نورانی است.

انسان هوشمند همواره باید به یاد داشته باشد که این شکل ویژه کالبد انسانی پس از میلیون‌ها سال تکامل و پس از انتقال‌های طولانی روح حاصل شده است. دنیای مادی گاه به اقیانوس تشبیه گردیده و این کالبد انسانی در حکم قایق محکمی است که به ویژه برای عبور از این اقیانوس طراحی شده است؛ همچنین کتب ودایی و آچاریاها^۳ یا معلمان روحانی به قایقرانان مجرب، و امکانات کالبد انسانی نیز به نسیم مساعدی مانند شده‌اند که حرکت آرام قایق را به سوی مقصد مورد نظر میسر می‌سازند. چنانچه شخص با تمامی این امکانات، زندگی انسانی خود را به طور کامل صرف خودشناسی

¹ sura

² asuras

³ ācāryas

نکند، او را باید آتما-ها^۱ یا کشنده روح به شمار آورد. شری-ایشوپانیساد با عباراتی روشن هشدار می‌دهد که کشنده روح برای تحمل غذایی طولانی رهسپار تاریک‌ترین مراتب جهل می‌گردد. نیازهای مادی حیواناتی چون خوک، سگ، شتر و الاغ، درست به همان اندازه اهمیت دارد که نیازهای مادی ما، ولی مسائل مادی این حیوانات تحت شرایط نامطلوب و ناخوشایندی حل می‌شود. تمامی امکانات یک زندگی راحت توسط قوانین طبیعت در اختیار انسان قرار داده شده است، زیرا حیات انسانی به مراتب بااهمیت‌تر و باارزش‌تر از حیات حیوانی می‌باشد. چرا انسان در مقایسه با خوک و دیگر حیوانات از زندگی بهتری بهره‌مند است؟ چرا تمامی امکانات به یک مقام عالی‌رتبه داده می‌شود، نه به یک کارمند ساده جزء؟ پاسخ این است که مأمور عالی‌رتبه باید به انجام مسئولیت‌هایی بپردازد که در مراتب بالاتری قرار دارد. انسان در مقایسه با حیوانات که همواره مشغول سیر کردن شکم‌های گرسنه خود هستند، وظایف مهم‌تری را بر عهده دارد. با این وجود تمدن امروزی نابودگر روح، تنها بر مسائل شکم گرسنه افزوده است. هنگامی که از حیوان آراسته‌شده‌ای که به شکل انسان متمدن امروزی است، درخواست شود که بهره‌ای از خودشناسی بگیرد، پاسخ خواهد داد که تنها خواهان آن است که برای ارضای شکم کارکند، و هیچ نیازی به خودشناسی برای یک انسان گرسنه نیست. با این حال، قوانین طبیعت به قدری بی‌رحم هستند که با وجود عیب‌جویی از نیاز به خودشناسی و اشتیاق او به سخت کار کردن برای سیر نمودن شکمش، وی همواره با مسئله بیکاری تهدید می‌شود.

شکل حیات انسانی از این جهت به ما داده نشده است تا همانند الاغ‌ها، خوک‌ها و سگ‌ها به‌سختی کار کنیم، بلکه به‌منظور دستیابی به بالاترین کمال زندگی می‌باشد. اگر نسبت به خودشناسی بی‌توجه باشیم، قوانین طبیعت ما را وادار به کار بسیار شدید می‌کند؛ هرچند که ممکن است چنین وضعیتی مطابق میل ما نباشد. آدمی در این زمانه مجبور به سخت کار کردن مانند الاغ و گاوی که گاری را می‌کشد، شده است. در این آیه شری-ایشوپانیساد از مکان‌هایی پرده برداشته شده است که آسوراها برای کار، روانه آن‌جا خواهند شد. اگر شخص از انجام وظایف خود به عنوان یک انسان سرباز زند، اجباراً به سیارات آسوراها وارد می‌شود و در میان انواع پست حیات تولد می‌یابد تا در جهل و تاریکی به کار شدید بپردازد.

در بهاگواد-گیتا (۴۳-۴۱/۶) چنین بیان شده است که انسانی که در راه خودشناسی قدم می‌گذارد، ولی علی‌رغم تلاش صادقانه آن را به انتها نمی‌رساند، از این فرصت بهره‌مند می‌گردد تا در خانواده شوچی^۲ یا شریمات^۳ تولد یابد. شوچی به مفهوم برهنمایی^۴ است با مرتبه والای روحانی، و شریمات یعنی وایشیا^۵ یا عضو جامعه بازرگانان. این بدان معناست که شخص توفیق نیافته در شناخت

¹ ātma-hā

² śuci

³ śrīmat

⁴ brāhmaṇa

⁵ vaiśya

رابطه خویش با خداوند، به دلیل کوشش‌های خالصانه در زندگی‌های گذشته، از فرصت مساعدتری برای خودشناسی بهره‌مند می‌گردد. اگر حتی به چنین طالبان ناموفقی، امکان تولد در خانواده‌ای محترم و اشرافی داده می‌شود، مشکل می‌توان تصور کرد که مقام و مرتبه توفیق‌یافتگان در کجاست. تلاش برای شناخت خداوند، به تنهایی تضمین می‌کند که تولد بعدی در خانواده‌های اعیان و نجبا صورت خواهد پذیرفت. ولی کسانی که هیچ تلاشی در این راه نمی‌کنند و می‌خواهند در توهم بسر برند، آنان که بسیار دنیوی و وابسته به لذت‌های مادی می‌باشند، باید همان‌گونه که در متون ودایی تأیید شده است، به تاریک‌ترین نواحی دوزخ قدم گذارند. این گونه آسوراهای مادی‌گرا، گاه تظاهر به دین‌داری می‌کنند، ولی هدف اصلی آنان کامیابی دنیوی است. بهاگاواد-گیتا (۱۶/۱۷-۱۸) با مخاطب قرار دادن چنین افرادی با عنوان آتما-سامبهاویتا^۱ آنان را ملامت می‌کند، زیرا آنان با آرای نادانان و توانایی مالی خود قدرت یافته‌اند و در اثر نیرنگ است که بااهمیت محسوب می‌شوند. چنین آسوراهايي که از خودشناسی و شناخت ایشا واسیا- مالکیت جهانی خداوند - بی‌نصیب هستند، بدون تردید به تاریک‌ترین نواحی رهسپار خواهند گردید.

نتیجه این است که ما به عنوان موجود زنده، با جایگاه متزلزل خود، تنها برای حل مسائل اقتصادی در این جا حضور نداریم، بلکه وجود ما برای حل تمامی مسائل زندگی مادی است که به وسیله قوانین طبیعت بر ما اعمال شده است.

¹ ātma-sambhāvita

مانترای چهار

*anejad ekam manaso javīyo
nainad devā āpnuvan pūrvam arṣat
tad dhāvato 'nyān atyeti tiṣṭhat
tasminn apo mātariśvā dadhāti*

-anejat - مستقر؛ ekam - فرد؛ manasaḥ - از ذهن؛ javīyaḥ - چابک‌تر، سریع‌تر؛ -na - enat - این خداوند متعال؛ devāḥ - خداوندگاران؛ همچون ایندرا و غیره؛ āpnuvan - می‌تواند نزدیک شود؛ pūrvam - در مقابل؛ arṣat - با حرکت سریع؛ tat - او (خداوند)؛ dhāvataḥ - کسانی که می‌دوند؛ anyān - دیگران؛ atyeti - می‌گذرد؛ tiṣṭhat - باقی در یک مکان؛ tasmin - در او (خداوند)؛ apah - باران؛ mātariśvā - خداوندگاران؛ که باد و باران را کنترل می‌کنند؛ dadhāti - تأمین.

گرچه شخصیت متعال خداوند در منزلگاه خویش مستقر است، ولی تیزتر از ذهن حرکت می‌کند و می‌تواند بر تمام دوندگان غلبه نماید. فرشتگان نیرومند را یارای نزدیکی بدو نیست. هرچند که خداوند در جایگاهش می‌باشد، اما بر فراهم‌آوردن دگان هوا و باران نظارت دارد. او در فضیلت از همه برتر است.

شرح

پروردگار متعال که شخصیت مطلق خداوند است، از طریق فکر و تعمق فلسفی، حتی برای بزرگ‌ترین فلاسفه قابل شناخت نیست. تنها عابدان خداوند می‌توانند به واسطه رحمتش، به شناخت وی نائل گردند. در ”برهما-سامهیتا“ گفته شده است که اگر یک فیلسوف غیرعابد، حتی برای صدها سال با سرعت باد یا ذهن پیش رود، حقیقت مطلق را همچنان بسیار دور از خود خواهد یافت. همان گونه که در ”برهما-سامهیتا“ (۳۷/۵) شرح داده شده است، شخصیت اعلای خداوند منزلگاه متعالی دارد به نام ”کریشنا لوکا“ که وی در آن جا مستقر است و به بازی‌های متعال خود مشغول می‌باشد. با این وجود خداوند می‌تواند با قدرت‌های غیرقابل تصور در آن واحد به هر بخش از انرژی خلق‌کننده خود وارد گردد. در ”ویشنو پورانا“ قدرت‌های خداوند با حرارت و نوری که از آتش ناشی می‌گردد، قیاس شده است. آتش در حالی که در یک محل قرار دارد، می‌تواند نور و حرارت را در همه جا پخش کند؛ به همین ترتیب شخصیت اعلای خداوند هر چند که در منزلگاه متعالش مستقر است، ولی قادر است انرژی‌های گوناگون خود را در همه جا بگستراند.

هرچند که انرژی‌های خداوند بشمار هستند، ولی می‌توان آنها را به سه دسته اصلی بخش کرد: انرژی درونی، انرژی حاشیه‌ای و انرژی بیرونی. برای هر کدام از این دسته‌ها، صدها یا میلیون‌ها زیرمجموعه وجود دارد. فرشتگان کنترل‌کننده، که قدرت نظارت و اداره پدیده‌های طبیعی مانند هوا، نور، باران و غیره به آنها داده شده است، در انرژی حاشیه‌ای شخص مطلق طبقه‌بندی شده‌اند. موجودات زنده پایین‌تر، از جمله انسان‌ها، نیز به انرژی حاشیه‌ای خداوند تعلق دارند. دنیای مادی، پیدایش انرژی بیرونی، و عالم روحانی یا ملکوت خداوند، تجلی انرژی درونی او می‌باشد.

بدین ترتیب انرژی‌های گوناگون خداوند در همه جا حضور دارند. اگرچه بین خداوند و انرژی‌های او تفاوتی وجود ندارد، ولی نباید حقیقت متعال را با این انرژی‌ها اشتباه گرفت. همچنین نباید به اشتباه تصور کرد که خداوند متعال به صورت فاقد هویت در همه جا گسترده است و یا آن که وجود شخصی خود را از دست می‌دهد. انسان‌ها عادت دارند تا بر اساس ظرفیت ادراک خود به نتایجی دست یابند، اما شخصیت متعال خداوند در حیطه ظرفیت ادراک محدود ما نمی‌گنجد. به همین دلیل است که اوپانی‌شادها ما را آگاه می‌سازند که هیچ‌کس نمی‌تواند با توان محدود خویش به خداوند نزدیک شود.

خداوند در بهاگاواد-گیتا (۲/۱۰) می‌فرماید که حتی ریشی‌ها و سورا‌های بزرگ نیز قادر نیستند او را بشناسند، چه رسد به آسوراها که حتی از شایستگی درک نحوه عملکرد خداوند نیز عاجز هستند. این مانترای چهارم شری-ایشوپانی‌شاد به وضوح بیان می‌دارد که در نهایت امر، حقیقت مطلق همان شخصیت مطلق است؛ در غیر این صورت ضرورتی نداشت که این همه نکات گوناگون در تأیید وجوه واجد شخصیت خداوند ذکر شود.

هرچند که اجزای جدایی‌ناپذیر انرژی‌های خداوند، همه ویژگی‌های خداوند را دارا هستند، ولی دامنه فعالیت آنها محدود، و در نتیجه تمامی آنها نیز محدود می‌باشند. اجزا هیچگاه با کل برابر نیستند، و در نتیجه قادر نخواهند بود تا نیروی کامل پروردگار را درک کنند. موجودات جاهل و نادان که در زمره اجزای خداوند می‌باشند، تحت تأثیر طبیعت مادی تلاش می‌نمایند که درباره موقعیت متعال خداوند به حدس و گمان بپردازند. شری-ایشوپانی‌شاد هشدار می‌دهد که تحلیل ذهنی درباره هویت خداوند عبث است. انسان باید تلاش کند تا درباره متعال از منبع والامرته‌ای چون وداها بیاموزد، چرا که خداوند به تنهایی سرشار از دانش متعال می‌باشد.

هر یک از اجزا و ذرات کل کامل، از انرژی ویژه‌ای جهت عمل و فعالیت برخوردار است. هنگامی که موجود زنده خرد، فعالیت‌های ویژه خود را تحت اراده خداوند به دست فراموشی می‌سپارد، در مایا یا توهم قرار می‌گیرد. بدین جهت شری-ایشوپانی‌شاد از همان آغاز ما را آگاه می‌سازد تا درباره اجرای نقشی که خداوند برای ما تعیین نموده است، بسیار دقیق باشیم. این بدان معنا نیست که روح فردی، خود فاقد ابتکار و قریحه است، زیرا او ذره‌ای از پروردگار است و باید از ابتکار و قریحه خداوند نیز بهره گرفته باشد. هنگامی که شخص، هوشمندانه و به صورت صحیح، قریحه یا طبیعت فعال خود

را به کار می‌گیرد، و درمی‌یابد که همه چیز نیروی خداوند است، می‌تواند آگاهی اصلی خود که در نتیجه تماس با مایا یا انرژی بیرونی منحرف شده است، را باز یابد.

تمامی قدرت‌ها از خداوند ناشی می‌گردد؛ بنابراین هر قدرت ویژه‌ای باید برای اجرای خواست و اراده خداوند بکار گرفته شود و نه برای موردی دیگر. خداوند توسط کسی شناخته می‌شود که رفتار متواضعانه‌ای را اتخاذ کرده باشد. دانش کامل، یعنی شناخت خداوند در تمامی وجوه او، شناخت نیروهای او و شناخت این که نیروهای خداوند چگونه تحت اراده و خواست او عمل می‌کنند. این مطالب توسط خداوند در بهاگاود-گیتا که عصاره تمامی اوپانیشادها می‌باشد، توصیف شده است.

مانترای پنج

tad ejati tan naijati
tad dūre tad v antike
tad antar asya sarvasya
tad u sarvasyāsyā bāhyataḥ

tat - این خداوند متعال؛ *ejati* - راه می‌رود؛ *tat* - او؛ *na* - نه؛ *ejati* - راه می‌رود؛ *tat* - او؛ *dūre* - بسیار دور؛ *u* - همچنین؛ *antike* - بسیار نزدیک؛ *tat* - او؛ *antah* - درون؛ *asya* - از این؛ *sarvasya* - از همه؛ *tat* - او؛ *u* - همچنین؛ *sarvasya* - از همه؛ *asya* - از این؛ *bāhyataḥ* - در بیرون.

خداوند متعال راه می‌رود و راه نمی‌رود؛ بسیار دور است و در عین حال بسیار نزدیک. در درون همه چیز قرار دارد و نیز در برون آنها.

شرح

در این‌جا از اعمال متعال خداوند که توسط نیروهای غیرقابل تصور او صورت می‌پذیرد، توصیفی به‌عمل آمده است. در این مانترا برای اثبات قدرت‌های غیرقابل تصور خداوند، دو عبارت متناقض بیان شده است: “خداوند راه می‌رود و راه نمی‌رود.” به‌طور معمول اگر کسی بتواند راه برود، غیرمنطقی است که بگوییم او نمی‌تواند راه برود. اما در ارتباط با خداوند چنین تناقضی نشانگر قدرت غیرقابل تصور خداوند است. ما با دانش اندک و محدود خود نمی‌توانیم توضیحی برای این تناقض بیابیم، و بنابراین ما خداوند را در چهارچوب قدرت ادراک محدود خود، درک می‌نماییم. برای مثال، فلاسفه بی‌هویت‌گرای مکتب مایاوا دی تنها اعمالی را از خداوند می‌پذیرند که شخصیت او در آنها مطرح نیست و وجه شخصی خداوند را انکار می‌کنند. در حالی که اندیشمندان مکتب بهاگواتا ادراکی کامل از خداوند را درک می‌نمایند و هر دو وجه شخصی و غیرشخصی او را می‌پذیرند. بهاگواتاها قدرت‌های تصورناشدنی خداوند را نیز تأیید می‌نمایند، زیرا بدون این قدرت‌ها عبارت “خداوند متعال” بی‌مفهوم است.

ما نباید به دلیل آن‌که قادر نیستیم تا با چشمان خود خدا را مشاهده کنیم، چنین فرض کنیم که او فاقد وجه شخصی است. شری - ایشوپانیشاد با آگاه ساختن ما از این که خداوند بسیار دور است و در عین حال بسیار نزدیک، این استدلال را مردود می‌شمارد. منزلگاه پروردگار در ورای دنیای مادی است. ما وسیله‌ای در دست نداریم که حتی بتوانیم با آن دنیای مادی را اندازه‌گیری کنیم. اگر

دنیای مادی این چنین گسترده است، پس درباره عالم روحانی که در ورای این دنیاست، چه می‌توان گفت؟ این موضوع که عالم روحانی در فاصله بسیار دوری از دنیای مادی واقع شده، در بهاگاود-گیتا (۶/۱۵) تأیید شده است. با وجود بسیار دور بودن خداوند از ما، او می‌تواند بی‌درنگ و در یک لحظه، با سرعتی تندتر از فکر یا باد به نزد ما آید. او آن چنان سریع راه می‌رود که هیچ کس قادر به پیشی گرفتن از او نیست. این نکته در مانترای پیش توصیف شده است.

با این حال، هنگامی که شخصیت پروردگار به نزد ما می‌آید، او را نادیده می‌گیریم. این غفلت ابلهانه، توسط خداوند در بهاگاود-گیتا (۱۱/۹) محکوم شده است، در آن‌جا که می‌فرماید: "نادانان با تصور این‌که من موجود فانی هستم مرا مورد تمسخر قرار می‌دهند." پروردگار وجودی فانی نیست، به علاوه او با بدنی از عناصر طبیعت مادی در برابر ما ظاهر نمی‌گردد. بسیاری از به اصطلاح دانشمندان بر این عقیده هستند که خداوند در یک بدن مادی، درست همانند یک موجود زنده عادی، هیوط می‌کند. این‌گونه افراد نادان به دلیل عدم آگاهی از قدرتهای غیرقابل تصور خداوند، وی را در سطح یک انسان عادی تصور می‌نمایند.

از آن‌جایی که پروردگار دارای نیروهای غیرقابل تصور بی‌شماری است، می‌تواند خدمت ما را از هر طریقی بپذیرد، و همچنین می‌تواند نیروهای گوناگون خود را طبق خواست و اراده‌اش به یکدیگر تبدیل نماید. بی‌ایمانان چنین استدلال می‌کنند که خداوند به هیچ وجه نمی‌تواند هیوط کند، و اگر چنین چیزی صورت پذیرد، او به‌عنوان وجهی از انرژی مادی نمایان خواهد شد. اگر ما وجود قدرتهای تصورناشدنی پروردگار را به عنوان حقیقت بپذیریم، این استدلال مردود خواهد بود. چنانچه خداوند حتی به صورت انرژی مادی در برابر ما ظاهر شود، کاملاً می‌تواند این انرژی مادی را به انرژی روحانی تبدیل نماید. از آن‌جایی که منبع انرژی‌ها یکی است، لذا آنها می‌توانند بنابر اراده آن منبع بکار گرفته شوند. برای مثال، خداوند می‌تواند به صورت آرچاویگراها^۱ یعنی به فرم "دیتی"^۲ که ظاهراً از خاک، سنگ یا چوب ساخته شده است، تجلی یابد. شکل‌های دیتی با آن که از چوب، سنگ یا دیگر مواد تراشیده شده‌اند، آن گونه که مخالفان ادعا می‌کنند، بت نیستند.

ما در موقعیت کنونی حیات مادی ناقص خود نمی‌توانیم خداوند متعال را به واسطه دید ناقص و محدود خود مشاهده کنیم. با این وجود عابدانی که می‌خواهند با چشم مادی خداوند را رؤیت کنند، مورد لطف و رحمت او قرار می‌گیرند؛ زیرا که خداوند با ظهور خود در قالبی به اصطلاح مادی، خدمت عابدش را می‌پذیرد. هیچگاه نباید تصور کرد چنین عابدانی که در پایین‌ترین مرحله خدمت عابدانه قرار دارند، بت را پرستش می‌کنند. آنها در حقیقت مشغول پرستش خداوند هستند که پذیرفته است تا به گونه‌ای دست‌یافتنی در برابرشان نمایان گردد. فرم آرچا به دلخواه پرستشگر ساخته نمی‌شود. او همواره با تمام ضمایم خود وجود دارد. این نکته را در حقیقت عابد صادق احساس می‌کند، نه فرد خدانشناس.

¹ arcā-vigraha

² Deity

خداوند در بهاگاواد-گیتا (۱۱/۴) ابراز می‌دارد که بنا بر میزان تسلیم عابد خود، با او رابطه ایجاد می‌کند و چنین حقی را قائل شده است که خود را بر همگان آشکار نسازد، مگر برای ارواحی که تسلیم وی شده‌اند. بدین ترتیب خداوند همواره برای ارواح تسلیم‌شده در دسترس می‌باشد، در حالی که برای کسانی که تسلیم نشده‌اند بسیار دور و دست‌نیافتنی است.

دو واژه ساگونا^۱ (دارای صفات) و نیرگونا^۲ (فاقد صفات) که در اغلب کتب مقدس به چشم می‌خورد، دارای اهمیت زیادی می‌باشند. واژه ساگونا بدان مفهوم نیست که خداوند در هنگام ظهور تحت تأثیر قوانین طبیعت مادی قرار می‌گیرد، هر چند که او در فرم مادی نمایان می‌شود و دارای صفات محسوس است. برای خداوند تفاوتی بین انرژی مادی و روحانی وجود ندارد، زیرا او منشأ تمامی انرژی‌هاست. خداوند به‌عنوان کنترل‌کننده تمامی انرژی‌ها، هیچگاه مانند ما تحت نفوذ آنها قرار نمی‌گیرد. انرژی مادی طبق امر خداوند عمل می‌کند، بنابراین او می‌تواند آن انرژی را بدون آن که تحت تأثیر ویژگی‌هایش واقع شود، برای مقصود خود بکار گیرد. خداوند هیچگاه یک وجود فاقد فرم نیست، زیرا در نهایت او همان فرم ابدی و ازلی - همان پروردگار آغازین - است. وجه فاقد هویت خداوند یا نور برهمن، درخشش انوار شخصی اوست، همچنان که پرتوهای خورشید تابشی است از خداوندگار خورشید.

هنگامی که پراهلادا ماهاراج، آن قدیس خردسال پیش پدر خدانشناس خود بود، پدرش از او پرسید: "خدای تو کجاست؟" هنگامی که پراهلادا پاسخ داد که خدا در همه جا حضور دارد، پدرش با خشم پرسید که آیا خدای او در میان یکی از ستون‌های قصر نیز وجود دارد؟ کودک پاسخ داد: "بلی". آن خدانشناس بی‌درنگ ستون را در برابر فرزندش متلاشی ساخت و خداوند به یکباره در وجه نریسیمها - ظهور نیمه‌شیر و نیمه‌انسان - نمایان شد و پادشاه خدانشناس را کشت. بنابراین خداوند در هر چیز وجود دارد و توسط انرژی‌های گوناگون خود، همه چیز را ایجاد می‌کند. خداوند توسط قدرت‌های تصورناپذیر خود می‌تواند در همه جا حضور یابد تا عابد صادق خود را مورد لطف قرار دهد. خداوند نریسیمها بنا بر خواسته پراهلادای عابد از میان ستون ظاهر شد، نه به فرمان پادشاه خدانشناس. فرد خدانشناس نمی‌تواند به خداوند امر کند تا او ظاهر شود، ولی خداوند برای نشان دادن لطف خود به عابدش، در هر جا ظاهر می‌شود. در بهاگاواد-گیتا (۸/۴) نیز آمده است که خداوند برای نابود ساختن بی‌ایمانان و حفاظت از مؤمنان ظاهر می‌شود. بدیهی است که خداوند برای مغلوب ساختن بی‌ایمانان انرژی‌ها و عوامل کافی را در اختیار دارد، ولی برای او خوشایند است که خود شخصاً عابدی را مورد لطف قرار دهد. بنابراین او به صورت یکی از ظهورات خود هبوط می‌کند. در حقیقت، خداوند تنها برای ابراز لطف به عابدان خود ظاهر می‌شود، نه به دلیلی دیگر.

¹ saguṇa

² nirguṇa

در برهما-سامهیتا (۳۵/۵) آمده است که گوویندا، خداوند ازلی، از طریق بسط کامل خود در همه چیز، در جهان و در تمامی اتم‌های جهان، وارد می‌شود. او در وجه ویرات^۱ خود در برون هر چیز و به صورت آنتاریامی^۲ در درون هر چیز قرار دارد. خداوند به صورت آنتاریامی شاهد تمامی موارد و اتفاقات است و ثمره اعمال ما را به صورت کارما-پهالا^۳ مقرر می‌دارد. ممکن است ما آنچه را که در زندگی‌های گذشته خود انجام داده‌ایم از یاد ببریم، ولی چون خداوند شاهد اعمال ماست، لذا ثمره اعمالمان همواره وجود دارد و باید عکس‌العمل این اعمال را متحمل شویم.

حقیقت این است که در درون و برون، جز خدا هیچ نیست. همه چیز تجلی انرژی‌های گوناگون او می‌باشد، درست همان گونه که گرما و نور از آتش سرچشمه می‌گیرند. بدین ترتیب یگانگی و وحدتی در بین انرژی‌های گوناگون وجود دارد. هر چند یگانگی وجود دارد، ولی خداوند در وجه شخصی خود از تمامی آنچه که برای موجودات زنده خرد - یعنی اجزای وجودش - لذت‌بردنی است، محظوظ می‌گردد.

¹ virāt

² antaryāmī

³ karma-phala

مانترای شش

*yas tu sarvāṇi bhūtāny
ātmany evānupaśyati
sarva-bhūteṣu cātmānam
tato na vijugupsate*

Yah - او که؛ *tu* - اما؛ *sarvāṇi* - تمام؛ *bhūtāni* - موجودات زنده؛ *atman* - در ارتباط با خداوند؛ *eva* - تنها؛ *anupaśyati* - مشاهده به روشی قاعده‌مند؛ *sarva-bhūteṣu* - در تمام موجودات زنده؛ *ca* - و؛ *ātmānam* - روح متعال؛ *tataḥ* - از آن پس؛ *na* - نه؛ *vijugupsate* - تنفر از کسی دارد.

آن که همه چیز را به طور قاعده‌مند در ارتباط با خداوند متعال می‌بیند و به تمامی موجودات چون اجزای او می‌نگرد و آن متعال را در همه چیز مشاهده می‌نماید، هیچگاه به هیچ چیز و هیچ کس نفرت نمی‌ورزد.

شرح

این توصیفی از فرد ماها-بهاگاواتا^۱ یعنی شخص بزرگی است که همه چیز را در ارتباط با خداوند متعال می‌نگرد. سه مرحله برای درک حضور خداوند متعال وجود دارد. کانیشتها-آدهیکاری^۲ در پایین‌ترین مرحله ادراک قرار دارد. او بنا بر عقیده مذهبی خود به معبد، کلیسا یا مسجد می‌رود و در آنجا طبق دستورات کتب مقدس به عبادت می‌پردازد. چنین عابدی می‌پندارد که خداوند در همان عبادتگاه قرار دارد و نه در جای دیگر. عابد کانیشتها-آدهیکاری نمی‌تواند تعیین کند که چه کسی در کدام موقعیت از خدمت عابدانه قرار دارد و همچنین نمی‌تواند اظهار نظر کند که چه کسی به درک خداوند متعال نائل آمده است. این گونه عابدان از قواعد عادی پیروی می‌کنند و می‌پندارند که نوعی خاص از خدمت عابدانه برتر از نوع دیگر است و بر سر این مسئله با یکدیگر به مشاجره می‌پردازند. کانیشتها-آدهیکاری‌ها در حقیقت عابدان مادی هستند که برای دستیابی به بلندای روحانی سعی دارند از مرزهای مادی فراتر روند.

¹ mahā-bhāgavata

² kaniṣṭha-adhikārī

کسانی که به مرحله دوم ادراک خداوندی دست یافته‌اند، مادهیما-آدهیکاری^۱ نامیده می‌شوند. این عابدان چهار اصل را مد نظر دارند: ۱- آنها نخست به خداوند متعال توجه دارند. ۲- سپس عابدان خداوند را در نظر دارند. ۳- آنها بی‌گناهی را مورد توجه قرار می‌دهند که از معرفت خداوند بی‌بهره هستند. ۴- و در نهایت به خدانشناسی نظر می‌افکنند که ایمانی به خداوند ندارند و از عابدان خداوند بیزار هستند. مادهیما-آدهیکاری بنا بر شرایط مختلف، رفتار متفاوتی دارد. او که خداوند را مقصود عشق می‌داند، به ستایش وی می‌پردازد و با کسانی رابطه دوستانه برقرار می‌کند که به خدمت عابدانه اشتغال دارند. او تلاش می‌نماید که عشق خفته خداوند را در قلب بی‌گناهان شکوفا سازد، ولی از خدانشناسان که نام پروردگار را به تمسخر می‌گیرند، دوری می‌جوید.

در سومین مرحله ادراک، اوتاما-آدهیکاری^۲ قرار دارد که همه چیز را در ارتباط با خداوند متعال می‌بیند. چنین عابدی تفاوتی بین خدانشناس و خدانشناس قائل نمی‌شود، و همه را چون اجزای خداوند می‌بیند. او می‌داند که بین برهمن بسیار دانش اندوخته و سگ خیابان تفاوت ماهیتی وجود ندارد و هر دو آنها از خداوند هستند، هر چند که برحسب گونه‌های طبیعت مادی و فعالیت‌های زندگی قبلی، صاحب بدن‌های متفاوت شده‌اند. او می‌بیند آن ذره از وجود خداوند متعال -برهمن- از استقلال اندکی که خداوند در اختیارش قرار داده، سواستفاده نکرده است، ولی آن ذره دیگر -سگ- استقلال خود را درست بکار نگرفته و بر این اساس با محبوس شدن در شکلی از جهل، توسط قوانین طبیعت مجازات شده است. اوتاما-آدهیکاری تلاش می‌کند تا بدون توجه به اعمال خاص برهمن و سگ، به هر دو نیکی نماید. چنین عابد دانایی توسط بدن‌های مادی گمراه نمی‌شود، بلکه مجذوب آن بارقه روحانی است که درون هر موجود زنده‌ای قرار دارد.

کسانی که با تظاهر به احساس یگانگی و برادری از اوتاما-آدهیکاری‌ها تقلید می‌کنند، ولی رفتارشان در آگاهی و سطح جسمانی است، بشردوستان دروغین هستند. مفهوم جهانی برادری را باید از یک اوتاما-آدهیکاری آموخت، نه از شخص نادانی که درباره روح فردی و روح متعال- بسطی از خداوند متعال که در همه جا حضور دارد- شناخت درستی ندارد.

در مانترای ششم به وضوح بیان شده است که شخص باید به ملاحظه و مشاهده بپردازد. مقصود این است که شخص باید از آچاریاهای گذشته یا معلمان بی‌عیب پیروی کند. آنوپاشیاتی^۳ واژه سانسکریت دقیقی است که در این مورد خاص به کار رفته است. آنو^۴ یعنی "پیروی کردن" و پاشیاتی^۵ یعنی "رعایت نمودن". آنوپاشیاتی به این معنی است که شخص نباید چیزها را آن گونه که با چشم غیرمسلح مشاهده می‌کند، ببیند بلکه باید از آچاریاهایی قبلی پیروی کند. چشم غیرمسلح به واسطه نقایص مادی قادر نیست که هر چیزی را درست ببیند. شخص تا هنگامی که از یک منبع برتر نشنیده

¹ madhyama-adhikārīs

² uttama-adhikārī

³ anupaśyati

⁴ Anu

⁵ paśyati

باشد، نمی‌تواند به‌درستی مشاهده کند. برترین منبع، همان خرد ودایی است که توسط خداوند بیان شده است. حقایق ودایی در سلسله شاگردان (پیران)، از خداوند به برهما، از برهما به نارادا، از نارادا به ویاسا و از ویاسا به بسیاری از مریدان دیگر انتقال یافته است. در گذشته، نیازی به نگارش پیام وداها نبود، زیرا مردم در اعصار اولیه از هوش بیشتر و حافظه قوی‌تری برخوردار بودند. آنها می‌توانستند تنها با یک بار شنیدن از دهان یک پیر روحانی معتبر، تمامی آموزش‌ها را دنبال کنند.

در حال حاضر تفسیرهای بسیاری درباره کتب مقدس ودایی وجود دارد، ولی اغلب آنها در سلسله پیرانی که توسط شریلا ویاسادوا^۱ - آموزش‌دهنده اصلی حکمت ودایی - آغاز گردیده است، قرار ندارند. آخرین، کامل‌ترین و عالی‌ترین اثر شریلا-ویاسادوا، شریما-بهاگواتام^۲ است که شرح معتبری از ودانتا-سوترا^۳ می‌باشد. همچنین بهاگاواد-گیتا توسط شخص خداوند بیان و توسط ویاسادوا نگاشته شده است. این‌ها مهم‌ترین کتب مقدس ودایی می‌باشند و هر گونه تفسیری که با اصول گیتا یا شریما-بهاگواتام مغایرت داشته باشد، غیرمعتبر به شمار می‌آید. توافق و هماهنگی کاملی بین اوپانیشادهای ودانتا، وداها، بهاگاواد-گیتا و شریما-بهاگواتام وجود دارد. هیچ‌کس نباید بدون دریافت تعلیم و آموزش‌ها از اعضای سلسله پیران ویاسادوا که به انرژی‌های گوناگون خداوند و شخصیت متعال وی ایمان دارند، به تلاش برای دستیابی به نتیجه‌ای درباره وداها بپردازد.

مطابق آنچه که در بهاگاواد-گیتا (۵۴/۱۸) آمده است، تنها کسی که به مرحله‌هایی دست یافته است (برهما-بهوتا [ش.ب. ۲۰/۳۰/۴]) می‌تواند یک عابد اوتاما-آدهیکاری باشد و همه موجودات را به صورت برادران خویش ببیند. این دیدگاه نمی‌تواند به یک سیاستمدار که همواره به دنبال دستاورد مادی است، تعلق داشته باشد. هنگامی که شخص به تقلید از ویژگی‌های اوتاما-آدهیکاری می‌پردازد، تنها به خدمت به جسم خارجی خود برای کسب شهرت و پاداش مادی مشغول است و به روح خود خدمتی نمی‌کند. چنین مقلدی، به روح و روان خدمت نمی‌کند. عابد اوتاما-آدهیکاری روح تمامی موجودات زنده را می‌بیند و به آنها به عنوان روح خدمت می‌کند. بدین ترتیب وجوه مادی نیز خود به خود از این خدمت بهره‌مند می‌گردد.

¹ Śrīla Vyāsadeva

² Śrīmad-Bhāgavatam

³ Vedānta-sūtra

مانترای هفت

*yasmin sarvāṇi bhūtāni
ātmaivābhūd vijānataḥ
tatra ko mohaḥ kaḥ śoka
ekatvam anupaśyataḥ*

yasmin - در موقعیت؛ *sarvāṇi* - تمام؛ *bhūtāni* - موجودات زنده؛ *ātma* - ذات؛
cit—kaṇa - یا اخگرهای روحانی؛ *eva* - تنها؛ *abhūt* - وجود دارد به صورت؛ *vijānataḥ* - از
کسی که می‌داند؛ *tatra* - از آن جهت؛ *kaḥ* - چه؛ *mohaḥ* - توهم؛ *kaḥ* - چه؛ *śokaḥ* -
اضطراب؛ *ekatvam* - برابری در کیفیت؛ *anupaśyataḥ* - کسی که همواره از طریق مرجعیت
موضوعات را بررسی می‌کند، یا کسی که همواره بدان گونه می‌بیند.

کسی که همواره تمامی موجودات زنده را همچون اخگرهای روحانی می‌بیند که از
نظر کیفی با خداوند یکی هستند، داننده حقیقی امور می‌شود. پس برای او توهم یا اضطراب
چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

شرح

غیر از مادهیاما-آدهیکاری و اوتاما-آدهیکاری که پیشتر مورد بحث قرار گرفت، هیچ کس قادر
نیست موقعیت روحانی یک موجود زنده را به درستی ببیند. موجودات زنده از نظر کیفی با خداوند
یکی هستند، به همان گونه که جرقه‌های آتش از نظر کیفی با آتش یکی می‌باشند. ولی هنگامی که
کمیت مورد نظر باشد، جرقه‌ها با آتش یکسان نیستند، زیرا میزان گرما و نور جرقه‌ها با آتش برابری
نمی‌کند. ماها-بهاگاواتا یا عابد بزرگ، یگانگی یا وحدت را به این مفهوم در نظر می‌گیرد که همه چیز
انرژی خداوند متعال است. از آن جا که هیچ تفاوتی بین انرژی و منشأ آن نیست، لذا یگانگی یا وحدت
مصادق پیدا می‌کند. با آن که از نقطه نظر تحلیلی، حرارت و نور با آتش تفاوت دارند، ولی بدون حرارت
و نور واژه آتش بی‌معنی است، و در ترکیب، حرارت، نور و آتش یکی هستند.

در این مانترا واژه‌های اکاتوام آنوپاش یا تاها¹ به این موضوع اشاره می‌کند که شخص باید
یگانگی تمامی موجودات را از دیدگاه کتب مقدس مشاهده کند. هر یک از اخگرهای فردی از کل
متعال، تقریباً دارای هشتاد درصد کیفیات شناخته‌شده آن کل می‌باشند، ولی از نظر کمی با خداوند

¹ *ekatvam anupaśyataḥ*

یکسان نیستند. این کیفیات به اندازه ناچیزی در موجودات زنده وجود دارند، زیرا آنها اجزای خردی از کل متعال هستند. تشبیه دیگری را می‌توان در نظر گرفت. مقدار نمک موجود در یک قطره آب اقیانوس هیچگاه قابل مقایسه با مقدار نمک موجود در کل اقیانوس نیست. ولی نمک موجود در یک قطره از نظر کیفی، ترکیب شیمیایی یکسانی را در قیاس با نمک موجود در اقیانوس دارا می‌باشد. اگر موجود زنده فردی از نظر کیفی و کمی با خداوند یکی بود، دیگر مسئله‌ای به عنوان تحت نفوذ انرژی مادی قرار گرفتن، وجود نداشت. در مانترهای گذشته توضیح داده شده است که هیچ موجود زنده‌ای، حتی فرشتگان نیرومند، نمی‌تواند در هیچ موردی از آن وجود متعال برتری جوید؛ بنابراین اکاتوام بدین معنی نیست که موجود زنده از همه جهات با خداوند متعال یکسان است. این واژه بدان معنی است که به مفهوم وسیع‌تر، تعلق خاطری مشترک بین آنها وجود دارد؛ درست به همان ترتیب که در میان اعضای یک خانواده و در میان یک ملت - که شامل افراد مختلف است - علائق مشترکی دیده می‌شود. از این رو موجودات زنده اجزا یا افراد یک خانواده متعال می‌باشند و علائق آن وجود متعال و این اجزا با یکدیگر تفاوتی ندارد. هر موجود زنده فرزند آن متعال است. در بهاگاود-گیتا (۵/۷) بیان شده است: "تمامی موجودات زنده در سراسر هستی شامل پرندگان، خزندگان، آبزیان، مورچه‌ها و درخت‌ها و غیره، از انرژی حاشیه‌ای خداوند متعال ایجاد شده‌اند." بنابراین همگی آنها به خانواده خداوند متعال تعلق دارند. در زندگی روحانی تضادی بین علائق وجود ندارد.

وجود موجودات روحانی برای لذت بردن است، همانگونه که در ودانتا-سوترا (۱۲/۱/۱) بیان شده است: "آناندا مایوبه‌یاسات"^۱. طبیعت و ذات هر وجود زنده - چه خداوند و چه هر یک از اجزا - برای کسب لذت ابدی است. موجودات زنده که در زندان دنیای مادی گرفتار آمده‌اند، پیوسته در جستجوی لذت می‌باشند؛ ولی آنرا در جایگاهی نادرست جستجو می‌نمایند. غیر از دنیای مادی، عالمی روحانی نیز وجود دارد که در آن جا، آن وجود متعال با معاشران بی‌شمارش مشغول لذت بردن است. در آن قلمرو اثری از کیفیات مادی وجود ندارد و بنابراین نیروگونا^۲ خوانده می‌شود. در قلمروی نیروگونا تضادی در مورد موضوع لذت وجود ندارد. در این دنیای مادی، همواره بین اجزای مختلف، تضاد و مخالفت حاکم است، زیرا محور اصلی لذت موجود نیست. محور حقیقی لذت، خداوند متعال می‌باشد که محور رقص روحانی و متعال راسا^۳ است. وجود همه ما برای پیوستن به او و لذت بردن از تعلق خاطری متعال و مشترک و بدون هرگونه تضاد است. این بالاترین سکو در تعلق خاطر روحانی است و به محض آن که شخص به درک این فرم کامل یگانگی نائل آید، دیگر توهم^۴ یا تأسف برای او وجود نخواهد داشت.

¹ ānanda-mayo 'bhyāsāt

² nirguṇa

³ rāsa

⁴ moha

تمدن غیرالهی از توهّم بر می‌خیزد و نتیجه آن اندوه و تأسف است. تمدن فاقد خدا مانند آنچه که سیاستمداران امروزی از آن پشتیبانی می‌کنند همواره آکنده از اضطراب است، زیرا هر لحظه ممکن است از بین برود. این قانون طبیعت می‌باشد. همان گونه که در بهاگواد-گیتا (۱۴/۷) آمده است، هیچ‌کس جز آنان که تسلیم قدوم نیلوفرین خداوند متعال می‌شوند، نمی‌توانند بر قوانین بی‌رحم طبیعت فائق آیند. بدین ترتیب اگر خواهان آن هستیم که از تمامی توهّم‌ها و اضطراب‌ها رهایی یابیم، و در بین تمامی علایق گوناگون به ایجاد وحدت بپردازیم، باید خداوند را در تمامی اعمال خود در نظر داشته باشیم.

نتایج تمامی فعالیت‌های ما باید برای خدمت در راستای علایق خداوند بکارگرفته شود و نه به هیچ منظور دیگر. تنها با خدمت به آنچه که تعلق خاطر خداوندی بر آن قرار دارد، می‌توانیم به درک تعلق خاطر آتما-بهوتا^۱ که ذکر آن در این جا به میان آمده است، نائل آییم. تعلق خاطر آتما-بهوتا که در این آیه از آن سخن به میان آمده و تعلق خاطر برهما-بهوتا^۲ (ش.ب. ۲۰/۳۰/۴) که در بهاگواد-گیتا (۵۴/۱۸) به ذکر آن پرداخته شده است، دقیقاً یکی می‌باشند. آتما^۳ متعال یا روح متعال، خداوند است و آتما^۴ خُرد، موجود زنده. آتما^۵ متعال یا پاراماتما^۶ به تنهایی حافظ تمامی موجودات زنده خُرد است، زیرا خداوند متعال می‌خواهد از مهر و محبت آنها لذت برد. پدر از طریق فرزندان خود را بسط می‌دهد و برای لذت بردن به حفظ و نگهداری آنها می‌پردازد. اگر فرزندان به اطاعت از خواست پدر بپردازند، امور خانوادگی نیز به راحتی و با تعلق خاطر مشترکی پیش می‌رود و فضای خوشایندی ایجاد می‌گردد. همین وضعیت نیز در خانواده مطلق پارابرهمن^۵ یا روح متعال به طرز والایی برقرار می‌باشد.

پارابرهمن نیز همانند موجودات دیگر شخص است. هم خداوند و هم موجودات بدون هویت نیستند. این شخصیت‌های متعال، از شمع، دانش و زندگی جاودان متعال سرشار هستند. این موقعیت حقیقی موجودیت روحانی می‌باشد. به محض آن‌که موجودی بر چنین موقعیتی متعال، وقوف کامل یابد، بی‌درنگ به قدوم نیلوفرین شخص متعال -خداوند کریشنا- تسلیم می‌گردد. ولی چنین ماهاتما^۶ یا روح والایی، بسیار نادر است زیرا دستیابی به این ادراک متعال، تنها پس از تولدهای بسیار صورت می‌پذیرد. در هر حال آن‌گاه که رسیدن به چنین درکی میسر می‌گردد، دیگر نشانی از توهّم و پریشانی یا مصائب زندگی مادی یا تولد و مرگ - که همه را در زندگی کنونی خود تجربه می‌کنیم - وجود نخواهد داشت. این پیامی است که از این مانترای شری - ایشوپانیشاد کسب می‌کنیم.

¹ ātma-bhūta

² brahma-bhūta

³ ātmā

⁴ Paramātmā

⁵ Parabrahman

⁶ mahātmā

مانترای هشت

sa paryagāc chukram akāyam avraṇam
asnāviram śuddham apāpa-viddham
kaviṛ manīṣi paribhūḥ svayambhūr
yāthātathyato 'rthān vyadadhāc chāśvatībhyah samābhyah

– saḥ – آن شخص؛ paryagāt – واقعاً باید بداند؛ śukram – قادر مطلق؛ akāyam – بدون جسم مادی؛ avraṇam – بدون عیب؛ asnāviram – بدون رگ و پی؛ śuddham – منزّه؛ apāpa-viddham – پاک؛ kaviḥ – دانای مطلق؛ manīṣi – حکیم؛ paribhūḥ – بزرگ‌ترین در میان همه؛ svayambhūḥ – مستقل، خودکفا؛ yāthātathyataḥ – فقط در جهت پیگیری؛ arthān – تمایلات، آرزوها؛ vyadadhāt – پاداش‌ها؛ śāśvatībhyah – دیرین، ازل؛ samābhyah – زمان.

در حقیقت چنین فردی باید واقعاً آن دانای کل را که بزرگ‌ترین، شخصیت متعال خداوند، جسم‌نیافته، واقف بر همه چیز، فاقد رگ و پی، پاک و بدون آلودگی، و حکیم کاملی است که از عهد ازل آرزوی همگان را برآورده ساخته است، بشناسد.

شرح

در این جا شکل متعال و جاودان شخصیت مطلق خداوند توصیف شده است. خداوند متعال بدون فرم نیست. خداوند دارای شکل روحانی خاص خود می‌باشد که به هیچ وجه به شکل‌های دنیای مادی شباهت ندارد. شکل موجودات زنده از طبیعت مادی نشات می‌گیرد و همانند دستگاه مکانیکی مادی عمل می‌کند. ساختار بدن مادی باید دارای ساختمان مکانیکی چون رگ و پی و غیره باشد، ولی در بدن متعال خداوند چیزی چون رگ و پی وجود ندارد. در این جا به روشنی بیان شده که او جسم نیافته است، بدین مفهوم که بین جسم و روح خداوند تفاوتی وجود ندارد. و همچنین خداوند همانند ما بر طبق قانون طبیعت مجبور به گرفتن بدن نمی‌شود. در ادراک مادی حیات جسمانی، روح با بدن زمخت و ذهن لطیف متفاوت است، در حالی که برای خداوند متعال، بین او و جسم و ذهنش هرگز تفاوتی وجود ندارد. او کل کامل است و ذهن، جسم و ذات او همگی یکسان می‌باشند.

در برهما-سامهیتا (۱/۵) توصیف مشابهی درباره خداوند متعال وجود دارد. او به عنوان سات-چیت-آناندا-ویگراها^۱ توصیف شده است. مقصود آن است که او فرمی جاودانی است که کاملاً بیانگر هستی، دانش و شمع متعال می‌باشد. همچنین او به یک بدن مجزا یا ذهن که ما در هستی خود بدان نیازمندیم، نیازی ندارد. متون ودایی به صراحت بیان می‌دارند که جسم او کاملاً با بدن ما متفاوت است و بدین ترتیب در مواردی به صورت فاقد شکل توصیف شده است. فاقد شکل بودن او بدین مفهوم است که خداوند دارای شکلی همانند جسم ما نیست، او فاقد شکلی است که ما بتوانیم تصور کنیم. همچنین در برهما-سامهیتا (۳۲/۵) گفته شده است که خداوند می‌تواند با هر یک از اعضای بدن خود هر گونه عملی را به انجام رساند. در آن جا گفته شده است که خداوند می‌تواند با هر عضوی از بدن خویش عمل حواس دیگر را به اجرا در آورد. این بدان معناست که او می‌تواند با دست‌های خود راه برود، با پاهای خود چیزها را بپذیرد، با دست و پاهای خود ببیند و با چشمان خود بخورد و غیره. در شروتی-مانتراها^۲ نیز آمده است: "اگرچه خداوند همچون ما دارای دست و پا نمی‌باشد، ولی او نوع متفاوتی از دست و پا را در اختیار دارد که توسط آنها تمامی آنچه را که به وی تقدیم می‌کنیم، می‌پذیرد و چالاکتر از هر دونده‌ای می‌دود." این ویژگی‌ها با استفاده از واژه‌هایی همچون شوکرام^۳ (قادر مطلق) در مانترای هشتم تأیید شده است.

فرم یا وجه قابل پرستش خداوند (آرچا-ویگراها^۴) نیز که توسط آچارپاهای موثق -که مطابق مانترای هفتم به درک خداوند نائل آمده‌اند- در معابد قرار داده شده است، با شکل اصلی او تفاوتی ندارد. شکل اصلی خداوند همان شری کریشنا^۵ است و خداوند کریشنا خود را به شکل‌های بیشماری همچون بالادوا، رام، نریشیمها، واراها و غیره بسط می‌دهد. تمامی این شکل‌ها یکی و همان شخصیت خداوند می‌باشند.

به همین منوال، آرچا-ویگرایی که در معابد پرستش می‌شود نیز یکی از شکل‌های بسط‌یافته خداوند است. انسان می‌تواند با پرستش آرچا-ویگراها بی‌درنگ به خداوند نزدیک شود؛ خداوندی که خدمت عابدش را توسط انرژی مطلق خویش می‌پذیرد. آرچا-ویگراهای خداوند بنا به درخواست آچارپاها -معلم‌ان روحانی- هبوط می‌نماید و توسط انرژی مطلق خداوند، دقیقاً مانند خداوند عمل می‌کند. افراد جاهل که از شری -ایشوپانی‌شاد و شروتی-مانترهای دیگر بی‌خبرند، تصور می‌کنند که آرچا-ویگرایی که توسط عابدان پاک پرستش می‌شوند، از عناصر مادی ساخته شده‌اند. این شکل خداوند ممکن است توسط دید ناقص این افراد نادان یا کانیشتها-آدهیکاری‌ها به صورت مادی به نظر آید، ولی آنها نمی‌دانند خداوند که قادر مطلق و واقف بر همه چیز است، می‌تواند بنا به خواست و اراده خود ماده را به روح و روح را به ماده تبدیل کند.

¹ sac-cid-ānanda-vigraha

² śruti-mantras

³ śukram

⁴ arcā-vigraha

⁵ Śrī Kṛṣṇa

در بهاگاواد-گیتا (۱۱/۹-۱۲) خداوند درباره موقعیت فروافتاده افرادی که از دانش اندکی برخوردارند، اظهار تأسف می‌کند، زیرا آنها به این دلیل که خداوند همچون یک انسان به این دنیا هبوط کرد، او را تمسخر کردند. چنین افراد ناآگاهی از قدرت مطلق الهی بی‌خبرند. از این رو خداوند خود را به طور کامل بر پندارگرایان آشکار نمی‌سازد. خداوند به همان میزانی که شخص به او تسلیم می‌شود، درک می‌گردد. موقعیت فروافتاده موجودات زنده کاملاً بدین دلیل است که آنها رابطه خود با خداوند را به دست فراموشی سپرده‌اند.

در این مانترا چون بسیاری از مانترهای دیگر ودایی به وضوح بیان شده که خداوند از زمان غیر قابل یادآوری مایحتاج موجودات زنده را فراهم آورده است. موجود زنده اگر چیزی را طلب کند، خداوند به نسبت شایستگی وی، خواسته او را برآورده می‌سازد. اگر کسی بخواهد قاضی بلندمرتبه‌ای باشد، نه تنها باید قابلیت‌ها و شایستگی‌های لازم را کسب کند، بلکه باید رضایت مرجعی را نیز فراهم نماید که عنوان قاضی عالی‌مقام را به وی اعطا می‌کند. قابلیت‌ها به‌تنهایی برای دستیابی به منصب کافی نیست. باید مرجع عالی‌تری سمت را اعطا کند. به گونه‌ای مشابه، خداوند نیز با توجه به میزان شایستگی‌های موجودات زنده، آنها را از لذات برخوردار می‌نماید. قابلیت‌ها به‌خودی خود برای بهره‌وری انسان کافی نیست، و لطف خداوند نیز ضروری است.

معمولاً موجود زنده نمی‌داند که چه چیزی را از خدا طلب کند و چه مقامی را بخواهد. ولی هنگامی که موجود زنده به موقعیت ذاتی و جوهری خود پی ببرد، درخواست وی این خواهد بود که به منظور انجام خدمت عاشقانه متعال به خداوند، برای معاشرت متعال او پذیرفته شود. متأسفانه موجودات زنده تحت تأثیر طبیعت مادی، چیزهای دیگری را طلب می‌کنند، زیرا ذهنیت آنها به همان گونه که در بهاگاواد-گیتا (۴۱/۲) شرح داده شده، مغشوش و پراکنده و شعورشان گسسته است. شعور روحانی یکپارچه است، اما شعور مادی گوناگون می‌باشد. در شریما-بهاگاواتام (۳۰/۵/۷-۳۱) آمده است: "آنان که فریفته زیبایی‌های گذرای انرژی خارجی شده‌اند، هدف حقیقی زندگی را که بازگشت به نزد خداوند است، از یاد برده‌اند. در نتیجه این فراموشی، انسان تلاش می‌کند تا به وسیله نقشه‌ها و برنامه‌های مختلف همه چیز را سر و سامان بخشد، ولی این مانند جویدن آن چیزی است که پیشتر جویده شده است. با این وجود، خداوند به اندازه‌ای مهربان است که بدون کوچک‌ترین مداخله‌ای اجازه می‌دهد موجودات زنده فراموشکار این وضعیت را ادامه دهند." این مانترای شری ایشوپانیشاد با استفاده از کلمه مناسب یاتها تاتیا^۱ اشاره می‌کند به آنکه خداوند به موجودات زنده در جهت پیگیری خواسته‌هایشان پاداش می‌دهد. اگر موجود زنده‌ای بخواهد روانه جهنم گردد، خداوند بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای این اجازه را به وی خواهد داد، و اگر بخواهد به منزلگاه خویش، نزد خداوند باز گردد، خداوند او را یاری خواهد کرد.

¹ yāthātathyatah

در این جا خداوند به عنوان پاریبهو^۱ یعنی بزرگ‌ترین در میان همه توصیف شده است. هیچ کس بزرگتر یا برابر با او نیست. موجودات زنده در این جا به عنوان نیازمندانی که از خداوند چیزهایی درخواست می‌کنند، تعریف شده‌اند. خداوند خواسته‌های موجودات زنده را برآورده می‌سازد. اگر موجودات زنده از نظر توانایی و قدرت با خداوند برابر، و یا قادر متعال و دانای کل بودند، دیگر مسئله درخواست از خداوند حتی برای به اصطلاح رهایی بی‌معنا بود. رهایی حقیقی به معنی بازگشت به نزد خداوند است. آن گونه رهایی را که بی‌هویت‌گرایان درک می‌کنند افسانه‌ای بیش نیست، زیرا نیاز به کامجویی بی‌وقفه تا ابد ادامه دارد، مگر آن که درخواست‌کننده نیازمند، حواس روحانی خود را باز یابد و موقعیت ذاتی خویش را درک کند.

تنها خداوند متعال، بی‌نیاز و مستغنی است. هنگامی که خداوند کرشنا پنج هزار سال پیش بر روی کره زمین پدیدار گشت، به وسیله اعمال گوناگونش، تجلی کامل خود را به عنوان شخصیت متعال خداوند آشکار ساخت. او در زمان کودکی خود دیوهای قدرتمند بسیاری از قبیل آگاسورا، باکاسورا و ساکاتاسورا^۲ را کشت و این قدرت را با هر گونه تلاش تصادفی به دست نیاورده بود. او کوه گواردهانا را بدون هیچ تمرینی برای وزنه‌برداری از زمین بلند کرد. او با گویی‌ها بدون هیچ قید و بند اجتماعی و فارغ از هر گونه ننگ و ملامتی به رقص پرداخت. گرچه گویی‌ها با احساساتی آکنده از دل‌باختگی و شیفتگی به او نزدیک می‌شوند، ولی این رابطه بین خداوند کرشنا و گویی‌ها حتی توسط خداوند چیتانیا که یک سانیاسی دقیق و پیرو کامل مقررات انضباطی بود، ستایش شده است. شری-ایشوپانی‌شاد همچنین خداوند را به عنوان شودهام^۳ (پاک‌کننده) و آپا-ویدهام^۴ (دافع پلیدی‌ها) یا پاک و مبرا از آلودگی توصیف می‌کند. او پاک‌کننده است، بدین مفهوم که حتی چیزهای ناپاک نیز در تماس با او پاک می‌گردند. واژه دافع پلیدی‌ها، قدرت معاشرت خداوند را بیان می‌دارد. همان گونه که در بهاگاواد-گیتا (۳۰/۹-۳۱) ذکر شده است، عابد ممکن است در آغاز سودوراجارا^۵ - یعنی کسی که رفتار شایسته‌ای ندارد- به نظر آید، ولی باید او را به عنوان موجودی پاک پذیرفت، زیرا که او در راه درستی قدم نهاده است. این به علت ماهیت دفع پلیدی است که در معاشرت خداوند وجود دارد. خداوند آپا-ویدهام^۶ است، زیرا گناه نمی‌تواند او را آلوده سازد. حتی اگر خداوند به گونه‌ای عمل کند که گناه به نظر آید، باز هم چنین عملی خیر محض است، زیرا او به هیچ وجه تحت تأثیر گناه واقع نمی‌شود. از آن جا که او تحت هر شرایطی شودهام یعنی پاک‌ترین است، اغلب به خورشید تشبیه می‌شود. خورشید رطوبت را از بسیاری از محل‌های غیر قابل تماس زمین می‌زداید و آنها را پاک می‌کند و با این حال همچنان پاک باقی می‌ماند. در واقع خورشید به واسطه قدرت پاک‌کنندگی خود چیزهای آلوده و کثیف

¹ paribhūh

² Aghāsura, Bakāsura and Śakātāsura

³ sūddham

⁴ apāpa-viddham

⁵ su-durācāra

⁶ apāpa-viddham

را پاک می‌کند. اگر خورشید که یک جسم مادی است از چنین نیرویی برخوردار باشد، پس به سختی می‌توان پاکی و قدرت خداوند قادر متعال را در تصور آورد.

مانترای نه

andham tamah praviṣanti
ye 'vidyām upāsate
tato bhūya iva te tamo
ya u vidyāyām ratāḥ

andham - جهل زمخت؛ *tamah* - تاریکی؛ *praviṣanti* - وارد می‌شود به؛ *ye* - آنان که؛ *avidyām* - نادانی؛ *upāsate* - پرستش؛ *tataḥ* از آن؛ *bhūyah* - حتی بیشتر؛ *iva* - مانند؛ *te* - آنها؛ *tamah* - تاریکی؛ *ye* - آنان که؛ *u* - همچنین؛ *vidyāyām* - در کسب دانش؛ *ratāḥ* - مشغول شده.

آنان که روال زندگیشان در جهل و بی‌خبری است، به تاریک‌ترین وادی جهل قدم خواهند نهاد. ناگوارتر، حال کسانی است که به دانش‌اندوزی کاذب مشغولند.

شرح

در این مانترا مقایسه‌ای بین ویدیا و آویدیا^۱ به عمل آمده است. آویدیا یا جهل بدون تردید خطرناک است، ولی ویدیا یا دانش هنگامی که اشتباه باشد یا به انحراف کشیده شده باشد، خطرناکتر است. این مانترای شری-ایشوپانی‌شاد امروزه بیش از هر زمان دیگر صادق است. تمدن جدید در پیشبرد تعلیم و تربیت عموم نقش بسزایی را داشته است، ولی پی‌آمد آن عدم رضایت مردم و ناکامی بیش از پیش آنهاست، زیرا که تلاش این تمدن بر پیشرفت مادی متمرکز است، بدون آن که مهم‌ترین جنبه حیات، جنبه روحانی، را مورد نظر قرار دهد.

در مانترای نخست شری-ایشوپانی‌شاد درباره ویدیا به روشنی توضیح داده شده است، که خداوند متعال مالک همه چیز می‌باشد و فراموش کردن این حقیقت جهل نامیده می‌شود. به هر میزان که آدمی، این حقیقت زندگی را بیشتر به دست فراموشی سپارد، در جهل و تاریکی بیشتری به سر خواهد برد. از این نظر، تمدن فاقد خدایی که در جهت به اصطلاح پیشرفت تعلیم و تربیت قدم برمی‌دارد، خطرناکتر از تمدنی است که پیشرفت مادی توده‌های مردم در آن کمتر می‌باشد. از میان طبقات مختلف مردم، یعنی کارمی‌ها، گیانی‌ها و یوگی‌ها، کارمی‌ها کسانی هستند که به انجام اعمالی برای ارضای حواس خود مشغول هستند. تقریباً ۹۹/۹ درصد مردم در تمدن امروزی

¹ *vidyā and avidyā*

تحت عناوین مختلف صنعت‌گرایی، توسعه اقتصادی، نوع‌دوستی، فعالیت‌های سیاسی و غیره، به اعمالی اشتغال می‌ورزند که در نهایت انجام آن برای ارضای حواس است. به استثنای آن دسته از خدا آگاهی که در مانترای نخست توضیح داده شده، تمامی این فعالیت‌ها کم و بیش بر پایه ارضای حواس است. طبق بیان بهاگاود-گیتا (۱۵/۷) به کسانی که به ارضای حواس زمخت مادی می‌پردازند، مودها^۱ یا الاغ اطلاق می‌شود. الاغ مظهر حماقت است. از دیدگاه شری-ایشوپانیساد، کسانی که تنها به عمل بی‌حاصل ارضای حواس می‌پردازند، آویدیا را پرستش می‌کنند. در واقع کسانی که تحت عنوان پیشرفت تعلیم و تربیت، نقش یاری‌دهنده به چنین تمدن‌هایی را ایفا می‌کنند، بیش از افرادی که در مرحله ارضای حواس زمخت قرار دارند، ضرر و زیان به بار می‌آورند. پیشرفت آموزش توسط افراد خدانشناس همانقدر خطرناک است که مار کبرا با جواهری گران بر سر. مار کبرایی که جواهر گرانها بر سر دارد، خطرناک‌تر از ماری است که جواهر ندارد. در هاری-بهاکتی-سودهودایا^۲ (۱۲/۱/۳) پیشرفت آموزش توسط افراد خدانشناس به آراستن بدن یک مرده تشبیه شده است. در هند نیز همانند بسیاری از ممالک دیگر، برخی از مردم از رسمی پیروی می‌کنند که در آن برای خشنود ساختن خانواده سوگوار، جسد آراسته‌شده متوفی را مشایعت می‌کنند. تمدن جدید نیز به همین ترتیب، مجموعه‌ای از فعالیت‌های پراکنده برای سرپوش نهادن بر مصائب تمامی‌ناپذیر زندگی مادی می‌باشد. تمام این فعالیت‌ها در جهت ارضای حواس می‌باشند، ولی برتر از حواس، ذهن و برتر از ذهن، شعور و برتر از شعور، روح قرار دارد. بنابراین هدف تعلیم و تربیت حقیقی باید خودشناسی یا شناخت ارزش‌های روحانی روح باشد. هرگونه تعلیماتی که به چنین شناخت و معرفتی منتهی نگردد، آویدیا یا جهل محسوب می‌شود و پرورش چنین نادانی به معنی سقوط انسان به تاریک‌ترین وادی جهالت می‌باشد. بر طبق بهاگاود-گیتا (۴۲/۲ و ۱۵/۷) آموزگاران دنیوی گمگشته تحت عناوین ودا-وادا-راتا^۳ و مایایاپاهریتا-گیانا^۴ شناخته می‌شوند. آنها ممکن دیوهای خدانشناس، پایین‌ترین درجه بشریت باشند. افرادی که ودا-وادا-راتا هستند چنین وانمود می‌کنند که در دانش ودایی بسیار متبحر می‌باشند، ولی متأسفانه آنها از مقصود و هدف وداها کاملاً منحرف شده‌اند. در بهاگاود-گیتا (۱۵/۱۵) گفته شده که هدف از وداها شناخت شخصیت خداوند است، ولی این دسته از افراد به هیچ وجه علاقه‌ای به شخصیت خداوند ندارند، و برعکس فریفته اعمال ثمربخش، نظیر دستیابی به بهشت، می‌باشند. همان گونه که در مانترای نخست ذکر شد، باید بدانیم که شخصیت متعال خداوند مالک همه چیز است و ما باید با سهمی از ضروریات زندگی که برایمان کنار نهاده شده است، احساس رضایت کنیم. هدف از تمامی وداها بیدار ساختن این خدا آگاهی در موجود زنده غفلت‌زده می‌باشد و همین

¹ mūdha

² Hari-bhakti-sudhodaya

³ veda-vāda-rata and māyayāpahṛta-jñāna

⁴ māyaya pahritajnyana

هدف به طرق گوناگون در کتب مقدس مختلف دنیا به منظور تفهیم مردم نادان ارائه شده است. بنابراین هدف نهایی تمامی ادیان، بازگردانیدن شخص به نزد خداوند می‌باشد.

اما افراد ودا-وادا-راتا به جای آن که مقصود وداها که نجات رابطه یک روح غفلت‌زده با شخصیت خداوند می‌باشد را درک کنند، مسائل جنبی آن همچون دستیابی به لذات بهشتی برای ارضای حواس یعنی همان شهوتی که در اصل باعث درگیری مادی می‌گردد را هدف غایی وداها می‌پندارند. این گونه افراد با تفسیر نادرست خود از متون ودایی دیگران را به گمراهی می‌کشاند و پاره‌ای اوقات حتی پورانها را که شرح ودایی معتبری برای عموم مردم می‌باشد، محکوم می‌کنند. افراد ودا-وادا-راتا خود به تفسیر وداها می‌پردازند و اعتبار معلمان بزرگ روحانی -آچارایاها- را نادیده می‌گیرند. آنها مایلند تا شخص ناشایسته‌ای را از میان خود بیروارند و او را به عنوان نماینده حکمت ودایی معرفی کنند. این افراد به خصوص با واژه سانسکریت بسیار مناسب ویدیام راتا در این مانترا محکوم شده‌اند. ویدیام به مطالعه وداها اشاره دارد، زیرا ودا منشأ دانش است، و راتا یعنی مشغول. بدین ترتیب ویدیام راتا یعنی مشغول در مطالعه وداها. افراد به‌اصطلاح ویدیام راتا در این آیه محکوم شده‌اند، زیرا به واسطه عدم اطاعت از آچارایاها مقصود حقیقی وداها بر آنان پوشیده مانده است. این افراد همواره عادت دارند تا از واژه‌های ودایی معنایی را بیایند که با مقاصدشان سازگار باشد. آنها نمی‌دانند که آثار ودایی مجموعه‌ای از کتب فوق‌العاده هستند که تنها از طریق سلسله پیران قابل درک می‌باشند. شخص باید به منظور درک پیام متعال وداها به یک معلم روحانی معتبر نزدیک شود. این رهنمود مونداکا اوپانیشاد¹ (۱۲/۲/۱) می‌باشد. این افراد ودا-وادا-راتا، خود نیز دارای آچارایاها می‌باشند که در سلسله متعال قرار ندارند. در نتیجه آنها با تفسیر نادرست آثار ودایی به تاریک‌ترین وادی جهل رهسپار خواهند شد، و حتی بیش از کسانی که از دانش ودایی بهره‌ای نیافته‌اند در وادی جهل سقوط خواهند کرد.

گروه مایایاپاهریتا-گیانا گروهی از مدعیان خدایی هستند. این افراد خود را خدا می‌پندارند و ضرورتی برای پرستش خدای دیگر نمی‌بینند. آنها آدمی عادی را که ثروتمند است، می‌ستایند ولی هیچگاه خداوند متعال را پرستش و ستایش نخواهند کرد. این گونه افراد، عاجز از درک حماقت خود، هیچگاه فکر نمی‌کنند که چگونه امکان دارد خدا به دام مایا یا توهم بیافتد. اگر قرار بود خداوند زمانی به دام مایا گرفتار شود، آنگاه مایا قدرتمندتر از او بود. در عین حال این افراد می‌گویند خداوند قادر مطلق است، ولی در نظر ندارند که اگر او قادر مطلق است پس در این صورت امکان ندارد که مغلوب مایا شود. این مدعیان خدایی نمی‌توانند به این پرسشها به‌روشنی پاسخ گویند؛ تنها رضایت آنان همین است که خود، خدا باشند.

¹ Muṇḍaka Upaniṣad

مانترای ده

anyad evāhur vidyayā
nyad āhur avidyayā
iti śuśruma dhīrāṇām
ye nas tad vicacakṣire

anyat - متفاوت؛ *eva* - قطعاً؛ *āhuḥ* - گفت؛ *vid—yayā* - با کسب دانش؛ *anyat* - متفاوت؛ *āhuḥ* - گفت؛ *avidyayā* - با کسب جهل؛ *iti* - بنابراین؛ *śuśruma* - من شنیدم؛ *dhīrāṇām* - از خردمندان؛ *ye* - کسی که؛ *naḥ* - به ما؛ *tat* - آن؛ *vicacakṣire* - بیان شده است.

دانایان توضیح داده‌اند که کسب دانش را ثمری و کسب جهل را ثمری دیگر است.

شرح

همان‌گونه که در فصل سیزدهم بهاگاواد-گیتا (۸/۱۳-۱۲) توصیه شده است، کسب دانش باید بدین طریق صورت پذیرد:

- ۱- شخص باید نجیب و شریف گردد و بیاموزد که به دیگران به نحو شایسته‌ای احترام گذارد.
- ۲- شخص نباید تنها به خاطر نام و شهرت خود را روحانی بنمایاند.
- ۳- شخص نباید با اعمال، افکار یا بیان خود موجب ناراحتی و نگرانی دیگران شود.
- ۴- شخص باید بیاموزد حتی در برابر خشم و غضب دیگران بردبار باشد.
- ۵- شخص باید در رفتار خود با دیگران از دورویی و تزویر بپرهیزد.
- ۶- شخص باید پیر روحانی معتبری را بیابد که به تدریج او را به مرحله ادراک روحانی راهبری کند. او باید در برابر وی به عنوان پیر روحانی سر تسلیم فرود آورد و به وی خدمت کند و پرسش‌های مناسبی را با وی مطرح سازد.
- ۷- برای دستیابی به سکوی خودشناسی شخص باید از اصول تنظیم‌کننده‌ای که در کتب مقدس مقرر شده است، پیروی کند.
- ۸- شخص باید در عقاید و اصول کتب مقدس ثابت قدم باشد.
- ۹- شخص باید از انجام اعمالی که برای خودشناسی زیان‌آور است خودداری ورزد.
- ۱۰- شخص نباید بیش از تأمین مایحتاج بدن، چیزی را پذیرا گردد.

- ۱۱- شخص نباید به اشتباه خود را با بدن زمخت مادی یکی بداند و نیز نباید کسانی را که با جسم او بستگی و رابطه دارند، متعلق به خود بداند.
- ۱۲- شخص باید همواره به خاطر داشته باشد، تا زمانی که دارای بدن مادی است، باید با مصائبی همچون تولدهای پیاپی، کهولت، بیماری و مرگ مواجه شود. برنامه‌ریزی برای رهایی از این گونه مشکلات و مصائب بدن مادی بی‌فایده است. بهترین راه، یافتن طریقی است که شخص به وسیله آن بتواند هویت روحانی خود را بازیابد.
- ۱۳- شخص نباید به مایحتاج زندگی، بیش از آنچه برای پیشرفت روحانی لازم است، دلبستگی داشته باشد.
- ۱۴- شخص نباید بیش از آنچه که کتب مقدس مقرر داشته‌اند به همسر، فرزندان و خانه خود وابستگی داشته باشد.
- ۱۵- شخص نباید در اثر موارد خوشایند و ناخوشایند که پرورده ذهن است شاد و یا غمگین گردد.
- ۱۶- شخص باید عابد خالص شری کریشنا، شخصیت متعال خداوند، گردد و با توجهی عمیق به او خدمت کند.
- ۱۷- شخص باید برای اقامت در مکانی خلوت که فضای آرام و ساکت آن برای پیشرفت روحانی مساعد است، تمایل نشان دهد و از مکان‌های پرجمعیت که غیرعابدان گرد هم می‌آیند، دوری کند.
- ۱۸- شخص باید در زمینه دانش روحانی عالم یا حکیم شود و درباره آن به تحقیق بپردازد و تصدیق کند که دانش روحانی جاودان است، در حالی که دانش مادی با مرگ کالبد مادی به پایان می‌رسد.
- مجموعه این هجده مورد یک روند تدریجی را شکل می‌دهد که توسط آن اکتساب دانش حقیقی ممکن می‌شود. تمامی روش‌های دیگر -به جز این هجده مورد- در مقوله جهل و ظلمت قرار دارند. شریلا بهاکتی وینودا تهاکورا -آچارپای بزرگ- بر این عقیده است که تمامی وجوه دانش مادی، صرفاً جنبه‌های خارجی انرژی توهمی هستند و با کسب آنها شخص به برتری چندانی نسبت به یک الاغ دست نمی‌یابد. همین اصل نیز در شری- ایشوپانی‌شاد وجود دارد. بشر امروزی، با پیشرفت دانش مادی تنها به یک الاغ مبدل می‌شود. برخی از سیاستمداران مادی در لباس روحانی، روند تمدن کنونی را به عنوان شیوه‌ای شیطانی تقبیح می‌کنند، ولی متأسفانه هیچ توجهی نیز به کسب دانش حقیقی که در بهاگاود- گیتا توصیف شده است، معمول نمی‌دارند. بدین سان نمی‌توانند در این شرایط شیطانی تغییری را پدید آورند.
- در جامعه امروزی، حتی یک پسر بچه تصور می‌کند که خود کفاست و هیچ احترامی برای بزرگترها قائل نیست. جوان‌ها به علت روش نادرست تعلیم و تربیت که در دانشگاه‌ها بکار گرفته شده است، مشکلات بسیاری را برای بزرگترها در سراسر دنیا ایجاد کرده‌اند. از این رو شری- ایشوپانی‌شاد به

شدت هشدار می‌دهد که روند کسب جهل با روش کسب دانش تفاوت دارد. می‌توان گفت که دانشگاه‌ها، تنها مراکز جهل هستند، در نتیجه دانشمندان دست‌اندرکار کشف سلاح‌های مرگ‌آوری هستند که حیات ممالک دیگر را به نابودی بکشانند. امروزه، دانشجویان این دانشگاه‌ها دیگر تعالیمی درباره اصول تنظیم‌کننده براهماچاری¹ (زندگی شاگردان مجرد) را کسب نمی‌کنند. آنها دیگر هیچ‌گونه ایمانی به دستورات کتب مقدس ندارند. اصول دینی تنها به خاطر نام و شهرت، و نه برای عمل، به آنها آموزش داده می‌شود. از این رو دشمنی و اختلاف نه تنها در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، بلکه در زمینه مذهبی نیز به چشم می‌خورد.

همچنین به واسطه اشاعه جهل در میان توده مردم، احساسات ملی‌گرایی و میهن‌پرستی مبالغه‌آمیز در نقاط مختلف دنیا توسعه یافته است. هیچ‌کس به چنین چیزی نمی‌اندیشد که این زمین کوچک تنها توده‌ای از ماده است که در فضای بی‌کران همراه با بسیاری از توده‌های دیگر شناور می‌باشد. این توده‌های مادی در برابر وسعت و عظمت فضا به ذرات گرد و غباری می‌مانند که در هوا موجود هستند. از آن‌جا که خداوند با لطف و مرحمت خود این توده‌های ماده را به خودی خود کامل آفریده است، لذا آنها از تمامی امکاناتی که برای شناور بودن در فضا لازم است، برخوردار می‌باشند. هدایت‌کنندگان سفینه‌های فضایی ممکن است از دستاوردهای خود بسیار مغرور باشند، ولی آنها به این هدایت‌کننده متعال سفینه‌های فضایی عظیم و غول‌پیکر، سیاره‌ها، نمی‌اندیشند.

خورشیدها و منظومه‌های سیاره‌ای بسیاری وجود دارند، و ما مخلوقات کوچکی که در زمره اجزای بسیار خرد آن پروردگار متعال می‌باشیم، همواره در تلاش هستیم که بر این سیارات نامحدود تسلط یابیم، و بدین ترتیب است که با تولدها و مرگ‌های پیایی دست به گریبان و عموماً از بیماری و کهولت در رنج می‌باشیم. طول دوره زندگی انسان حدود یک‌صدسال تعیین شده است، هرچند که بتدریج به بیست یا سی سال کاهش می‌یابد. در اثر جهل، بشر نادان کشورهایی را در این سیارات پدید آورده است تا در این عمر کوتاه چند ساله خود هر چه بیشتر از لذات حسی بهره‌مند شود. این آدمیان نادان برای آن که مرز کشورها را تا سر حد امکان دقیق تعیین کنند، به طرح نقشه‌های مختلف می‌پردازند، که در نهایت غیرممکن می‌باشد. به همین دلیل هر کشوری مایه نگرانی و اضطراب کشورهای دیگر می‌شود. بیش از پنجاه درصد انرژی هر ملتی، صرف تمهیدات دفاعی آن کشور می‌شود و بدین ترتیب به هدر می‌رود. هیچ‌کس توجهی به کسب دانش می‌ذول نمی‌دارد. با این حال مردم از این که در دانش مادی و روحانی پیشرفته‌اند بی‌جهت به خود می‌بالند.

شری- ایشوپانی‌شاد درباره این آموزش نادرست به ما هشدار می‌دهد، و بهاگاواد-گیتا نیز تعالیمی را در مورد چگونگی کسب دانش حقیقی در اختیار ما می‌گذارد. این مانترا به چنین نکته‌ای اشاره دارد که ویدیا (دانش) را باید از یک دهی‌را کسب کرد. دهی‌را کسی است که در اثر توهم مادی دچار پریشانی و آشفتگی نمی‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند فارغ از تشویش و نگرانی باشد، مگر آن‌که به

¹ brahmacharya

شناخت کامل روح رسیده باشد که در چنین حالتی او نه در آرزو و اشتیاق چیزی است، و نه در حسرت و افسوس چیزی دیگر. دهی‌را به این ادراک نائل آمده است که ذهن و بدن مادی که او در اثر تماس اتفاقی با ماده به دست آورده است، چیزی نیست جز عناصر بیگانه، بنابراین از این معامله زیان‌بار بهترین استفاده را می‌برد. بدن مادی و ذهن، معامله زیان‌بار موجود روحانی می‌باشند. فعالیت حقیقی موجود زنده در جهان زنده روحانی انجام می‌پذیرد، در حالی که این مکان، جهان مادی بی‌جان است. مادامی که جرقه‌های روحانی زنده توده‌های ماده بی‌جان را اداره و دستکاری کنند، جهان مرده، زنده به نظر می‌آید. در حقیقت ارواح زنده یعنی اجزای جدایی‌ناپذیر وجود متعال، این جهان را به حرکت در می‌آورند. دهی‌راها کسانی هستند که آمده‌اند تا از طریق شنیدن از مراجع موثق بالاتر، به تمامی این حقایق آگاه شوند و با پیروی از اصول تنظیم‌کننده به درک این دانش نائل آیند.

برای پیروی از اصول تنظیم‌کننده، شخص باید در پناه یک معلم روحانی معتبر قرار گیرد. پیام متعال و اصول تنظیم‌کننده از معلم روحانی به شاگرد اعطا می‌شود. چنین دانشی از شیوه مخاطره‌آمیز آموزش و پرورش جاهلانه حاصل نمی‌شود. تنها هنگامی شخص دهی‌را می‌گردد که با تسلیم و تواضع به معلم روحانی معتبر گوش فرا دهد. برای مثال آرجونا با شنیدن متواضعانه از خداوند کریشنا، خود شخصیت متعال خداوند، به یک دهی‌را تبدیل شد. مرید کامل باید چون آرجونا باشد و معلم روحانی باید به خوبی خداوند باشد. این روش آموختن ویدیا (دانش) از دهی‌را (شخص غیرمضطرب) می‌باشد.

آدهی‌را (کسی که آموزش‌های لازم برای دهی‌را شدن را طی نکرده است) نمی‌تواند یک راهنمای آموزنده باشد. سیاستمداران امروزی که خود را به ظاهر دهی‌را می‌نمایانند، در حقیقت آدهی‌را هستند و نمی‌توان از آنها انتظار دانش کامل را داشت. آنها فقط برای نفع خود به کسب دلار و سنت مشغولند؛ بنابراین چگونه قادرند که توده مردم را به مسیر درست خودشناسی هدایت کنند؟ در نتیجه آن که شخص باید برای دستیابی به آموزش حقیقی متواضعانه از فرد دهی‌را بشنود.

مانترای یازده

vidyām cāvidyām ca yas
tad vedobhayam saha
avidyayā mṛtyum tīrtvā
vidyayāmṛtam aśnute

vidyām- دانش واقعی؛ ca - و؛ avidyām - جهل؛ ca - و؛ yah - فردی که؛ tat - آن؛
veda - می‌داند؛ ubhayam - هر دو؛ saha - همزمان؛ avidyayā - با کسب جهل؛ mṛtyum -
مرگ مکرر؛ tīrtvā - فراتر می‌رود؛ vidyayā - با کسب دانش؛ amṛtam - بی‌مرگ شدن؛
aśnute - لذت می‌برد.

تنها آن کس که قادر است به فرایند جهل و دانش متعال در کنار یکدیگر واقف باشد
می‌تواند از سلطه تولد و مرگ پیاپی آزاد شود و از خجستگی کامل جاودانگی لذت ببرد.

شرح

از آغاز آفرینش مادی، همه در تلاش برای دستیابی به زندگی جاودان بوده‌اند، ولی قانون
طبیعت به اندازه‌ای بی‌رحمانه عمل کرده که هیچ کس نتوانسته است از چنگال مرگ بگریزد. هیچ
کس نمی‌خواهد بمیرد. همچنین هیچ کس خواهان بیماری و پیری نیست. ولی قانون طبیعت کسی را
در برابر مرگ، پیری یا بیماری مصون نگاه نمی‌دارد. پیشرفت دانش مادی این مسائل را حل نکرده
است. علم مادی قادر است بمب هسته‌ای را کشف کند تا به جریان نابودی و نیستی سرعت بخشد، ولی
نمی‌تواند به چیزی دست یابد که بشر را در برابر چنگال ستمگر بیماری، پیری و مرگ حفظ کند.
در پوراناها از نحوه عملکرد هیرانیاکاشیپو^۱ آگاه می‌شویم که از نظر مادی پادشاهی بسیار توانمند بود.
او به علت جهل و فراموشی خود می‌خواست که با تکیه بر دستاوردهای مادی، بر مرگ غلبه یابد؛ لذا به
چنان مراقبه طاق‌ت‌فرسای پرداخت که ساکنان تمامی منظومه‌های سیاره‌ای از قدرت ماورالطبیعه وی
دستخوش آشفتگی و اضطراب گشتند. او خالق جهان مادی - خداوندگار برهما - را وادار ساخت که به
نزد وی بیاید، سپس از او درخواست کرد که لطفی تحت عنوان آمارا^۲ - که شخص توسط آن نامیرا
می‌گردد - را به وی اعطا نماید. برهما به او اظهار داشت که قادر به اجابت این درخواست نیست، زیرا

¹ Hiraṇyakaśipu

² amara

حتی او که خالق جهان است و بر تمامی سیارات حکمرانی می‌کند، آمارا نمی‌باشد. برهما به همان گونه که در بهاگاواد-گیتا (۱۷/۸) تأیید شده است عمری طولانی دارد، ولی این بدان معنا نیست که او نامیراست.

هیرانیا به معنای طلا و کاشیپو به معنای بستر نرم است. این پادشاه زیرک مجذوب این دو چیز، یعنی ثروت و زن بود و می‌خواست با جاودان شدن از آنها لذت برد. او با امید به تحقق آرزوی جاودان شدن، به طور غیرمستقیم درخواست‌های بسیاری را برای برهما مطرح نمود. از آن‌جا که برهما اظهار داشت که وی قادر نیست تا نعمت جاودانگی را به او ببخشد، لذا هیرانیا کاشیپو تقاضا کرد که توسط هیچ انسان، حیوان، فرشته و یا موجود زنده دیگری که در ۸/۴۰۰/۰۰۰ گونه حیات وجود دارد، کشته نشود. همچنین درخواست کرد که در زمین، هوا یا آب و با هیچ نوع سلاحی هلاک نشود. هیرانیا کاشیپو بدین گونه با جهالت خود تصور می‌کرد که این تضمین‌ها او را از مرگ می‌رهاند. ولی سرانجام با وجودی که برهما تمامی این الطاف را نصیب وی ساخت، او توسط شخصیت متعال خداوند یعنی نریسیمها - فرم نیمه‌شیر و نیمه‌انسان خداوند - کشته شد و هیچ سلاحی نیز برای نابود ساختن وی بکار نرفت، زیرا توسط چنگال خداوند هلاک گردید. به علاوه او در زمین، هوا یا آب نیز کشته نشد، زیرا در دامان آن وجود شگفت‌انگیز که در ورای تصور وی بود، به هلاکت رسید.

نکته مهم در این جا، آن است که حتی هیرانیا کاشیپو - قدرتمندترین مادی‌گرایان - نیز قادر نیست توسط تدابیر مختلف خویش نامیرا گردد. بنابراین، از هیرانیا کاشیپوهای حقیر امروزی که نقشه‌هایشان لحظه به لحظه تغییر می‌کند، چکاری بر می‌آید؟

شری - ایشوپانیساد به ما می‌آموزد که از تلاش‌های یک جانبه برای پیروزی در تنازع بقا خودداری کنیم. همه موجودات به سختی در حال تلاش برای بقا می‌باشند، ولی قوانین طبیعت مادی آن چنان سخت و خدشه ناپذیر هستند که هیچ‌کس توان فائق آمدن بر آنها را ندارد. برای دستیابی به زندگی جاودان، شخص باید خود را آماده سازد تا به نزد خداوند بازگردد.

روند بازگشت به نزد خدا، شاخه متفاوتی از دانش است و باید آن را از کتب ودایی مقدس نظیر اوپانیساده‌ها، ودانتا - سوترا، بهاگاواد-گیتا، شریما - بهاگاواتام و غیره فرا گرفت. برای خوشبختی در این زندگی و دستیابی به زندگی جاودان پرشعف پس از ترک این بدن مادی، شخص باید به این آثار مقدس مراجعه و دانش متعال را کسب کند. موجود زنده مقید، رابطه ابدی خود با خدا را از یاد برده، و به اشتباه مکان موقت تولد خویش را نهایت امر پذیرفته است. خداوند کتب مقدس ذکرشده در بالا را در هند و کتب مقدس دیگر را در سایر کشورها به ما مرحمت فرموده است تا به موجود زنده فراموشکار یادآوری کند که خانه او در این جهان مادی قرار ندارد. موجود زنده، وجودی است روحانی و تنها با بازگشت به منزلگاه روحانی خویش می‌تواند سعادت‌مند و راضی باشد.

شخصیت متعال خداوند خادمان معتبر خود را از ملکوت خویش اعزام می‌کند تا این پیام را پخش نمایند و شخص بتواند از آن طریق به نزد خدا باز گردد؛ و گاه خداوند خود بدین منظور هبوط می‌کند. همه موجودات زنده فرزندان عزیز و اجزای جدانشدنی خداوند هستند؛ از این رو، او که شاهد

رنج‌های مداوم ما در این موقعیت مادی است، بیش از خود ما ناراحت می‌باشد. مصائب این دنیای مادی به طور غیرمستقیم یادآور عدم سازگاری ما با ماده مرده است. موجودات زنده هوشمند معمولاً به این گونه یادآوری‌ها توجه می‌کنند و خود به کسب ویدیا یا دانش متعال می‌پردازند. زندگی انسانی بهترین فرصت برای اکتساب دانش روحانی است و انسانی که از چنین موقعیتی استفاده نکند نارادها¹ یا پست‌ترین موجود نامیده می‌شود.

مسیر آویدیا یا پیشرفت دانش مادی برای کامجویی، مسیر تولد و مرگ مکرر است. موجود زنده که وجودش روحانی است، تولد و مرگ ندارد. تولد و مرگ مختص پوشش خارجی روح، یعنی بدن، می‌باشد. مرگ به منزله بیرون آوردن لباس بیرونی و تولد به منزله پوشیدن آن لباس است. افراد نادانی که به شدت مجذوب کسب آویدیا یا جهل می‌باشند، به این روند بی‌رحم توجهی ندارند. این گونه افراد که شیفته زیبایی انرژی توهمی هستند، اعمال مشابهی را پی در پی تکرار می‌کنند و از قوانین طبیعت درس عبرت نمی‌گیرند.

کسب ویدیا یا دانش متعال برای موجود زنده ضروری است. ارضای حواس در شرایط بیمارگونه مادی باید تا حد ممکن محدود شود. کامجویی مهارنشده در موقعیت جسمانی، مسیر جهل و مرگ است. موجودات زنده از حواس روحانی برخوردار هستند، زیرا که موجود زنده در شکل اصلی و روحانی خود کلیه حواس را دارا می‌باشد که اکنون به واسطه پوشش بدن و ذهن، مادی محسوب می‌شوند. فعالیت‌های حواس مادی، بازتاب‌های انحراف‌یافته اعمال روحانی است. روح در شرایط بیمارگونه خود تحت پوشش مادی به فعالیت‌های مادی اشتغال دارد. لذت حقیقی تنها هنگامی میسر است که بیماری مادی‌گرایی از میان برود. در شکل روحانی ما، لذت حقیقی حواس که از آلودگی‌های مادی پاک شده است، مقدور می‌شود. یک بیمار قبل از آنکه بتواند دوباره لذت جنسی ببرد باید بهبود یابد. هدف زندگی انسانی نباید ارضای حواس انحراف‌یافته باشد، بلکه شخص باید اشتیاق داشته باشد که بیماری مادی را شفا بخشد. تشدید بیماری مادی نشانه دانش نیست، بلکه نشانه آویدیا - جهل - است. برای حفظ سلامتی، شخص نباید تب خود از ۴۰ درجه به ۴۲ درجه افزایش دهد، بلکه باید به دمای طبیعی ۳۷ درجه کاهش دهد. هدف حیات انسانی باید چنین باشد. روند امروزی تمدن مادی افزایش درجه تب در موقعیت مادی تب‌آلود است، که اینک به صورت انرژی اتمی به ۴۲ درجه رسیده است. در همین حال سیاستمداران نادان فریاد بر می‌آورند که در هر لحظه این امکان وجود دارد که جهان از بین برود. این نتیجه پیشرفت دانش مادی و غفلت از مهم‌ترین بخش زندگی، یعنی اکتساب دانش روحانی می‌باشد. شری - ایشوپانی‌شاد در این جا ما را آگاه می‌سازد که نباید دنباله‌رو چنین مسیر خطرناکی باشیم که به مرگ منتهی می‌شود؛ بر عکس، باید اکتساب دانش روحانی را گسترش دهیم، به نحوی که کاملاً از چنگال بی‌رحم مرگ رهایی یابیم.

¹ narādhama

این بدان معنا نیست که تمامی فعالیت‌های مربوط به حفظ و نگهداری بدن باید متوقف شود. مسئله این نیست که از فعالیت‌های خود دست بکشیم؛ همچنان که به هنگام تلاش برای رهایی از بیماری، از بین بردن کامل درجه حرارت بدن مدنظر نیست. "بهترین استفاده از یک معامله زیان‌بار" اصطلاح مناسبی در این مورد می‌باشد. اکتساب دانش روحانی، کمک گرفتن از این بدن و ذهن را ایجاب می‌کند. بنابراین برای دستیابی به هدف، نگهداری و حفظ بدن و ذهن لازم و ضروری است. حرارت طبیعی را باید در ۳۷ درجه نگاه داشت. حکما و قدیسن بزرگ هند تلاش کرده‌اند تا با یک برنامه متعادل دانش روحانی و مادی، این مورد را عملی سازند. آنها هیچگاه اجازه نمی‌دهند که شعور انسانی صرف کامجویی و ارضای حواس ناسالم شود.

فعالیت‌های انسانی که در اثر تمایل به کامجویی بیمارگونه شده است، در وداها تحت اصولی که به رهایی منجر می‌شوند، تنظیم و ارائه شده است. این نظام، دین، پیشرفت اقتصادی، کامجویی و رهایی را شامل می‌شود، اما در حال حاضر مردم علاقه و توجهی به مذهب و رهایی ندارند. آنها در زندگی تنها یک هدف، یعنی ارضای حواس را می‌خواهند و به منظور تأمین این مقصود به طرح نقشه‌هایی برای پیشرفت اقتصادی می‌پردازند. افراد گمگشته تصور می‌کنند که دین را به واسطه سهمی که در پیشرفت اقتصادی دارد باید حفظ کرد، زیرا پیشرفت اقتصادی برای ارضای حواس لازم و ضروری است. بدین گونه این افراد برای تضمین کامجویی بیشتر پس از مرگ، یعنی در بهشت، برخی از اعمال مذهبی را بجا می‌آورند؛ حال آن که این هدف دین نیست. مسیر دین، در واقع برای خودشناسی می‌باشد و پیشرفت اقتصادی نیز برای حفظ بدن در موقعیتی مناسب و سالم ضروری است. شخص باید زندگی سالم را همراه با ذهنی سالم و تنها به منظور درک ویدیا یعنی دانش حقیقی - که هدف حیات انسانی است - سپری سازد. این زندگی برای کار کردن همانند الاغ و یا به منظور کسب آویدیا برای ارضای حواس نیست.

مسیر ویدیا به بهترین وجه در شریما-د-بهاگواتام عرضه شده است که به هدایت انسان می‌پردازد تا زندگی خود را برای جستجوی حقیقت مطلق بکار گیرد. حقیقت مطلق مرحله به مرحله و تحت عناوین برهمن، پاراماتما و در نهایت بهاگوان یا شخصیت متعال خداوند قابل ادراک می‌باشد. حقیقت مطلق توسط فرهیختگانی درک می‌شود که با پیروی از هجده اصل بهاگواد-گیتا که در شرح مانترای دهم آمده است، به دانش و قطع دل‌بستگی دست یافته‌اند. مقصود اصلی این هجده اصل دستیابی به خدمت عابدانه متعال به شخصیت خداوند است. از این رو تمامی انسان‌ها تشویق می‌شوند تا هنر خدمت عابدانه به خداوند را فرا گیرند.

مسیر تضمین‌شده برای دستیابی به هدف ویدیا، به وسیله شریلا روپا گوسوامی در بهاکتی-راسامیتا- سیندهو، که ما آن را تحت عنوان شهد عبودیت^۱ به انگلیسی ترجمه کرده‌ایم، شرح داده شده است. اکتساب ویدیا با عبارت زیر در شریما-د-بهاگواتام (۱۴/۲/۱) خلاصه شده است:

tasmā ekena manasā

¹ Nectar of Devotion

*bhagavān sātvatām patih
śrotavyaḥ kīrtitavyaś ca
dhyeyaḥ pūjyaś ca nityadā*

”بنابراین، عابدان باید شخصیت متعال خداوند -بهاگاوان- را که حافظ آنهاست همواره تجلیل کنند، به یاد آورند، پرستش نمایند و درباره او بشنوند.“

اگر به همان گونه که در مانترهای بعدی شری- ایشوپانیشاد مشخص می شود، هدف دین، پیشرفت اقتصادی و ارضای حواس، حصول خدمت عابدانه به خداوند نباشد، پس آنها تنها جنبه های مختلفی از جهل هستند.

مانترای دوازده

andham tamaḥ praviṣanti
ye 'sambhūtim upāsate
tato bhūya iva te tamo
ya u sambhūtyām ratāḥ

andham - جهل؛ tamaḥ - تاریکی؛ praviṣanti - وارد می‌شود به؛ ye - آنان که؛
asambhūtim - خداوندگاران؛ tat - آن؛ upāsate - پرستش می‌کنند؛ tataḥ - از آن؛
bhūyaḥ - باز هم بیشتر؛ iva - مانند آن؛ te - آنان؛ tamaḥ - تاریکی؛ ye - کسی که؛ u -
sambhūtyām - در مطلق؛ ratāḥ - مشغول شده‌اند.

آنان که به پرستش خداوندگاران مشغولند به تاریک‌ترین وادی جهل رهسپار
می‌گردند، و بسی وخیم‌تر است مقصد پرستندگان مطلق فاقد هویت.

شرح

واژه سانسکریت آسامبهوتی^۱ به کسانی اطلاق می‌شود که دارای موجودیتی مستقل نیستند.
سامبهوتی^۲ شخصیت متعال پروردگار است که به‌طور مطلق مستقل از همه چیز می‌باشد. شری‌کریشنا،
شخصیت متعال خداوند، در بهاگاواد-گیتا (۲/۱۰) می‌فرماید:

na me viduḥ sura-gaṇā
prabhavaṁ na maharṣayaḥ
aham ādir hi devānām
maharṣiṇām ca sarvaśaḥ

”نه تمامی خداوندگاران و فرشتگان از منشا و توانگری‌های من آگاه می‌باشند و نه حکمای بزرگ، زیرا
من از هر نظر منشأ خداوندگاران و حکما هستم.“

بنابراین کریشنا منشأ نیروهایی است که به فرشتگان، حکمای بزرگ و عرفا تفویض شده
است. گرچه اینان از قدرت‌های عظیمی برخوردار هستند، ولی قدرتشان محدود، و بنابراین برایشان
بسیار دشوار است که درک کنند چگونه کریشنا با نیروی درونی خود در فرم یک انسان تجلی می‌یابد.

¹ asambhūti

² Sambhūti

بسیاری از فلاسفه و حکیمان بزرگ یا یوگی‌ها سعی بر این دارند که به وسیله نیروی ذهنی ناچیز خود، "حقیقت مطلق" را از واقعیات نسبی متمایز و مشخص کنند. این تنها می‌تواند در رساندن آنها به ادراک منفی از مطلق کامل و بدون هیچ درک مثبتی از آن کمک نماید. تعریف مطلق کامل از طریق نفی آن، تعریف جامع و کاملی نیست. این گونه تعاریف منفی، شخص را بر آن می‌دارد که خود مفهوم و تصویری را ابداع کند، در نتیجه شخص تصور می‌کند که حقیقت مطلق فاقد فرم و صفات است. کیفیات منفی به سادگی روی دیگری از کیفیات مادی نسبی هستند و از اینرو آنها نیز نسبی می‌باشند. با چنین تصویری از حقیقت مطلق، شخص در نهایت می‌تواند به انوار فاقد هویت خداوند که به عنوان برهمن شناخته می‌شود، دست یابد؛ اما نمی‌تواند تا مرحله شناخت شخصیت خداوند - بهاگوان - پیش رود.

این پندارگرایان آگاه نیستند که کریشنا شخصیت مطلق خداوند است و برهمن فاقد هویت، نور خیره‌کننده بدن متعال وی و پاراماتما یا روح متعال، نمود در همه‌جا حاضر او می‌باشد. ایشان همچنین نمی‌دانند که کریشنا دارای فرم جاودان با ویژگی‌های متعال شمع و دانش ابدی است. خداوندگاران و حکمای بزرگ به اشتباه او را فرشته‌ای قدرتمند و پرتو برهمن را حقیقت مطلق می‌پندارند. اما عابدان کریشنا، با قدرت تسلیم خود به او و عبودیت ناب خود، قادرند درک کنند که کریشنا شخصی است مطلق و همه چیز از او نشأت می‌گیرد. این عابدان همواره خدمت عاشقانه را به کریشنا - که سرچشمه تمامی چیزهاست - تقدیم می‌دارند.

در بهاگاود-گیتا (۲۰/۷ و ۲۳) نیز گفته شده است که تنها افراد بی‌خرد و گمگشته که توسط خواسته شدید کامجویی هدایت می‌شوند، فرشتگان را به منظور رفع مسائل موقت پرستش می‌کنند. از آن‌جا که موجود زنده در دام ماده گرفتار است، باید از اسارت مادی به طور کامل رها گردد تا در سکوی روحانی که در آن شمع و دانش و زندگی جاودان جاری است، به رهایی ابدی دست یابد. بنابراین شری-ایشوپانیشاد به ما می‌آموزد که با پرستش فرشتگان غیرمستقل، که تنها می‌توانند منافع موقتی به ما اعطا نمایند، نباید در پی رهایی موقت از دام مشکلات خود باشیم. در عوض، ما باید شخصیت مطلق خداوند، کریشنا را پرستش کنیم که جذاب کل است و می‌تواند بازگشت ما به خانه، به قلمروی خود را به ما ارزانی دارد.

در بهاگاود-گیتا (۲۳/۷) همچنین گفته شده است کسانی که فرشتگان را پرستش می‌کنند، می‌توانند به سیارات آنان وارد گردند. پرستندگان ماه می‌توانند به سیاره ماه، و پرستندگان خورشید می‌توانند به سیاره خورشید رهسپار گردند و غیره. دانشمندان امروزی اکنون توسط موشک به سفری مخاطره آمیز جهت عزیمت به ماه مبادرت می‌نمایند، که در حقیقت این اقدام تازه‌ای نیست. انسان با آگاهی پیشرفته خود، به طور طبیعی تمایل سفر به فضا و دستیابی به سیارات دیگر، چه به وسیله فضاپیماها و چه از طریق نیروهای ماورالطبیعه و یا به کمک پرستش فرشتگان دارد. در کتب مقدس ودایی گفته شده است که انسان می‌تواند به یکی از این سه طریق به سیارات دیگر دست یابد، ولی متعارف‌ترین طریق، پرستش فرشته‌ای است که آن سیاره خاص را اداره می‌کند. در این صورت شخص

می‌تواند به سیاره ماه، به خورشید و حتی به برهما لوکا، بالاترین سیاره در دنیا دست یابد. همه سیارات در جهان مادی اقامتگاه‌های موقتی هستند، و تنها سیارات ابدی، وایکونتهالوکاها^۱ می‌باشند. سیارات وایکونته در عالم روحانی قرار دارند، جایی که شخصیت متعال خداوند بر آنها حکمرانی می‌کند. همان گونه که در بهاگواد-گیتا (۱۶/۸) آمده است:

*ābrahma-bhuvanāl lokāḥ
punar āvartino 'rjuna
mām upetya tu kaunteya
punar janma na vidyate*

”ای پسر کونتی، از بالاترین سیارات دنیای مادی تا پست‌ترین آنها، همه مکان‌های رنج و بدبختی می‌باشند که در آنها تولد و مرگ تکرار می‌گردد، ولی کسی که به منزلگاه من می‌رسد، هیچگاه دوباره متولد نمی‌شود.“

شری- ایشوپانیشاد خاطر نشان می‌سازد، شخصی که فرشتگان را می‌پرستد و به سیارات مادی آنها دست می‌یابد باز هم در تاریک‌ترین نقطه این جهان باقی خواهد ماند. کل جهان مانند نارگیلی که به وسیله پوسته‌ای پوشیده و نصف آن با آب پر شده است، توسط عناصر مادی بسیار زیادی پوشیده شده است. از آن جا که این پوشش غیر قابل نفوذ است، لذا تاریکی بخش درونی آن بسیار شدید است، به همین جهت سیاراتی مانند خورشید و ماه برای ایجاد روشنایی در درون آن الزامی هستند. خارج از جهان مادی، عرصه گسترده و بی‌کران برهماجیوتی قرار دارد که سرشار از سیارات وایکونته است. بالاترین سیاره در برهماجیوتی، کریشنالوکا یا گولوکا ورینداون^۲ است که شخصیت متعال خداوند، شری کریشنا، خود در آن سکنی دارد. خداوند شری کریشنا هیچگاه کریشنالوکا را ترک نمی‌کند. اگرچه او با همراهان ابدی خود در آن جا به سر می‌برد، ولی در سراسر تجلیات کیهانی مادی و روحانی حضور دارد. این حقیقت در مانترای چهارم توصیف شده است. خداوند همانند خورشید در همه جا حضور دارد، و در عین حال در یک مکان مستقر می‌باشد؛ درست همانند خورشید که در مدار تغییر ناپذیر خود قرار دارد.

مسائل زندگی با رفتن به سیاره ماه یا سیاره‌ای بالاتر یا پایین‌تر حل نمی‌شود. از این رو شری- ایشوپانیشاد می‌فرماید برای هر مقصدی در این دنیای مادی تاریک، به خود زحمت ندهیم بلکه در رسیدن به قلمرو نورانی خداوند تلاش نماییم. عابدان دروغین بسیاری وجود دارند که تنها به خاطر نام و شهرت به دین روی می‌آورند. چنین متعصبان دروغینی خواهان رهایی از این دنیا و دستیابی به عالم روحانی نیستند. آنها فقط می‌خواهند با پرستش ظاهری خداوند، وضع موجود خود را در جهان مادی حفظ کنند. خدانشناسان و بی‌هویت‌گرایان، این دینداران دروغین نادان را با تبلیغ آیین بی‌خدایی به تاریک‌ترین وادی هدایت می‌کنند. فرد خدانشناس به صراحت وجود شخصیت متعال خداوند را انکار می‌کند و بی‌هویت‌گرایان با تأکید بر وجه فاقد هویت خداوند متعال، چنین

¹ *Vaikuṇṭhalokas*

² *Goloka Vṛndāvana*

خدانشناسانی را تأیید می‌کنند. تاکنون در شری-ایشوپانیشاد به مانترایی برخورد نکرده‌ایم که در آن شخصیت متعال خداوند انکار شده باشد. گفته شده است که او می‌تواند سریع‌تر از هر کسی بدود. آنان که به دنبال رفتن به سیارات دیگر می‌باشند، به طور قطع شخص هستند، و اگر خداوند بتواند سریع‌تر از همه آنها به هر جا برود، چگونه ممکن است او را بی‌هویت دانست؟ ادراک فاقد هویت خداوند متعال وجه دیگری از جهل است که از ادراک ناقص حقیقت مطلق ناشی می‌گردد.

دینداران دروغین نادان و سازندگان به اصطلاح ظهورات خداوند که به صراحت دستورات ودایی را نقض می‌کنند، سزاوار آن هستند که به تاریک‌ترین وادی دنیا رهسپار شوند، زیرا پیروان خود را گمراه می‌سازند. این بی‌هویت‌گرایان معمولاً خود را به صورت ظهورات خداوند به افراد نادان که از حکمت ودایی بی‌خبرند، می‌نمایانند. چنانچه این افراد نادان از دانشی نیز برخوردار باشند، دانش ایشان خطرناک‌تر از جهل است. چنین بی‌هویت‌گرایانی حتی پرستش فرشتگان را که طبق متون مقدس توصیه شده است، به جای نمی‌آورند. در کتب مقدس توصیه‌هایی برای پرستش فرشتگان تحت برخی از شرایط به عمل آمده است، در عین حال کتب مقدس بیان می‌دارند که به طور متعارف نیازی به چنین کاری نیست. در بهاگواد-گیتا (۲۳/۷) به‌وضوح بیان شده است که نتایج حاصل از پرستش فرشتگان، دائمی نیست. از آن‌جا که کل جهان مادی فانی است، هر آنچه که در تاریکی موجودیت مادی به دست آید نیز فانی است. مسئله این است که چگونه می‌توان به زندگی حقیقی و ابدی دست یافت.

خداوند می‌فرماید به محض این که کسی از طریق خدمت عابدانه - که تنها راه رسیدن به شخصیت متعال خداوند است - به او نزدیک شود، به رهایی کامل از بند تولد و مرگ دست خواهد یافت. به بیان دیگر، مسیر رهایی از چنگال ماده، به‌طور کامل به‌اصول دانش و انقطاع به دست آمده از طریق خدمت به خداوند وابسته است. دینداران دروغین نه از دانش بهره‌ای دارند و نه از انقطاع در امور دنیوی. اغلب آنها می‌خواهند که تحت عنوان فعالیت‌های نوع‌دوستانه و بشردوستانه و در قالب اصول مذهبی، در غل و زنجیر طلایی زندان مادی به زندگی ادامه دهند. آنها با نمایشی دروغین از احساسات مذهبی، در حالی که در همه نوع اعمال غیراخلاقی افراط می‌ورزند، تظاهر به خدمت عابدانه می‌کنند و بدین سان به عنوان معلمان روحانی و عابدان خداوند پذیرفته می‌شوند. این نقض‌کنندگان اصول مذهبی احترامی برای آچارهای معتبر، یعنی معلمان روحانی سلسله موثق، قائل نمی‌باشند، آنها دستور ودایی آچارپاشانا^۱ را که "شخص باید آچارها را پرستش کند" و اظهار کریشنا در بهاگواد-گیتا (۲/۴) "وام پارامپارا-پراپتام"^۲، بدین معنی که این دانش متعال از طرف خداوند توسط سلسله معلمان روحانی دریافت شده است، را نادیده می‌گیرند. به جای آن ایشان برای گمراه ساختن مردم، خود به اصطلاح آچارها می‌شوند، ولی حتی اصول آچارها را نیز دنبال نمی‌کنند.

¹ ācāryopāśana

² evam paramparā-prāptam

این فریبکاران، خطرناک‌ترین عناصر در جامعه بشری هستند و به علت فقدان حکومت دینی، به واسطه قوانین رایج آنها از مجازات جان بدر می‌برند. با این وجود، آنها از قانون خداوند متعال، کسی که در پهاگاواد-گیتا (۱۹/۱۶-۲۰) به وضوح می‌فرماید دیوان حسود که در جامه مبلغان مذهبی هستند باید به تاریک‌ترین وادی دوزخ افکنده شوند نمی‌توانند بگریزند. شری- ایشوپانیشاد تأیید می‌کند که این دینداران دروغین پس از انجام نقش معلم روحانی که به صرف ارضای حواس صورت می‌گیرد، به منفورترین ناحیه جهان رهسپار می‌شوند.

مانترای سیزده

anyad evāhuḥ sambhavāt
anyad āhur asambhavāt
iti śuśrūma dhīrāṇām
ye nas tad vicacakṣire

anyat - متفاوت؛ *eva* - قطعاً؛ *āhuḥ* - گفته شده است؛ *sambhavāt* - با پرستش خداوند متعال، علت‌العلل؛ *anyat* - متفاوت؛ *āhuḥ* - گفته شده است؛ *asambhavāt* - با پرستش آنچه متعال نیست؛ *iti* - بنابراین؛ *śuśrūma* - من آن را شنیدم؛ *dhīrāṇām* - از مراجع معتبر غیرآشفته؛ *ye* - کسی که؛ *naḥ* - به ما؛ *tad* - در مورد آن موضوع؛ *vicacakṣire* - کاملاً توضیح داده شده است.

گفته شده است که پرستش علت‌العلل متعال را ثمری است و پرستش غیرمتعال را ثمری دگر. تمامی این‌ها از مراجعی فارغ از آشفته‌گی و تشویش شنیده شده است که این دانش را به روشنی توضیح داده‌اند.

شرح

در این مانترا، سیستم شنیدن از مراجعی که دستخوش آشفته‌گی و تشویش نمی‌باشند، تأیید شده است. اگر انسان به آچارهای معتبر که در برابر تغییرات دنیای مادی آشفته نمی‌شوند، گوش فرا ندهد، هرگز کلید حقیقی دانش متعال را بدست نخواهد آورد. معلم روحانی معتبر که خود نیز شروتی مانترها^۱ یا دانش ودایی را با شنیدن از آچارهای غیرپیش‌ان خویش دریافت کرده است، هیچ‌گاه آن‌چه را که در وداها ذکر نشده است، عرضه نمی‌کند. در بهاگاواد-گیتا (۲/۲۵) به روشنی بیان شده است: "آنان که پیتاها، یا نیاکان را پرستش می‌کنند، به سیارات نیاکان وارد خواهند شد؛" به گونه‌ای مشابه، مادی‌گرایان سرسخت نیز که برای بودن در این دنیا نقشه می‌کشند، باز هم به این‌جا باز می‌گردند، و عبادان خداوند کریشنا که کسی را جز وی - علت متعال همه علت‌ها- پرستش نمی‌کنند، به او در عالم روحانی‌اش واصل می‌شوند. این جا در شری-ایشوپانیساد نیز مشخص شده است که روش‌های مختلف پرستش، نتایج مختلفی را به بار می‌آورد. اگر ما خداوند متعال را پرستش کنیم، بدون تردید در منزلگاه جاودانه‌اش به حضور او نائل خواهیم آمد. چنانچه ما فرشتگانی نظیر خداوندگار خورشید و ماه را

¹ śruti-mantras

پرستش کنیم، به طور قطع به سیارات آنها دست خواهیم یافت. و اگر بخواهیم با برنامه‌ریزی‌ها و اصلاحات سیاسی موقت در این سیاره نکبت بار باقی بمانیم، بدون تردید آن نیز میسر خواهد شد. در هیچ جای کتب مقدس معتبر ذکر نشده است که شخص با انجام هر نوع عمل و با پرستش هر کسی، در نهایت به هدف یکسانی دست خواهد یافت. این فرضیه‌های نابخردانه توسط مدعیان استادی، که هیچ نوع ارتباطی با پارامپارا - سلسله معتبر پیران روحانی - ندارند، عرضه می‌شود. پیرو روحانی معتبر نمی‌تواند بگوید که تمامی راه‌ها به یک هدف منتهی می‌شوند و یا این که هر شخصی می‌تواند با هر نوع پرستشی که خود از فرشتگان یا خداوند متعال و یا غیره به عمل می‌آورد، به این هدف دست یابد. برای یک انسان عادی، فهم این مسئله بسیار آسان است که تنها شخصی می‌تواند به مقصد مورد نظرش برسد که بلیط رفتن به آن مقصد را خریداری کرده باشد. کسی که برای رفتن به کلکته بلیط خریده باشد، می‌تواند به کلکته برود، نه به بمبئی. حال آن‌که این به اصطلاح معلمان روحانی می‌گویند که همه بلیط‌ها می‌تواند شخص را به هدف متعال برساند. این گونه اظهارات دنیوی و سازشکارانه، نادانان بسیاری را مجذوب می‌کند تا با روش‌های ابداعی خود در مورد ادراک روحانی مغرور شوند، در حالی که تعالیم ودایی آنها را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. تا هنگامی که شخص دانش را از معلم روحانی معتبری که در سلسله معتبر قرار دارد دریافت نکند، نمی‌تواند حقیقت را به همان گونه که هست درک نماید. کریشنا در بهاگاواد-گیتا (۲/۴) به آرجونا می‌فرماید:

*evam paramparā-prāptam
imaṁ rājarāṣayo viduḥ
sa kāleneha mahatā
yogo naṣṭaḥ parantapa*

”بدین ترتیب این علم متعال به وسیله سلسله پیران دریافت شد و شاهان قدیس آن را از این طریق فرا گرفتند. ولی به مرور زمان این سلسله گسسته شد و در نتیجه به نظر می‌رسد که صورت حقیقی این معرفت از بین رفته است.“

هنگامی که خداوند کریشنا بر روی کره زمین حضور داشت، اصول توصیف‌شده بهاکتی یوگا در بهاگاواد-گیتا مورد تحریف قرار گرفته بود. بدین جهت ضرورت داشت که خداوند سلسله شاگردی را دوباره بنا نهد؛ سلسله‌ای که از آرجونا، محرم‌ترین دوست و عابد خداوند آغاز گردید. کریشنا به وضوح به آرجونا می‌فرماید که چون او دوست و عابد وی می‌باشد، لذا اصول بهاگاواد-گیتا برای او قابل درک است (ب.گ. ۳/۴). به بیان دیگر کسی که عابد و دوست خداوند نباشد، نمی‌تواند گیتا را درک کند. همچنین، این نکته بدان معناست که تنها شخصی که از مسیر آرجونا پیروی کند، می‌تواند بهاگاواد-گیتا را درک کند.

در حال حاضر مترجمان و مفسران بسیار زیادی وجود دارند که در حقیقت هیچ توجهی به خداوند کریشنا یا آرجونا ندارند. این گونه مفسران، آیه‌های بهاگاواد-گیتا را مطابق میل خود تفسیر می‌نمایند و هر سخن یاوه‌ای را به نام کتاب مقدس عرضه می‌کنند. این مفسران نه به شری کریشنا اعتقاد دارند و نه به منزلگاه ابدی او. پس چگونه می‌توانند به شرح بهاگاواد-گیتا بپردازند؟

کریشنا به روشنی بیان می‌دارد تنها کسانی که عقل و شعور خود را از دست داده‌اند، فرشتگان را برای پادشاهی جزئی پرستش می‌کنند (ب.گ. ۲۰/۷ و ۲۳). کریشنا سرانجام توصیه می‌فرماید که شخص باید همه راه‌ها و شیوه‌های پرستش را کنار گذارد و به طور کامل فقط تسلیم او شود (ب.گ. ۶۶/۱۸). تنها کسانی که از اعمال آلوده به گناه مبرا هستند، می‌توانند چنین ایمان خدشه‌ناپذیری را به خداوند متعال داشته باشند. دیگران با شیوه‌های حقیرانه پرستش خود همچنان در عرصه مادی پُرسه خواهند زد و بدین ترتیب، تحت تأثیر این طرز فکر نادرست که تمامی راه‌ها به یک هدف می‌انجامد، گمراه خواهند شد.

در این منتر، واژه سامبهاوات^۱، "از طریق پرستش علت متعال" دارای اهمیت بسیار است. خداوند کریشنا شخصیت اصلی خداوند است و هر آنچه که وجود دارد از او نشأت گرفته است. در بهاگاود-گیتا (۸/۱۰) خداوند می‌فرماید:

*aham sarvasya prabhavo
mattaḥ sarvaṁ pravartate
iti matvā bhajante mām
budhā bhāva-samanvitāḥ*

"من منشا تمام جهان‌های مادی و روحانی می‌باشم. همه چیز از من نشأت می‌گیرد. خردمند کسی است که تعهد خدمت عابدانه به من را به خوبی درک کرده است و مرا با تمام قلبش می‌پرستد." در این جا یک توضیح درست از خداوند متعال توسط خودش بیان شده است. کلمه سارواسیا پرا-بهاوا^۲ اشاره می‌کند که کریشنا آفریدگار تمامی موجودات از جمله برهما، ویشنو و شیوا می‌باشد. از آن جا که این سه اداره‌کننده اصلی دنیای مادی، آفریده خداوند می‌باشند، او خالق تمامی چیزهایی است که در دنیای مادی و روحانی وجود دارد. در آتھاروا ودا (گوپالا تاپانی اوپانیشاد ۱/۲۴)^۳ نیز به همین گونه آمده است: "کسی که پیش از آفرینش برهما وجود داشته و آن کس که با دانش روحانی به برهما آگاهی بخشیده است، خداوند شری کریشنا می‌باشد." به طور مشابه نارایانا اوپانیشاد^۴ (۱) می‌فرماید: "شخصیت متعال نارایانا، اراده به خلق همه موجودات زنده کرد. بنابراین از نارایانا برهما زاده شد. نارایانا تمامی پراجاپاتی‌ها^۵ را آفرید. نارایانا، ایندرا را آفرید. نارایانا، هشت واسو^۶ را آفرید. نارایانا، یازده رودرا^۷ را آفرید. نارایانا، دوازده آدیتیا^۸ را آفرید." از آن جا که نارایانا تجلی کامل خداوند کریشناست، لذا نارایانا و کریشنا یکی هستند. نارایانا اوپانیشاد (۴) همچنین می‌فرماید که پسر دواکی خداوند متعال (کریشنا) است. یکی بودن نارایانا با علت متعال توسط شریپادا شاناکراچاریا تأیید شده

¹ sam-bhavāt

² sarvasya pra-bhavaḥ

³ Atharva Veda (Gopāla-tāpanī Upaniṣad 1.24)

⁴ Nārāyaṇa Upaniṣad

⁵ Prajāpatīs

⁶ Vasus

⁷ Rudras

⁸ Ādityas

است، هرچند که وی به وایشناواها یا آیین هویت‌گرایان تعلق ندارد. همچنین در آتھاروا ودا(ماها اوپانیشاد ۱) بیان شده است: ”در آغاز تنها نارایانا بود، نه برهما بود و نه شیوا، نه آتش و نه آب؛ نه ستارگان بودند و نه خورشید و ماه. خداوند تنها نمی‌ماند و هرچه را بخواهد می‌آفریند.“ کریشنا خود در موکشا-دارما^۱ می‌فرماید: ”من پراجاپاتی‌ها و رودراها را آفریدم. آنها دانش کاملی درباره من ندارند، زیرا توسط انرژی توهمی من پوشیده شده‌اند.“ درواراها پورانا^۲ نیز گفته شده است: ”نارایانا شخصیت متعال خداوند است و از او برهمای چهارسر و نیز رودرا که بعدها به دانش کامل نائل گردید، تجلی یافتند.“

بدین ترتیب در تمام وداها تأیید شده که نارایانا یا کریشنا علت‌العلل است. دربرهما-سامهیتا (۱/۵) نیز گفته شده است که خداوند متعال، شری کریشنا - گوویندا- است که لذت‌دهنده به تمام موجودات و علت‌العلل آغازین است. آن که به راستی داناست این مطلب را به گواه حکمای بزرگ و وداها درک می‌کند. بنابراین انسان دانا خداوند کریشنا را به عنوان کل کامل پرستش می‌کند. فردی بودها^۳ یا دانای حقیقی نامیده می‌شود که تنها کریشنا را پرستش می‌کند.

این اعتقاد هنگامی حاصل می‌شود که شخص پیام متعال را با عشق و ایمان از آچاربایای غیرپریشان بشنود. کسی که ایمان یا عشقی به خداوند کریشنا ندارد، نمی‌تواند این حقیقت ساده را قبول کند. افراد بی‌ایمان در بهاگاود-گیتا (۱۱/۹) به‌عنوان مودها، یعنی نادان یا الاغ توصیف شده‌اند. گفته شده است که افراد مودها شخصیت خداوند را به تمسخر می‌گیرند، زیرا دانش کامل را از آچاربایای غیرپریشان کسب نکرده‌اند. شخصی که توسط گرداب انرژی مادی پریشان و مغشوش می‌شود، شایستگی آن را ندارد که یک آچاربایا گردد.

آرجونا پیش از شنیدن بهاگاود-گیتا، توسط علایق خود نسبت به خانواده، مردم و جامعه - گرداب مادی- دچار پریشانی و تشویش شده بود. از این رو او می‌خواست فرد بشردوست و صلح‌جویی در دنیا باشد. ولی هنگامی که با شنیدن دانش ودایی بهاگاود-گیتا از شخص متعال، بودها گردید، عزم خویش را تغییر داد و پرستش‌کننده خداوند کریشنا که نبرد کوروکشترا را ترتیب داده بود، شد. آرجونا توسط جنگ با به اصطلاح اقوام خویش، خداوند را پرستش نمود و به این ترتیب او عابد پاک خداوند گردید. تحقق این مورد فقط در صورتی میسر می‌شود که شخص به پرستش کریشنای حقیقی بپردازد، نه به پرستش کریشنای کاذب که توسط افراد نادان ابداع شده‌است؛ همان افرادی که از راز و رمز دانش کریشنا که در بهاگاود-گیتا و شریما-بهاگواتام به‌توصیف آن پرداخته شده است، بی‌اطلاع هستند.

سامبهوتا^۴ طبق ودانتا-سوترا منشا تولد و بقا و نیز منبعی است که پس از نابودی دنیای مادی باقی می‌ماند(janmādy asya yataḥ [ش.ب. ۱/۱/۱]). شریما-بهاگواتام که تفسیر واقعی ودانتا-سوترا توسط مؤلف آن است، بیان می‌دارد که منبع تمامی تجلیات، همانند سنگ بی‌جان

¹ Mokṣa-dharma

² Varāha Purāṇa

³ budha

⁴ sambhūta

نیست، بلکه آبهیگیا^۱ یا کاملاً آگاه است. خداوند، شری کریشنا، نیز در بهاگاواد-گیتا (۲۶/۷) می‌فرماید که او به طور کامل از گذشته، حال و آینده آگاه است و هیچ‌کس حتی فرشتگانی مانند شیوا و برهما او را به طور کامل نمی‌شناسند. بدون تردید رهبران روحانی دارای تحصیلات ناکامل که در اثر فراز و نشیب‌های زندگی مادی پریشان می‌شوند، قادر نیستند او را به طور کامل بشناسند. آنها سعی می‌کنند که با قرار دادن توده مردم به عنوان هدف پرستش، مصالحه‌ای را به وجود آورند، ولی نمی‌دانند که چنین پرستشی تنها یک افسانه است و توده‌های مردم کامل نیستند. تلاش این به اصطلاح رهبران روحانی مانند آبپاری برگ‌ها به جای ریشه می‌باشد. روش طبیعی و صحیح، آبپاری ریشه است، ولی رهبران پریشان امروزی بیشتر متوجه برگ‌ها هستند؛ به‌رغم آبپاری مداوم برگ‌ها، همه چیز به علت فقدان تغذیه صحیح در حال خشکیدن است.

شری- ایشوپانیساد آب دادن به ریشه را که منشأ تمامی رویش‌هاست، به ما توصیه می‌کند. پرستش توده مردم از طریق انجام خدمت به بدن آنان - که هیچگاه نمی‌تواند کامل باشد - کم اهمیت‌تر از خدمت به روح است. روح ریشه‌ای است که طبق قانون کارما - عکس‌العمل اعمال مادی - انواع مختلف بدن‌ها را پدید می‌آورد. خدمت به مردم از طریق کمک‌های پزشکی، مساعدت‌های اجتماعی و امکانات آموزشی، و در کنار آن، کشتار حیوانات بیچاره در کشتارگاه‌ها، خدمت صحیحی به موجودات زنده محسوب نمی‌شود.

موجود زنده همواره در انواع بدن‌های مختلف از مصائب مادی تولد، پیری، بیماری و مرگ رنج می‌برد. شکل انسانی حیات فرصتی را در اختیار انسان قرار می‌دهد که با احیای رابطه مجدد گمشده بین موجود زنده و خداوند متعال، به سادگی از این گرفتاری‌هایی یابد. خداوند خود شخصاً می‌آید تا فلسفه تسلیم به متعال، سامیهوتا، را آموزش دهد. خدمت حقیقی به بشریت هنگامی انجام می‌پذیرد که شخص چگونگی تسلیم به خداوند متعال و پرستش او با نهایت عشق و توان را آموزش دهد. این آموزش این مانترای شری- ایشوپانیساد می‌باشد.

روش ساده پرستش خداوند در این عصر پریشانی، شنیدن و بر زبان جاری ساختن اعمال استثنائی او می‌باشد. پندارگرایان بر این تصورند که اعمال خداوند امری تخیلی است؛ بدین جهت از شنیدن درباره آنها خودداری می‌ورزند و با سفسطه بی‌اساس خود نظر توده مردم بی‌گناه را منحرف می‌سازند. آنها به جای شنیدن درباره اعمال خداوند کریشنا، پیروان خود را بر آن می‌دارند که به تمجید از معلمان روحانی دروغین بپردازند و به این ترتیب به تبلیغ درباره خود دست می‌زنند. در سال‌های اخیر تعداد چنین متظاهران به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است و برای عابدان پاک خداوند دشوار است که توده مردم را از تبلیغات ناپاک این متظاهران و ظهورات دروغین خداوند برهانند.

¹ abhijña

اوپانیشادها به طور غیر مستقیم توجه ما را به خداوند ازلی، شری کریشنا، معطوف می‌دارد، ولی بهاگاود-گیتا که خلاصه تمامی اوپانیشادها است، به طور مستقیم به شری کریشنا اشاره دارد. ذهن شخص باید درباره کریشنا، آن گونه که او در بهاگاود-گیتا و شریماد-بهاگاواتام توصیف شده است، بشنود و این گونه ذهن به تدریج از تمامی آلودگی‌های مادی پاک خواهد شد. شریماد-بهاگاواتام (۱۷/۲/۱) بیان می‌دارد: "عابد با شنیدن درباره اعمال خداوند، توجه او را به سوی خود جلب می‌کند. از آن جایی که خداوند در قلب هر موجود زنده قرار دارد لذا با راهنمایی صحیح به عابد، او را یاری می‌کند." بهاگاود-گیتا (۱۰/۱۰) نیز این موضوع را تأیید می‌کند: *dadāmi buddhi-yogaṁ taṁ yena mām upayānti te*

راهنمایی درونی خداوند، قلب عابد را از تمامی آلودگی‌هایی که در اثر گونه‌های مادی شهوت و جهل ایجاد گردیده است، پاک می‌سازد. غیرعابدان تحت سلطه شهوت و جهل قرار دارند. کسی که در شهوت است نمی‌تواند از آرزوها و اشتیاق مادی فارغ شود و آن‌کس که در جهل است نه می‌تواند خود را بشناسد و نه خدا را. بنابراین هنگامی که شخص در شهوت و جهل بسر می‌برد، به هر اندازه هم که نقش یک دیندار را ایفا کند، هیچ شانس برای خودشناسی ندارد، ولی برای عابد، به لطف خداوند، گونه‌های شهوت و جهل از بین می‌روند. بدین ترتیب او در گونه نیکی مستقر می‌شود که نشان مشخصه یک برهمن کامل است. همه بدون استثنا صلاحیت برهمن شدن را دارا می‌باشند، به شرط آن‌که راه خدمت عابدانه را تحت رهبری یک معلم روحانی معتبر دنبال نمایند. شریماد-بهاگاواتام (۱۸/۴/۲) همچنین بیان می‌دارد:

*kirāta-hūnāndhra-pulinda-pulkaśā
ābhīra-śumbhā yavanāḥ khasādayaḥ
ye 'nye ca pāpā yad-apāśrayāśrayāḥ
śudhyanti tasmai prabhaviṣṇave namaḥ*

"هر موجود فرومایه‌ای می‌تواند تحت رهبری یک عابد پاک خداوند، پاک گردد، زیرا خداوند فوق‌العاده قدرتمند است."

هنگامی که کسی به ویژگی‌های برهمنی دست می‌یابد، برای انجام خدمت عابدانه به خداوند شادمان و مشتاق می‌شود و دانش خدا خود به خود نزد او آشکار می‌گردد. شخص به تدریج با آگاهی از دانش خدا از تمامی دلبستگی‌های مادی فارغ و ذهن شکاک او به لطف پروردگار روشن و شفاف می‌شود. هنگامی که کسی به این مرحله دست می‌یابد روحی آزاد می‌گردد و خداوند را در هر مرحله زندگی می‌بیند. این است کمال سامبهاوات که در این مانترا توصیف شده است.

مانترای چهارده

*sambhūtim ca vināśam ca
yas tad vedobhayam saha
vināśena mṛtyum tīrtvā
sambhūtyāmṛtam aśnut*

sambhūtim - شخصیت ازلی خداوند، نام، شکل، بازی‌های متعال، کیفیات و متعلقات، و تنوع‌های گوناگون در منزلگاه وی، و غیره؛ *ca* - و؛ *vināśam* - تجلی مادی موقتی خداوندگاران، انسان‌ها و حیوانات، و غیره با نام‌ها و شهرت‌های غیرواقعی؛ *ca* - همچنین؛ *yaḥ* - کسی که؛ *tat* - آن؛ *veda* - می‌داند؛ *ubhayam* - هر دو؛ *saha* - همراه با؛ *vināśena* - با همه چیزهایی که در معرض نابودی است؛ *mṛtyum* - مرگ؛ *tīrtvā* - برتری جوید؛ *sam—bhūtyā* - در قلمروی ازلی خداوند؛ *amṛtam* - بی‌مرگی؛ *aśnute* - لذت می‌برد.

انسان باید شخصیت متعال خداوند کریشنا، نام متعال او، شکل، صفات و بازی‌های روحانی او، و همچنین آفرینش فناپذیر مادی را به همراه خداوندگاران، انسان‌ها و حیوانات موقتی آن به درستی بشناسد. هنگامی که فردی به این موارد آگاه گردد، مرگ و تجلی موقت مادی همراه با آن را پشت سر می‌گذارد و در ملکوت ازلی خداوند از زندگی سرمدی سرشار از شغف و دانش بهره‌مند می‌گردد.

شرح

تمدن بشری در اثر به اصطلاح پیشرفت دانش، بسیاری از ابزارها و پدیده‌های مادی از جمله سفینه‌های فضایی و انرژی اتمی را خلق کرده است. با این وجود هنوز توفیق نیافته است که راهی برای رهایی از تولد، پیری، بیماری و مرگ بیابد. هرگاه انسان هوشمندی پرسشی را درباره این مصائب در برابر این به اصطلاح دانشمندان مطرح سازد، آنها زیرکانه می‌گویند که دانش مادی در حال پیشرفت است و در نهایت زندگی جاودانه و فارغ از پیری و بیماری برای بشر میسر خواهد شد. این‌گونه پاسخ‌ها، چهل فاحش دانشمندان را درباره طبیعت مادی اثبات می‌کند. همه چیز در طبیعت مادی تحت قوانین دقیق ماده قرار دارد و باید از شش مرحله دگرگونی گذر کند: تولد، رشد، بقا، تغییر، زوال و در نهایت مرگ. هر کسی که در ارتباط با طبیعت مادی است، نمی‌تواند در ورای این شش قانون تغییر و

دگرگونی قرار گیرد. از این رو هیچ موجودی، چه فرشته، انسان، حیوان یا گیاه، نمی‌تواند برای همیشه در دنیای مادی باقی بماند.

طول مدت زندگی موجودات بر حسب گونه آنها تغییر می‌کند. خداوندگار برهما - برترین موجود زنده این دنیای مادی - میلیون‌ها میلیون سال عمر می‌کند، حال آن که میکروبی ریز تنها برای چند ساعت زندگی می‌کند. هیچ کس قادر نیست در دنیای مادی جاودان باقی بماند. همه چیز تحت شرایطی معین زاده یا آفریده می‌شود، برای مدتی تداوم دارد و اگر به زندگی ادامه دهد، رشد می‌کند و زاد و ولد می‌نماید، به تدریج رو به افول می‌نهد و سرانجام از بین می‌رود. حتی برهماها که میلیون‌ها از آنان در جهان‌های مختلف وجود دارند، طبق این قوانین دیر یا زود در معرض نابودی قرار دارند. از این رو سراسر دنیای مادی، ماریتالوکا^۱، که به معنی مکان مرگ است، نامیده می‌شود.

دانشمندان مادی و سیاستمداران در تلاش هستند که مرگ را در این مکان از میان بردارند، زیرا هیچ‌گونه اطلاعی از جهان روحانی نامیرا ندارند. این مسئله به واسطه جهل آنها نسبت به آثار ودایی است که سرشار از دانش تجربه کامل متعال است. متأسفانه انسان عصر حاضر هیچ‌گونه تمایلی به کسب دانش از وداها، پوراناها و سایر کتب مقدس ندارد.

از طریق ویشنو پورانا (۶۱/۷/۶) مطلع می‌شویم که:

*viṣṇu-śaktiḥ parā proktā
kṣetra-jñākhyā tathā parā
avidyā-karma-samjñānyā
tṛtīyā śaktir iṣyate
/Cc. Madhya 6.154/*

خداوند ویشنو - شخصیت متعال خداوند - دارای انرژی‌های گوناگونی به نام‌های پارا (برتر) و آپارا (پست) می‌باشد. موجودات زنده به انرژی برتر تعلق دارند. انرژی مادی که هم اکنون ما در اسارت آن می‌باشیم، آویدیا یا انرژی پست نامیده می‌شود. آفرینش مادی توسط این انرژی میسر گردیده که موجودات زنده را با جهل (آویدیا) پوشانده است و آنها را به انجام اعمال ثمربخش ترغیب می‌کند. در حالی که انرژی دیگری - انرژی برتر - به نام پارا شاکتی وجود دارد که از انرژی مادی پست متفاوت می‌باشد. آن انرژی برتر به وجود آورنده مأمّن ابدی و فناپذیر خداوند است (ب.گ. ۲۰/۸):

*paras tasmāt tu bhāvo 'nyo
vyakto 'vyaktāt sanātanaḥ '
yaḥ sa sarveṣu bhūteṣu
naśyatsu na vinaśyati*

تمامی سیارات مادی - بالایی، پایینی و میانی، از جمله خورشید، ماه و ناهید - در سراسر جهان پراکنده‌اند. این سیارات تنها در طول مدت عمر برهما وجود دارند. برخی از سیارات پایین‌تر در پایان یک روز برهما از بین می‌روند و در روز بعد دوباره آفریده می‌شوند. زمان در سیارات بالایی به گونه متفاوت دیگری محاسبه می‌شود. یک سال ما معادل بیست و چهار ساعت، یا یک شبانه روز، در

¹ Martyaloka

بسیاری از سیارات بالایی است. چهار دوره زمین (ساتیا، ترتا، دواپارا و کالی) طبق معیار زمانی سیارات بالایی، فقط دوازده هزار سال به طول می‌انجامد. حاصل ضرب چنین مدتی در هزار، یک روز برهما را تشکیل می‌دهد و شب برهما نیز همین مدت می‌باشد. مجموعه این روزها و شب‌ها، ماه و سال را تشکیل می‌دهد و عمر برهما یکصد سال با این معیار زمانی است. کل تجلیات این جهان در پایان زندگی برهما از بین می‌رود.

موجودات زنده‌ای که در خورشید یا ماه بسر می‌برند و همچنین ساکنین منظومه مارتیالوکا - که شامل زمین و بسیاری از سیارات پایین‌تر از زمین می‌باشد - در خلال شب برهما در اقیانوس عدم غرق می‌گردند. در خلال این مدت هیچ موجود زنده و یا گونه‌ای از حیات، به حالت متجلی باقی نمی‌ماند، حال آن که به طور روحانی به‌زندگی خود ادامه می‌دهد. این حالت نامتجلی آویاکتا^۱ نامیده می‌شود. هنگامی که کل جهان در پایان زندگی برهما از بین رفت، بار دیگر حالت آویاکتای دیگری نیز پدیدار خواهد شد. اما در ورای این دو حالت تجلی‌نیافته، حالت تجلی‌نیافته دیگری، فضا یا طبیعت روحانی، قرار دارد. سیارات روحانی بسیار زیادی در این فضا قرار دارند و این سیارات، حتی در هنگامی که تمامی سیارات دنیای مادی در پایان روز برهما از بین می‌روند، به طور ابدی موجود می‌باشند. تجلی کیهانی که در قلمروی برهماهای مختلف قرار دارد، فقط ظهور یک‌چهارم از انرژی خداوند است (ekapād-vibhūti). این، انرژی پست‌تر می‌باشد. در ورای قلمروی برهما، طبیعت روحانی قرار دارد که تریپاد-ویبهوتی^۲ نامیده می‌شود و سه‌چهارم انرژی خداوند است. به این انرژی، برتر یا پارا پراکرتی^۳ اطلاق می‌شود.

شخص متعال حاکم که در طبیعت روحانی بسر می‌برد، خداوند شری کریشنا است. او به همان گونه که در بهاگواد-گیتا (۲۲/۸) تأیید شده است تنها از طریق خدمت عابدانه پاک قابل حصول می‌باشد، نه از طریق گیانا (فلسفه)، یوگا (قدرت‌های ماوراءالطبیعه) یا کارما (اعمال ثمربخش). کارمی‌ها یا آنان که به اعمال ثمربخش مبادرت می‌ورزند، می‌توانند خود را به سیارات سوارگالوکا^۴ - که شامل خورشید و ماه می‌باشد - ارتقاء دهند. گیانی‌ها و یوگی‌ها قادرند حتی به سیارات بالاتر نظیر ماهارلوکا، تاپالوکا و برهمالوکا^۵ دست یابند. هنگامی که این دو گروه از طریق خدمت عابدانه شایستگی بیشتری را کسب کنند، ورود به طبیعت روحانی - فضای نورانی عالم روحانی (برهمن) یا سیارات وایکونتها- طبق شایستگی کسب‌شده برای آنها میسر می‌گردد. تردیدی نیست که هیچ‌کس نمی‌تواند بدون آموزش در خدمت عابدانه، به سیارات روحانی وایکونتها وارد شود.

در سیارات مادی همه، از برهما تا یک مورچه، در تلاش هستند که طبیعت مادی را تحت سلطه خود قرار دهند، و این همان بیماری مادی است. تا هنگامی که این بیماری تداوم دارد، موجود

¹ avyakta

² tripād-vibhūti

³ parā-prakṛti

⁴ Svargaloka

⁵ Maharloka, Tapoloka and Brahmaloaka

زنده باید دستخوش روند تغییرات بدنی گردد. چه موجود به شکل انسان، فرشته و یا به شکل حیوان در آید، باید سرانجام حالت غیرمتجلی را در ضمن دو نابودی - نابودی در شب برهما و نابودی در پایان زندگی برهما - متحمل گردد. اگر می‌خواهیم به این جریان پی‌درپی تولد و مرگ و عوامل همراه یعنی پیری و بیماری پایان بخشیم، باید تلاش کنیم تا وارد سیارات روحانی گردیم، جایی که می‌توانیم به صورت جاودان در معاشرت با خداوند کرشنا یا بسط‌های کامل وی، به فرم‌های نارایان بر همه این سیارات سلطه دارد. خداوند کرشنا یا بسط‌های کامل او بر هر چیزی در این سیارات غیرقابل شمارش حکم‌فرمایی می‌کند، این حقیقت در شروتی مانتراها تأیید شده است: *eko vaśi sarva-gaḥ kṛṣṇa īḍyah/ eko 'pi san bahudhā yo 'vabhāti. (Gopāla-tāpani Upaniṣad 1.21)* هیچ‌کس نمی‌تواند بر کرشنا تسلط یابد. این روح مقید است که در تلاش برای غلبه بر طبیعت مادی می‌باشد، ولی به جای آن، تحت سلطه قوانین طبیعت مادی و مصائب تولد و مرگ پی‌درپی است. خداوند برای برقراری اصول دین در این جا متجلی می‌گردد و اصل بنیادین، پرورش روحیه تسلیم به او می‌باشد. این آموزش نهایی خداوند در بهاگاواد-گیتا (۶/۱۸) است:

sarva-dharmān parityajya mām ekaṁ śaraṇam vraja

”همه چیز را رها کن و تنها به من تسلیم شو“، ولی متأسفانه افراد نادان ماهرانه این آموزش اساسی را به غلط تفسیر می‌کنند و توده‌های مردم را در راه‌های مختلف گمراه می‌سازند. مردم به تأسیس بیمارستان‌ها تشویق شده‌اند، ولی برای تربیت خود جهت ورود به عالم روحانی از طریق خدمت عبادانه ترغیب نشده‌اند. آنها آموخته‌اند که فقط به آسودگی موقتی علاقمند شوند که هیچ گاه برای موجود زنده خوشبختی حقیقی را به ارمغان نمی‌آورد. آنها به منظور مهار قدرت ویرانگر طبیعت، انواع مؤسسات عمومی و نیمه‌دولتی را برپا ساخته‌اند، ولی نمی‌دانند که چگونه طبیعت سلطه‌ناپذیر را رام سازند. در مورد بسیاری از افراد به عنوان متخصصان بزرگ بهاگاواد-گیتا تبلیغ می‌شود، ولی آنها به پیام گیتا درباره مهار طبیعت مادی توجهی مبذول نمی‌دارند. طبیعت قدرتمند، به همان گونه که در بهاگاواد-گیتا (۱۴/۷) ذکر شده، فقط از طریق بیدارسازی آگاهی الهی رام‌شدنی است.

شری- ایشوپانی‌شاد در این مانترا آموزش می‌دهد که انسان باید سامبهوتی^۱ (شخصیت خداوند) و ویناشا^۲ (تجلی موقتی مادی) را به طور کامل در کنار هم بشناسد. انسان نمی‌تواند فقط از طریق آگاهی به تجلی موقتی مادی نجات یابد، زیرا در جریان طبیعت در هر لحظه نابودی وجود دارد. کسی قادر نیست با تأسیس بیمارستان، از چنگال این نابودی رهایی یابد. تنها از طریق دانش کامل زندگی جاودان مملو از شغف و آگاهی، می‌توان نجات یافت. تمامی برنامه ودایی به منظور آموزش انسان در هنر دستیابی به زندگی جاودان است. مردم اغلب در اثر جاذبه‌های موقتی که بر پایه ارضای حواس صورت می‌گیرد، گمراه می‌شوند و این خدمت به محسوسات، باعث گمراهی و نزول انسان می‌گردد.

¹ sambhūti

² vināśa

بنابراین ما باید از طریق صحیح هم‌نوع خود را نجات بخشیم. مسئله‌ی علاقه به حقیقت یا عدم علاقه به آن مطرح نیست. حقیقت وجود دارد. اگر می‌خواهیم از تولد و مرگ پیایی رهایی یابیم، باید به خدمت عبادانه خداوند روی آوریم. هیچ نوع مصالحه و سازشی مطرح نیست، زیرا مسئله ضرورت در میان است.

مانترای پانزده

*hiraṇmayena pātreṇa
satyasyāpihitam mukham
tat tvam pūṣann apāvṛṇu
satya-dharmāya dṛṣṭaye*

hiraṇmayena - با انوار طلایی؛ *pātreṇa* - با پوشش خیره‌کننده؛ *satyasya* - از حقیقت مطلق؛ *apihitam* - پوشیده‌شده؛ *mukham* - صورت؛ *tat* - آن پوشش؛ *tvam* - خودت؛ *pūṣan* - ای حافظ؛ *apāvṛṇu* - با لطف خود بردار؛ *satya* - پاک؛ *dharmāya* - به عابد؛ *dṛṣṭaye* - برای نمایاندن.

ای پروردگار من، ای نگهدارنده تمامی موجودات، چهره حقیقی تو با پرتو خیره‌کننده‌ات پوشیده‌گشته است. تقاضا دارم از سر رحمت این حجاب را برگیر و خود را به عابد پاکت بنما.

شرح

خداوند در بهاگاواد-گیتا (۲۷/۱۴) درباره انوار شخصی خود (برهماجیوتی)^۱، یعنی پرتو خیره‌کننده شکل شخصی خویش، چنین می‌فرماید:

*brahmaṇo hi pratiṣṭhāham
amṛtasyāvyayasya ca
śāśvatasya ca dharmasya
sukhasyaikāntikasya ca*

”من بنیان برهمن غیرمتشخص هستم که جوهر خوشبختی غایی است و جاودان، فناپذیر و ابدی است.“

برهمن، پاراماتما و بهاگوان سه وجه حقیقت مطلق می‌باشند. برهمن قابل‌درک‌ترین وجه خداوند برای مبتدیان است. پاراماتما - روح متعال - توسط کسانی که پیشرفته‌تر می‌باشند، درک می‌شود و ادراک بهاگوان، نهایی‌ترین ادراک حقیقت مطلق است. این موضوع در بهاگاواد-گیتا تأیید شده است، آن‌جایی که خداوند می‌فرماید او مفهوم غایی حقیقت مطلق، منشا برهماجیوتی و نیز پاراماتمای در همه جا حاضر است. کریشنا در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که او منبع نهایی برهماجیوتی،

¹ *brahmajyoti*

یعنی مفهوم غیرمتشخص حقیقت مطلق، است و نیازی نیست که قدرت‌های نامحدود خود را شرح دهد:

*atha vā bahunaitena
kim jñātena tavārjuna
viṣṭabhyāham idam kṛtsnam
ekāmśena sthito jagat*

”ولی ای آرجونا، چه نیازی است به چنین دانش مفصلی. من فقط با ذره‌ای از وجودم در تمام این جهان حضور دارم و آن را حفظ می‌کنم.“ (ب.گ. ۴۲/۱۰)

بدین گونه خداوند توسط یکی از بسط‌های اصلی خود - پارامتمای در همه جا حاضر - تمامی آفرینش مادی را حفظ می‌کند. همچنین خداوند حافظ تمامی تجلیات عالم روحانی نیز می‌باشد؛ بدین جهت در شروتی مانترای شری-ایشوپانیساد از خداوند به نام پوشان^۱ یا حافظ نهایی یاد می‌شود.

شخصیت متعال خداوند، شری کریشنا، همواره در شعف متعال (آناندا مایو-بهیاسات^۲) است. هنگامی که خداوند در پنج هزار سال پیش در ورینداون هند حضور داشت، حتی از همان اوان بازی‌های کودکانه خویش، در لذت متعال بود. کشتن دیوهای گوناگونی چون آگها، باکا، پوتانا و پرالامبا برای او تفریح لذت‌بخشی محسوب می‌شد. خداوند در دهکده ورینداون از مادر، برادر و دوستان خود محظوظ می‌گردید و هنگامی که نقش یک ”کره دزد بازیگوش“ را بازی می‌کرد، معاشرین او از دزدی وی لذتی روحانی می‌بردند. شهرت خداوند به عنوان ”کره دزد“ قابل سرزنش نیست، زیرا خداوند با دزدیدن کره عابدان پاک خود را محظوظ می‌ساخت. هر آنچه را که خداوند در ورینداون انجام می‌داد، برای لذت بخشیدن به معاشران خود بود. خداوند این لیلایا را ترتیب می‌داد تا پندارگرایان خشک و آکروبات‌بازان به اصطلاح روند هاتها یوگا را که در پی یافتن حقیقت مطلق بودند، مجذوب سازد.

شوکادوا گوسوامی در شریماد-بهاگواتام (۱۱/۱۲/۱۰) درباره بازی‌های خداوند با همبازی‌هایش، یعنی پسران گاوچران، چنین می‌گوید:

*ittham satām brahma-sukhānubhūtyā
dāsyam gatānām para-daivatena
māyāśritānām nara-dārakeṇa
sakaṁ vijahruḥ kṛta-puṇya-puñjāḥ*

”شخصیت متعال خداوند که به صورت برهمن پر شعف غیرمتشخص درک می‌گردد، و به عنوان خداوند متعال توسط عابدان پرستش می‌شود و دنیاگرایان او را انسان معمولی به شمار می‌آورند، با پسران گاوچران - که پس از انجام اعمال متقیانه بسیار زیاد به چنین موقعیتی دست یافته بودند - بازی می‌کرد.“

¹ pūṣan

² ānanda-mayo 'bhyāsāt

بدین ترتیب خداوند همواره به اعمال عاشقانه متعالی با معاشرین روحانی خود مشغول است که در چهارچوب روابط گوناگون شانثا^۱ (خنثی)، داسیا^۲ (خادمی)، ساکھیا^۳ (دوستی)، واتساليا^۴ (پدر و مادری) و مادهوریا^۵ (عشق نکاحی) قرار دارد.

از آن جا که گفته شده است خداوند هرگز ورینداون دهما را ترک نمی‌گوید، ممکن است این پرسش مطرح شود که چگونه امور آفرینش را اداره می‌کند. در بهاگاواد-گیتا (۱۴/۱۳) به چنین پرسشی، پاسخ داده شده است: "خداوند توسط بخش اصلی خود که پوروشا نامیده می‌شود، در سراسر آفرینش مادی حضور دارد. هر چند که خداوند در آفرینش، نگاهداری و انهدام دنیای مادی شخصاً دخالتی ندارد، ولی تمامی این امور را توسط بسط اصلی خویش - پاراماتا - یا روح متعال موجب می‌گردد. هر موجود زنده، آتما یا روح می‌باشد و آتمای اصلی که همه آنها را اداره می‌کند، پاراماتا یا روح متعال است."

این روش شناخت خداوند، دانش عظیمی محسوب می‌شود. مادی‌گرایان تنها می‌توانند به تحلیل و تفکر درباره بیست و چهار عامل آفرینش مادی بپردازند، زیرا آنها در مورد پوروشا - خداوند - اطلاع بسیار ناچیزی دارند. حق‌جویان غیرمتشخص‌گرا توسط پرتو خیره‌کننده برهماجیوتی گیج می‌شوند. اگر شخص بخواهد حقیقت مطلق را به طور کامل رؤیت کند، باید به ورای بیست و چهار عنصر مادی و پرتو خیره‌کننده او دست یابد. شری-ایشوپانیساد به این مطلب اشاره دارد و برای کنار رفتن هیرانمایا-پاترا^۶ پوشش خیره‌کننده دعا می‌کند. تا زمانی که این حجاب کنار نرود تا انسان بتواند شخصیت متعال خداوند را آن طور که هست درک کند، شناخت حقیقی حقیقت مطلق هیچگاه حاصل نمی‌شود.

وجه پاراماتمای شخصیت خداوند، یکی از سه بسط اصلی است که این سه بسط در مجموع ویشنو-تاتوا^۷ نامیده می‌شود. ویشنو-تاتوایی که در این جهان است-یعنی یکی از سه دیتی اصلی برهما، ویشنو و شیوا- به کشیروداکاشایی ویشنو^۸ معروف است. او همان پاراماتمای در همه جا حاضر است که در هر موجود زنده‌ای وجود دارد. گاریهوداکاشایی ویشنو^۹ روح متعال جمعی در همه موجودات زنده است. در ورای این دو، کارانوداکاشایی ویشنو^{۱۰} است که در اقیانوس علیت دراز کشیده است. او آفریننده تمامی جهانهاست. روش یوگا به رهرو جدی آموزش می‌دهد که پس از غلبه بر بیست و چهار

¹ śānta

² dāsya

³ sakhya

⁴ vātsalya

⁵ mādhyura

⁶ hiraṇmaya-pātra

⁷ viṣṇu-tattvas

⁸ Kṣīrodakaśāyī Viṣṇu

⁹ Garbhodakaśāyī Viṣṇu

¹⁰ Kāraṇodakaśāyī Viṣṇu

عنصر آفرینش مادی با ویشنوتاتواها روبرو شود. اکتساب فلسفه تجربه‌گرایانه به شخص کمک می‌کند تا برهماجیوتی غیرمتشخص را -که پرتو خیره‌کننده بدن متعال خداوند شری کریشناست- درک کند. این موضوع در بهاگاواد-گیتا (۲۷/۱۴) و همچنین در برهما-سامهیتا (۴۰/۵) تأیید شده است:

*yasya prabhā-prabhavato jagad-aṇḍa-koṭi
koṭīṣv aśeṣa-vasudhādi vibhūti-bhinnaṁ
tad brahma niṣkalam anantam aśeṣa-bhūtaṁ
govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

”سیارات بی‌شماری در میلیون‌ها میلیون جهان وجود دارد که هر یک از آنها از نظر ساختار کیهانی با دیگری متفاوت است. تمامی آنها در گوشه‌ای از برهماجیوتی قرار گرفته‌اند. برهماجیوتی چیزی نیست جز پرتو شخصی شخصیت متعال خداوند، که من او را پرستش می‌کنم.“ این مانترای برهما-سامهیتا از سطح ادراک حقیقی حقیقت مطلق بیان شده است و شروتی مانترای شری-ایشوپانیساد، این مانترا را به عنوان روندی از شناخت تأیید می‌کند. این دعای بی‌پیرایه‌ای است به درگاه خداوند که برهماجیوتی را کنار زند تا شخص بتواند چهره حقیقی او را رؤیت کند. پرتو برهماجیوتی در چندین مانترای مونداکا اوپانیساد (۱۲-۱۰/۲/۲) به تفصیل توصیف شده است:

*hiraṇmaye pare koṣe
virajaṁ brahma niṣkalam
tac chubhraṁ jyotiṣāṁ jyotis
tad yad ātma-vido viduḥ*

*na tatra sūryo bhāti na candra-tāraḥ
nemā vidyuto bhānti kuto 'yam agniḥ
tam eva bhāntam anu bhāti sarvaṁ
tasya bhāsā sarvaṁ idaṁ vibhāti*

*brahmaivedaṁ amṛtaṁ purastād brahma
paścād brahma dakṣiṇataś cottareṇa
-adhaś cordhvaṁ ca prasṛtaṁ brahma
vedaṁ viśvaṁ idaṁ varīṣṭhaṁ*

”در قلمرو روحانی ورای پوشش مادی، پرتو خیره‌کننده نامحدود برهمن وجود دارد که از آلودگی‌های مادی آزاد و مبرا است. آن نور سفید خیره‌کننده توسط حق‌جویان به عنوان نور همه نورها درک می‌شود. در آن قلمرو نیازی به نور خورشید، ماه، آتش یا برق برای روشنایی نیست. در حقیقت همه آن روشنی که در دنیای مادی ظاهر می‌شود تنها بازتابی از روشنی متعال است. برهمن در جلو و عقب، شمال و جنوب، شرق و غرب و نیز در بالا و پایین می‌باشد. به بیان دیگر پرتو خیره‌کننده برهمن متعال در هر دو آسمان دنیای مادی و روحانی، پخش می‌شود.“

دانش کامل یعنی این‌که کریشنا را منشا برهمن بدانیم. منشا برهمن، خداوند شری کریشناست و در کتب مقدسی نظیر شریماد-بهاگواتام، دانش کریشنا به طور کامل و دقیق شرح داده

شده است و نویسنده شریما-د- بهاگاواتام، شریلا ویاسادوا، در این کتاب بیان داشته است که حقیقت متعال به صورت برهمن، پاراماتما یا بهاگاوان و بنا بر ادراک شخص از خداوند توصیف می‌شود. شریلا ویاسادوا هرگز اظهار نکرد که خداوند متعال جیوا یا موجود زنده عادی است. موجود زنده را هیچگاه نباید حقیقت متعال که قادر کل است تصور کرد. اگر چنین بود، نیازی نبود که موجود زنده برای کنار رفتن حجاب خیره‌کننده خداوند دعا کند تا بتواند شکل حقیقی او را مشاهده نماید.

نتیجه آن است که کسی که دانشی از توانمندی‌های حقیقت متعال ندارد، برهمن فاقد هویت را درک خواهد کرد. به گونه‌ای مشابه، هنگامی که کسی قدرت‌های مادی خداوند را درک می‌کند و از قدرت روحانی او بی‌خبر است و یا آگاهی اندکی درباره آن دارد، به ادراک پاراماتما نائل می‌شود. بدین ترتیب هر دو ادراک برهمن و پاراماتما از حقیقت مطلق، ادراکات محدود و ناقصی می‌باشند. ولی هنگامی که شخص پس از کنار رفتن "هیرانمایا-پاترا"، شخصیت متعال خداوند - شری کریشنا - را با قدرت کامل وی درک کند، درمی‌یابد که "واسودوا ساروام ایتی"¹، یعنی خداوند کریشنا معروف به واسودوا همه چیز است؛ برهمن، پاراماتما و بهاگاوان. او بهاگاوان یا ریشه است و برهمن و پاراماتما شاخه‌های او می‌باشند.

در بهاگاواد-گیتا (۴۶/۶-۴۷) بررسی قیاسی از سه دسته حق جو به عمل آمده است؛ یعنی پرستش‌کنندگان برهمن فاقد هویت (گیانی‌ها)، پرستش‌کنندگان وجه پاراماتما (یوگی‌ها) و عابدان خداوند شری کریشنا (بهاکتاها). در بهاگاواد-گیتا (۴۶/۶-۴۷) آمده است که در میان تمامی حق جویان، گیانی‌ها که به ترویج دانش ودایی پرداخته‌اند، از افراد معمولی جوینده ثمرات اعمال برتر و یوگی‌ها از گیانی‌ها بسیار برتر می‌باشند. در میان یوگی‌ها، کسی که همواره با تمامی توان به خداوند خدمت می‌نماید، برترین است. خلاصه آن که فیلسوف برتر از عمل‌کننده برای ثمر، و حق جو برتر از فیلسوف است. و در میان یوگی‌های حق جو کسی که از بهاکتی-یوگا پیروی می‌کند، یعنی همواره مشغول خدمت به خداوند است، برترین می‌باشد. شری- ایشوپانی‌شاد ما را به سوی این کمال رهنمون می‌سازد.

¹ vāsudevah sarvam iti: [Bg. 7.19]

مانترای شانزده

*pūṣann ekarṣe yama sūrya prājāpatya
vyūha raśmīn samūha
tejo yat te rūpam kalyāṇa-tamaṁ
tat te paśyāmi yo 'sāv asau puruṣaḥ so 'ham asmi*

pūṣan - ای حافظ؛ *eka-rṣe* - حکیم ازلی؛ *yama* - اصل تنظیم‌کننده؛ *sūrya* - مقصد عابدان بزرگ؛ *prājāpatya* - خیرخواه پراجاپاتی‌ها (اجداد بشر)؛ *vyūha* - مهربانانه کنار بزن؛ *raśmīn* - انوار؛ *samūh* - خواهش می‌کنم کنار بزن؛ *tejah* - درخشش؛ *yat* - تا این که؛ *te* - متعلق به تو؛ *rūpam* - شکل؛ *kalyāṇa-tamaṁ* - خجسته‌ترین؛ *tat* - که؛ *te* - متعلق به تو؛ *paśyāmi* - من بتوانم ببینم؛ *yaḥ* - آن کسی که؛ *asau* - همچون خورشید؛ *asau* - آن؛ *puruṣaḥ* - شخصیت خداوند؛ *saḥ* - خودم؛ *aham* - من؛ *asmi* - هستم.

ای خداوند من، ای حکیم ازلی، نگاهدارنده هستی، ای اصل تنظیم‌کننده، مقصد عابدان پاک، ای خیرخواه نیاکان بشر، استدعا دارم انوار خیره‌کننده متعال خود را به کنار زنی تا بتوانم شکل پرشعف تو را مشاهده نمایم. تو شخصیت متعال سرمدی خداوند هستی. تو چون خورشیدی و من ذره‌ای از تو.

شرح

خورشید و انوار آن از نظر کیفی یکی هستند. به گونه‌ای مشابه، خداوند و موجودات زنده از لحاظ کیفیت یکسان می‌باشند. خورشید یکی است، اما ذرات موجود در پرتوهای خورشید بی‌شمارند. انوار خورشید بخشی از خورشید را تشکیل می‌دهند، و خورشید و انوار آن با هم خورشید کامل را به وجود می‌آورند. در خورشید، خداوندگار خورشید سکنی دارد و به گونه‌ای مشابه، در سیاره متعال روحانی - گولوکا ورینداون - که انوار برهماجیوتی از آن سرچشمه می‌گیرد، خداوند از بازی‌های روحانی خود لذت می‌برد؛ چنان که در برهما-سامهیتا (۲۹/۵) تأیید شده است:

*cintāmaṇi-prakara-sadmasu kalpa-vṛkṣa
lakṣāvṛteṣu surabhīr abhipālayantam
lakṣmī-sahasra-śata-sambhrama-sevyamānam
govindam ādi-puruṣam tam aham bhajāmi*

"من گوویندا را می‌پرستم، خداوند آغازین و نخستین نیا را که در مأوای مملو از گوهرهای روحانی و محصور در میان میلیون‌ها درخت آرزو و برخوردار از خدمت دمام و توأم با تکریم و احترام و

مهر عظیم صدها هزار لاکشمی یا الهه‌های بخت، از گاوهای اجابت‌کننده آمال محافظت و نگهداری می‌کند.¹

برهماجیوتی همچنین در برهما- سامهیتا توصیف شده است. در آن‌جا بیان می‌دارد برهماجیوتی انواری است که از سیاره متعال روحانی - گولوکا وریندان - سرچشمه می‌گیرد، درست به همان گونه که پرتوهای خورشید از کره خورشید ساطع می‌شوند. تا هنگامی که شخص از پرتو خیره‌کننده برهماجیوتی گذر نکند، نمی‌تواند اطلاعی درباره ملکوت خداوند به دست آورد. فیلسوف بی‌هویت‌گرایی که از پرتو خیره‌کننده برهماجیوتی نابینا شده است، نه می‌تواند منزلگاه حقیقی خداوند را ببیند و نه فرم متعال او را. چنین متفکران بی‌هویت‌گرایی که در اثر دانش اندک خود محدود شده‌اند، قادر نیستند فرم متعال و پرشعف خداوند کریشنا را درک کنند. بدین جهت شری- ایشوپانی‌شاد در این آیه از خداوند درخواست دارد که پرتو درخشان برهماجیوتی را کنار زند، به گونه‌ای که عابد پاک بتواند فرم متعال و پرشعف او را مشاهده کند. شخص با ادراک برهماجیوتی فاقد هویت، جنبه خجسته وجود متعال را تجربه می‌کند و با ادراک پاراماتما - وجه فراگیر وجود متعال - حتی به شناخت و آگاهی خجسته‌تری نائل می‌شود؛ و هنگامی که عابد رو در روی شخصیت متعال خداوند قرار می‌گیرد، خجسته‌ترین جنبه وجود متعال را تجربه می‌نماید. از آن‌جا که حقیقت متعال به عنوان حکیم ازلی، نگهدارنده و خیرخواه جهان مورد خطاب قرار گرفته است، پس نمی‌تواند غیرمتشخص باشد. این است نظر قطعی شری- ایشوپانی‌شاد. واژه پوشان (نگهدارنده) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ گرچه که خداوند نگهدارنده تمامی موجودات است، ولی از عابدان خود نگهداری خاصی را به عمل می‌آورد. عابد پس از دست یافتن به ورای برهماجیوتی فاقد هویت و رؤیت جنبه شخصی خداوند و خجسته‌ترین شکل ابدی او، حقیقت مطلق را به‌طور کامل درک می‌نماید.

شریلا جیوا گوسوامی در بهاگاوات- سانداربها¹ بیان می‌دارد: "مفهوم کامل حقیقت مطلق در شخصیت خداوند درک می‌شود، زیرا او قادر مطلق است و دارای توانگری‌های متعال کامل می‌باشد. توانگری کامل حقیقت مطلق در برهماجیوتی درک نمی‌شود، بنابراین ادراک برهمن، ادراک ناقصی از شخصیت خداوند است. ای حکمای دانا، نخستین حرف واژه بهاگاوان، (بها) دارای دو معنی است: نخست به مفهوم "کسی که به‌طور کامل نگهداری می‌کند" و دوم، به معنای "سرپرست". حرف دوم (گا) به معنای "راهنما"، "رهبر" یا "آفریننده" می‌باشد. حرف (وا) حاکی از آن است که هر موجودی در او زندگی می‌کند و او نیز در هر موجودی زندگی می‌کند. به بیان دیگر، صوت متعال "بهاگاوان" نماینده دانش، توان، انرژی، توانگری، قدرت و نفوذ نامتناهی است که از کمترین آرایش مادی مبرا می‌باشد."

خداوند عابدان پاک خود را به‌طور کامل حفظ می‌کند و آنها را به تدریج در مسیرکمال عبادانه هدایت می‌نماید. خداوند به عنوان راهنمای عابدان سرانجام با در اختیار گذاردن خود، نتایج

¹ Bhagavat-sandarbha

مطلوب خدمت عابدانه را به آنها اعطا می‌کند. عابدان به دلیل لطف بی‌شائبه خداوند، او را رو در رو مشاهده می‌کنند؛ بدین سان خداوند به عابدان کمک می‌کند تا به والاترین سیاره روحانی - گولوکا ورینداون - دست یابند. خداوند به عنوان آفریننده، تمامی شرایط لازم را به عابد خود ارزانی می‌دارد تا وی سرانجام بتواند به او واصل شود. خداوند علت تمامی علل است و از آن‌جا که علتی برای او وجود ندارد، لذا علت اصلی می‌باشد. در نتیجه خداوند با تجلی نیروی درونی خود، از وجود خویش لذت می‌برد. در واقع نیروی بیرونی مستقیماً توسط خود خداوند متجلی نمی‌شود، زیرا خداوند خود را به صورت پوروشاها بسط می‌دهد و به وسیله این صور، وجوه تجلی مادی را حفظ می‌کند. خداوند توسط این بسطها تجلی کیهانی را می‌آفریند، حفظ می‌کند و نابود می‌سازد.

موجودات زنده نیز بسطهای مجزای وجود خداوند می‌باشند و چون برخی از آنها می‌خواهند از خداوند متعال تقلید کنند و خدا باشند، لذا خداوند به آنها اجازه می‌دهد که وارد آفرینش کیهانی شوند، در حالی که از این حق انتخاب برخوردار می‌باشند که خواسته خدایی کردن بر طبیعت را به طور کامل بکار گیرند. به دلیل حضور اجزا و ذرات خداوند، موجودات زنده، تمامی جهان پدیدار به عمل و عکس‌العمل به تحرک در می‌آید. بدین ترتیب به موجودات زنده امکان کامل داده شده است که بر طبیعت مادی خدایی کنند، ولی کنترل‌کننده نهایی خود خداوند است؛ و این امر در وجه اصلی او به عنوان پاراماتما یا روح متعال که یکی از پوروشاها می‌باشد، انجام می‌پذیرد.

بدین ترتیب بین موجود زنده (آتما) و خداوند کنترل‌کننده (پاراماتما)، یعنی بین روح و روح متعال، تفاوت عظیم و فاحشی وجود دارد. پاراماتما کنترل‌کننده است و آتما کنترل‌شده؛ بنابراین آنها در دو دسته متفاوت هستند. از آنجایی که پاراماتما به طور کامل با آتما همکاری می‌کند، لذا همراه همیشگی موجود زنده نیز می‌باشد.

جنبه فراگیر خداوند برهمن نام دارد که در تمامی شرایط، چه بیداری و چه خواب و چه در حالات بالقوه، وجود دارد و از آن جیوا شاکتی (نیروی حیات) به صورت ارواح مقید یا رها پدید می‌آید. از آن‌جا که خداوند منشا پاراماتما و برهمن است، لذا منشا تمامی موجودات زنده و تمامی آنچه که وجود دارد نیز می‌باشد. آن که به این نکته آگاه گردد، بی‌درنگ به خدمت عابدانه خداوند مشغول می‌شود. چنین عابد پاک و بسیار آگاه خداوند، به طور کامل و با دل و جان به خداوند وابسته است. هنگامی که چنین عابدی با عابدان دیگر گرد هم آیند، جز تجلیل از اعمال متعال خداوند، مشغله‌ای نخواهند داشت. آنان که به کمال عابدان پاک دست نیافته‌اند و تنها وجوه برهمن و پاراماتما را از خداوند درک کرده‌اند، نمی‌توانند اعمال عابدان کامل را درک کنند. خداوند از طریق انتقال دانش ضروری به قلب عابدان پاک، همواره آنان را یاری می‌کند؛ بدین ترتیب با لطف خاص او تمامی ظلمت جهل زایل می‌شود. فلاسفه پندارگرا و یوگی‌ها قادر به درک این نکته نمی‌باشند، زیرا آنان کم و بیش به قدرت خود متکی هستند. همان‌گونه که در کاتها اوپانیشاد (۲۳/۲/۱) آمده است، خداوند تنها توسط کسانی شناخته می‌شود که مورد لطف او باشند و نه هیچ کس دیگر. چنین الطاف خاصی تنها نثار

عابدان پاک او می‌شود. از این رو شری- ایشوپانیشاد به لطف الهی اشاره دارد که در ورای حیطه
برهماجیوتی است.

مانترای هفده

vāyur anilam amṛtam
athedaṁ bhasmāntaṁ śarīram
om krato smara kṛtaṁ smara
krato smara kṛtaṁ smara

vāyuh- هوای زندگی؛ anilam- منبع کامل هوا؛ amṛtam- تخریب‌نشدنی؛ atha- حالا؛ idam- این؛ bhasmāntam- پس از تبدیل شدن به خاکستر؛ śarīram- بدن؛ om- ای خداوند؛ krato- ای لذت‌برنده از همه‌ی قربانی‌ها؛ smara- خواهش می‌کنم به یاد آور؛ kṛtam- تمام آنچه توسط من انجام شده است؛ smara- خواهش می‌کنم به یاد آور؛ krato- ای ذی‌نفع متعال؛ smara- خواهش می‌کنم به یاد آور؛ kṛtam- تمام آنچه برای تو انجام داده‌ام؛ smara- خواهش می‌کنم به یاد آور.

باشد که این جسم فانی خاکستر گردد، باشد که هوای زندگی در تمامی هواهای دیگر، مستغرق گردد. ای خداوند من، اینک استدعا دارم تمامی قربانی‌های مرا به یاد آوری، و از آن‌جا که تو ذینفع متعال هستی، تقاضا دارم تمامی آنچه را که برایت انجام داده‌ام، به یاد آوری.

شرح

این بدن مادی فانی بی‌تردید یک لباس خارجی است. در بهاگواد-گیتا (۲/۲۰) به وضوح گفته شده است که موجود زنده پس از تباهی بدن مادی نابود نمی‌گردد و هویت خود را از دست نمی‌دهد. هویت موجود زنده هیچگاه فاقد شخصیت و بدون شکل نیست، بلکه بر عکس، لباس مادی است که بی‌شکل می‌باشد و مطابق با قالب موجود فناپذیر، شکلی را به خود می‌گیرد. برخلاف آنچه که افراد کم‌دانش به اشتباه تصور می‌کنند، هیچ موجود زنده‌ای در اصل فاقد شکل نیست. این مانترا حقیقت بقای موجود زنده پس از نابودی این بدن مادی را تأیید می‌کند.

در این دنیای مادی، طبیعت مادی با خلق انواع مختلف بدن‌ها برحسب تمایل موجودات زنده برای ارضای حواس مهارت خارق‌العاده خود را نشان می‌دهد. به موجودی که به خوردن مدفوع تمایل دارد، نوعی از بدن مادی داده می‌شود که برای این منظور کاملاً مناسب است؛ یعنی بدن خوک. به گونه‌ای مشابه، کسی که می‌خواهد گوشت و خون حیوانات دیگر را بخورد، بدن ببر را که مجهز به دندان‌های مناسب و چنگال می‌باشد، می‌دهد. انسان برای خوردن مدفوع یا گوشت‌آفریده نشده است،

زیرا شکل دندان‌های او متفاوت است. انسان حتی در ابتدایی‌ترین شرایط زندگی خود نیز تمایلی به خوردن مدفوع نداشته است. ساختار دندان‌های انسان به گونه‌ای است که او را قادر به جویدن و بریدن میوه‌ها و سبزی‌ها می‌سازد؛ و به انسان اولیه دو دندان نیش هم داده شده است که بتواند با آن گوشت را نیز بخورد.

اما در هر موقعیتی بدن‌های مادی همه حیوانات و انسان‌ها برای موجود زنده بیگانه هستند. بدن‌ها به تناسب تمایل موجود زنده برای کامجویی تغییر می‌کنند. موجود زنده در چرخه تکاملی، بدن‌ها را یکی پس از دیگری تغییر می‌دهد. هنگامی که دنیا پر از آب بود، موجود زنده شکل آبی را پیدا کرد، سپس از حیات گیاهی به حیات خزنده‌ای و از حیات خزنده‌ای به حیات پرنده‌ای و از حیات پرنده‌ای به حیات حیوانی و از حیات حیوانی به حیات انسانی گذر نمود. بالاترین شکل تکامل یافته موجود زنده، شکلی انسانی است که سرشار از ادراک دانش روحانی باشد. بالاترین تکامل ادراک روحانی در این مانترای شری - ایشوپانی‌شاد توصیف شده است: "شخص باید این بدن مادی را که به خاکستر تبدیل خواهد شد، رها و هوای زندگی را در سرچشمه هوای جاودان مستغرق سازد." فعالیت‌های موجود زنده در بدن از طریق حرکت انواع مختلف هوا صورت می‌گیرد که به طور خلاصه پرانا- وایو^۱ خوانده می‌شود. معمولاً یوگی‌ها می‌آموزند که چگونه هواهای بدن را مهار کنند. فرض بر این است که روح از حلقه‌ای از هوا به حلقه‌ای دیگر صعود کند تا آن‌که به برهما-راندهر^۲، یعنی بالاترین حلقه، دست یابد. یوگی کامل می‌تواند خود را از آن مرحله به هر سیاره دلخواه انتقال دهد. این روند به معنای ترک یک بدن مادی و سپس ورود به یک بدن مادی دیگر است، ولی بالاترین کمال این تغییرات تنها هنگامی میسر است که موجود زنده بتواند بدن مادی را به همان گونه که در این مانترا پیشنهاد شده است، به طور کامل تسلیم سازد. آن‌گاه او قادر می‌گردد به فضای روحانی وارد شود که در آن‌جا به بدن کاملاً متفاوتی، یعنی بدن روحانی، دست می‌یابد که هرگز دستخوش تغییر و مرگ نمی‌گردد.

در دنیای مادی، طبیعت مادی شخص را وادار می‌سازد که طبق خواسته‌های مختلف برای ارضای حواس، بدن خود را تغییر دهد. این خواسته‌ها در گونه‌های مختلف حیات - از میکرب تا کامل‌ترین بدن‌های مادی یعنی بدن برهما و فرشتگان - نمایان می‌باشد. همه این موجودات دارای بدن‌هایی هستند که از ماده در صور مختلف تشکیل شده‌اند. انسان هوشمند برابری را در انواع بدن‌ها نمی‌بیند، بلکه در هویت روحانی مشاهده می‌کند. جرقه روحانی که جزء و ذره‌ای از وجود خداوند است - چه در بدن خوک و چه در بدن فرشته - یکسان می‌باشد. موجود زنده طبق اعمال پرهیزکارانه یا شریانه خویش بدن‌های مادی مختلفی را به دست می‌آورد. بدن انسانی بسیار پیشرفته است و دارای آگاهی کامل می‌باشد. بر طبق بهاگاواد-گیتا (۱۹/۷) کامل‌ترین انسان، پس از زندگی‌های بسیاری که به کسب دانش پرداخته است، به خداوند تسلیم می‌شود. کسب دانش تنها هنگامی به کمال می‌رسد

¹ prāṇa-vāyu

² brahma-randhra

که داننده دانش به مرحله تسلیم به خداوند متعال - واسودوا - نائل شود. با این وجود حتی پس از حصول دانش درباره هویت روحانی خود، اگر شخص به این مرحله از آگاهی دست نیابد که موجودات زنده اجزای ابدی آن کل می‌باشند و این که هیچگاه نمی‌توانند کل شوند، به ناچار برای بار دیگر به فضای مادی سقوط می‌کند. و این مطلب حتی در مورد کسی که با برهماجیوتی یکی شده است نیز مصداق دارد و او نیز سقوط خواهد کرد.

همانطور که در مانترای قبل آموختیم، برهماجیوتی که از بدن متعال خداوند ساطع می‌شود سرشار از جرقه‌های روحانی است که هر یک از آنها موجوداتی منحصر به فرد با حس کاملی از موجودیت می‌باشند. این موجودات در پاره‌ای از اوقات، می‌خواهند لذت‌برنده حواس باشند. از این رو آنها در دنیای مادی قرار داده می‌شوند تا تحت فرمان حواس به صورت خدایان دروغین درآیند. خواسته برای خدایی کردن، بیماری مادی موجود زنده است، زیرا او تحت افسون لذت حسی از بدن‌های مختلفی که در دنیای مادی تجلی یافته است، گذر می‌کند. یکی شدن با برهماجیوتی، به معنی دانش کامل نیست. تنها با تسلیم کامل به خداوند و پرورش حس خدمت روحانی، شخص می‌تواند به بالاترین مرحله کمال دست یابد.

موجود زنده در این مانترا تمنا دارد که پس از کنار گذاردن بدن مادی و هوای مادی، وارد عالم روحانی خداوند گردد. عابد به خداوند دعا می‌کند که اعمال و قربانی‌هایی را به یاد آورد که وی پیش از آن که بدن مادیش به خاکستر تبدیل گردد، انجام داده است. این دعا به هنگام مرگ با آگاهی کامل از اعمال گذشته و هدف غایی بیان می‌شود. شخصی که تحت سلطه کامل طبیعت مادی قرار دارد، اعمال شیرانه‌ای را که در ضمن موجودیت بدن مادی انجام داده است به یاد می‌آورد و در نتیجه پس از مرگ، بدن مادی دیگری اختیار می‌نماید. بهاگاود-گیتا (۶/۸) این حقیقت را تأیید می‌کند:

*yam yam vāpi smaran bhāvam
tyajaty ante kalevaram
tam tam evaiti kaunteya
sadā tad-bhāva-bhāvitaḥ*

”هر حالتی از وجود را که انسان به هنگام ترک بدن خود به یاد آورد، ای پسر کونتی به طور قطع به همان حالت می‌رسد.“ بدین ترتیب، ذهن تمایلات موجود زنده را به زندگی بعد منتقل می‌نماید.

انسان برخلاف حیوانات ساده و پست که دارای ذهن تکامل یافته‌ای نمی‌باشند، می‌تواند اعمال زندگی جاری خویش را چون رؤیای شبانه به خاطر آورد. از این رو، ذهن او مملو از خواسته‌های مادی است و در نتیجه نمی‌تواند بدنی روحانی به دست آورد و توسط آن وارد قلمرو روحانی گردد. اما عابدان با انجام خدمت عابدانه به خداوند، احساسی از عشق به خدا را در خود پرورش می‌دهند. حتی اگر عابدی خدمت الهی خویش را در هنگام مرگ به یاد نداشته باشد، خداوند او را فراموش نمی‌کند. این دعا به منظور آن است که قربانی‌های انجام شده عابد، به خداوند یادآوری شود؛ ولی حتی اگر این یادآوری نیز صورت نپذیرد، خداوند خدمت عابدانه عابد پاک خود را فراموش نمی‌کند.

خداوند به وضوح رابطه صمیمانه خویش را با عابدان خود در بهاگاواد-گیتا (۳۰/۹-۳۴) توضیح می‌دهد: "کسی که به خدمت عابدانه اشتغال دارد، حتی اگر مرتکب زشت‌ترین اعمال گردد، باید او را انسان مقدسی به شمار آورد، زیرا که در موقعیت درستی مستقر گشته است. او به سرعت درستکار و صالح می‌گردد و به آرامشی دیرپای و ماندنی می‌رسد. ای پسر کونتی، با شجاعت اعلام دار که عابد من هرگز نابود نمی‌شود. ای پسر پریتها، کسانی که در من پناه گزینند، حتی اگر از طبقات پایین‌تر - چون زنان، وایشیاها (بازرگانان) و شودراها (کارگران) - باشند می‌توانند به مقصد متعال برسند. بنابراین چه والاتر است موقعیت برهمنان صالح، عابدان و شاهان پرهیزکار که در این دنیای گذرا و پر رنج و محنت مشغول خدمت عاشقانه به من می‌باشند. همواره اندیشه‌ات را به من مشغول دار، سجده‌های خود را به من تقدیم کن و مرا پرستش نما. با جذب شدن کامل در من، بدون تردید به نزد من خواهی آمد."

شریلا بهاکتی وینودا تهاکورا این آیه‌ها را بدین گونه شرح می‌دهد: "شخص باید عابدی را که در مسیر درست قدیسان قرار دارد بپذیرد، حتی اگر چنین به نظر آید که وی سو-داراچارا^۱ یعنی دارای شخصیتی بی‌بند و بار است. شخص باید تلاش کند که معنای حقیقی واژه سو-داراچارا را دریابد. روح مقید باید در دو جهت عمل کند؛ یکی در جهت حفظ و بقای بدن و دیگری در جهت خودشناسی. موقعیت اجتماعی، پیشرفت فکری، پاکیزگی، ریاضت، تغذیه و تنازع بقا همگی در جهت حفظ بدن است. اعمال شخص در جهت خودشناسی آنهایی است، که او به عنوان عابد خداوند انجام می‌دهد، و در این چهارچوب نیز شخص به فعالیت می‌پردازد. این دو عمل به موازات یکدیگر صورت می‌پذیرند، زیرا روح مقید نمی‌تواند از حفظ بدن دست بکشد. ولی به تناسب افزایش خدمت عابدانه، فعالیت‌های مربوط به حفظ بدن کاهش می‌یابند. تا هنگامی که نسبت خدمت عابدانه به حد مطلوبی نرسد، امکان بروز تمایلات دنیوی گهگاه پیش می‌آید؛ ولی باید توجه داشت که این گونه تمایلات دنیوی نمی‌تواند چندان دوام یابد، زیرا به لطف خداوند چنین نقایصی به سرعت از میان می‌رود. از این روست که راه خدمت عابدانه تنها راه درست می‌باشد. اگر شخص در مسیر درست باشد، بروز اتفاقی تمایلات دنیوی او را از پیشرفت در خودشناسی باز نمی‌دارد."

قابلیت‌ها و امکانات خدمت عابدانه در اختیار بی‌هویت‌گرایان قرار نمی‌گیرد، زیرا آنها به وجه برهماجیوتی خداوند وابسته هستند. آنها به همان گونه که در مانترهای گذشته اشاره شده است، نمی‌توانند از برهماجیوتی گذر کنند، زیرا به شخصیت متعال خداوند اعتقاد ندارند. کار آنها بازی با الفاظ، علم کلام و ابداعات ذهنی است. در نتیجه بی‌هویت‌گرایان همان گونه که در فصل دوازدهم بهاگاواد-گیتا (۵/۱۲) تأیید شده است، کوشش عبثی را متحمل می‌شوند.

تمامی امکانات پیشنهاد شده در این مانترا، در اثر تماس دائمی با وجه واجد شخصیت حقیقت مطلق، به آسانی قابل دستیابی است. خدمت عابدانه به خداوند، اساساً نه خدمت متعال را که

¹ su-durācāra

توسط عابد انجام می‌شود، در بر دارد: ۱- شنیدن درباره خداوند، ۲- تجلیل خداوند، ۳- به یاد آوردن خداوند، ۴- خدمت به قدوم نیلوفرین خداوند، ۵- پرستش خداوند، ۶- دعا به درگاه خداوند، ۷- خدمت به خداوند، ۸- دوستی با خداوند، ۹- تسلیم همه چیز به خداوند. این نه اصل خدمت عابدانه - چه در مجموع و چه هر یک به تنهایی - می‌تواند به عابد کمک کند که همواره در تماس با خداوند باشد. بدین طریق برای عابد آسان است که در پایان زندگی، خداوند را به یاد آورد. تنها با انجام یکی از اصول نه گانه، دستیابی به بالاترین کمال برای عابدان مشهور ذیل میسر گردید: ۱- ماهاراج پاریکشیت، قهرمان شریما-د بهاگواتام از طریق شنیدن به نتیجه دلخواه دست یافت. ۲- شوکادوا گوسوامی، راوی شریما-د بهاگواتام تنها از طریق تجلیل خداوند به کمال رسید. ۳- آکروا، با دعا کردن به نتیجه دلخواه رسید. ۴- پراهلادا ماهاراج، از طریق به یاد آوردن به نتیجه مورد نظر دست یافت. ۵- پریتهو ماهاراج، با پرستش به کمال رسید. ۶- الهه بخت - لاکشمی - از طریق خدمت به قدوم نیلوفرین خداوند به کمال دست یافت. ۷- هانومان، به وسیله خدمتی که شخصاً به خداوند انجام داد به نتیجه دلخواه نائل گردید. ۸- آرجونا، از طریق دوستی با خداوند به نتیجه مورد نظر دست یافت. ۹- ماهاراج بالی، با تسلیم هر آنچه که داشت به نتیجه دلخواه رسید.

در واقع شرح این مانترا و تقریباً شرح تمامی مانترهای ودایی در ودانتا-سوترا خلاصه شده، و به طور کامل در شریما-د بهاگواتام توضیح داده شده است. شریما-د بهاگواتام میوه رسیده درخت حکمت ودایی است. این مانترای خاص در شریما-د بهاگواتام، ضمن پرسش و پاسخ‌هایی که بین ماهاراج پاریکشیت و شوکادوا-گوسوامی در آغاز ملاقات ایشان رد و بدل گشته، شرح داده شده است. شنیدن و بیان کردن دانش خداوند، اصل اساسی زندگی عابدانه است. تمامی شریما-د بهاگواتام توسط ماهاراج پاریکشیت شنیده شد و توسط شوکادوا گوسوامی بیان گردید. ماهاراج پاریکشیت به این دلیل از شوکادوا گوسوامی پرسش نمود که وی از هر یوگی یا حق جوی بزرگی در زمان خویش، معلم روحانی والاتری بود.

پرسش اصلی ماهاراج پاریکشیت چنین بود: "وظیفه هر شخص، به خصوص در هنگام مرگ چیست؟" شوکادوا گوسوامی پاسخ داد:

*tasmād bhārata sarvātmā
bhagavān īśvaro hariḥ
śrotavyaḥ kīrtitavyaś ca
smartavyaś cecchatābhayaṃ*

"هر آن کسی که خواهان رهایی از تمامی نگرانی‌هاست باید همواره به تجلیل، یادآوری و شنیدن درباره شخصیت خداوند مشغول باشد؛ همان خدایی که هدایت‌کننده متعال همه چیز و نابودکننده تمامی مشکلات و روح متعال تمامی موجودات است." (بهاگواتام ۵/۱/۲)

در جامعه به اصطلاح انسانی، آدمی شب را به خواب و آمیزش جنسی می‌گذراند و روز به تحصیل هر چه بیشتر پول و یا خرید مایحتاج خانواده اختصاص می‌یابد. مردم برای صحبت درباره شخصیت خداوند و جستجو در مورد او، فرصت بسیار اندکی دارند. آنها وجود خداوند را به طرق متعدد،

و در اصل با فاقد هویت دانستن وی - یعنی بدون در نظر گرفتن ادراک حسی برای خداوند - به کناری نهاده‌اند. در حالی که در وداها - چه در اوپانیشاده‌ها، ودانتا- سوتراها، بهاگاواد-گیتا یا شریماد- بهاگاواتام - اظهار شده که خداوند وجود با ادراک و احساسی است و از تمامی موجودات زنده دیگر برتر است، و اعمال پرشکوهش با او یکی هستند. از این رو شخص نباید درباره فعالیت‌های سیاستمداران دنیوی و یا به اصطلاح افراد بزرگ جامعه - که سراسر مهمل است - سخن گوید و یا به آنها گوش فرا دهد، بلکه باید زندگی خود را به نحوی سامان دهد که بتواند بدون اتلاف یک ثانیه، به فعالیت‌های الهی مشغول باشد. از این رو شری- ایشوپانیشاد ما را به سوی این فعالیت‌های الهی هدایت می‌کند.

تا هنگامی که شخص به روش انجام خدمت عابدانه خو نگرفته باشد، چه چیزی را در زمان مرگ - زمان متلاشی شدن بدن - به یاد خواهد آورد، و چگونه می‌تواند به درگاه خداوند قادر مطلق دعا کند که قربانی‌های او را به‌خاطر آورد؟ قربانی، یعنی ترک علایق حواس. شخص باید با به کار گرفتن حواس در خدمت خداوند در خلال طول عمرش، این هنر را بیاموزد، به گونه‌ای که بتواند در هنگام مرگ از نتایج آن بهره برد.

مانترای هجده

agne naya supathā rāye asmān
viśvāni deva vayunāni vidvān
yuyodhy asmaj juhūrānam eno
bhūyiṣṭhām te nama-uktim vidhema

- agne - ای خداوند من، قدرتمندتر از آتش؛ - naya - با لطف خود راهنمایی کن؛ - supathā - به راه مستقیم؛ - rāye - برای رسیدن به تو؛ - asmān - به ما؛ - viśvāni - همه؛ - deva - ای خداوند؛ - vayunāni - اعمال؛ - vidvān - داننده؛ - yuyodhy - خواهش می‌کنم برطرف کن؛ - asmat - از ما؛ - juhūrānam - تمام موانع واقع در مسیر؛ - enaḥ - تمام گناهان؛ - bhūyiṣṭhām - پرشمارترین؛ - te - به تو؛ - namaḥ uktim - کلمات احترام‌آمیز؛ - vidhema - من انجام می‌دهم.

ای پروردگار من، ای قدرتمند چون آتش، ای قادر متعال، اکنون تمامی سجده‌های خود را تقدیمت می‌دارم و به پایت بر خاک می‌افتم. ای پروردگارم، مرا به مسیر درستی که به تو منتهی می‌گردد، هدایت فرما. چون تو به تمامی آنچه که در گذشته انجام داده‌ام واقفی، تقاضا دارم مرا از بازتاب گناهان گذشته رها سازی آن‌چنان که هیچ مانعی برای تعالی من در میان نباشد.

شرح

عابد از طریق تسلیم و تمنا برای برخورداری از لطف بی‌شائبه خداوند، قادر است در مسیر خودشناسی کامل به پیشرفت نائل آید. به خداوند آتش مورد خطاب واقع شده است، زیرا او قادر است تا هر چیزی - از جمله گناهان روح تسلیم‌شده - را به خاکستر تبدیل کند. وجه حقیقی و نهایی خداوند مطلق - به همان گونه که در مانترای پیشین توصیف شد - وجه وی به عنوان شخصیت خداوند است، و وجه فاقد هویت برهماجیوتی، حجاب خیره‌کننده‌ای بر سیمای خداوند است. اعمال ثمربخش یا مسیر خودشناسی کارما- کاند¹، پایین‌ترین مرحله تلاش برای خودشناسی می‌باشد. به محض آن‌که چنین اعمالی حتی به میزان جزئی از اصول تنظیم‌کننده ودایی منحرف شوند، به ویکارما یا اعمالی که برخلاف منافع انجام‌دهنده است، بدل می‌گردند. موجود زنده در توهّم، تنها به منظور کامجویی به ویکارما مبادرت می‌ورزد و این گونه اعمال، موانع راه خودشناسی می‌شوند.

¹ karma-kāṇḍa

خودشناسی تنها در شکل حیات انسانی امکان‌پذیر است، نه در اشکال دیگر حیات. ۸/۴۰۰/۰۰۰ گونه یا شکل حیات وجود دارد، که از این میان آنها شکل انسانی که به فرهنگ برهمنی آراسته شده باشد، شانس کسب دانش متعال داده می‌شود. فرهنگ برهمنی شامل راستگویی، تسلط بر حواس، صبر و شکیبایی، سادگی، دانش کامل و ایمان کامل به خداوند است. شخص نباید از اصل و نسب والای خویش دچار غرور گردد. درست همان گونه که فرزند شخصی والا بودن این امکان را در اختیار شخص قرار می‌دهد که او نیز والا گردد، فرزند یک برهمن بودن نیز فرصتی است برای برهمن شدن. با این وجود، چنین امتیاز خانوادگی همه چیز نیست، زیرا با وجود این موقعیت، شخص باید باز هم خود بکوشد که ویژگی‌های برهمنی را کسب کند. به محض آن‌که شخص از تولد خویش به صورت پسر یک برهمن مغرور گردد و در کسب ویژگی‌های یک برهمن حقیقی غفلت ورزد، بی‌درنگ تنزل می‌کند و از مسیر خودشناسی باز می‌ماند. بدین سان، مأموریت زندگی او به عنوان یک انسان با شکست مواجه می‌شود.

خداوند در بهاگواد-گیتا (۴۱/۶-۴۲) به ما اطمینان می‌بخشد که یوگا-بهراشتاها^۱ یا ارواحی که از مسیر خودشناسی به دور افتاده‌اند، با تولد در خانواده برهمنان نیک یا بازرگانان ثروتمند فرصتی را می‌یابند که به تزکیه خویش بپردازند. چنین تولدهایی امکانات بهتری را برای خودشناسی فراهم می‌آورد. اگر در اثر توهم از این امکانات به‌درستی استفاده نشود، شخص موقعیت مطلوب حیات انسانی را که توسط خداوند قادر به وی اعطا شده است، از دست می‌دهد.

اصول تنظیم‌کننده به گونه‌ای می‌باشند که شخص پیرو آنها، از سطح اعمال ثمربخش به سطح دانش متعال ارتقا می‌یابد. شخص پس از تولدهای بسیار و پس از دستیابی به دانش متعال، هنگامی به کمال می‌رسد که به خداوند تسلیم گردد. این روش کلی است، ولی آن کسی که در همان آغاز، بدان گونه که در این مانترا توصیه شده است، تسلیم شود، بی‌درنگ تمامی مراحل را با اتخاذ روال عابدانه پشت سر خواهد گذاشت. همان‌گونه که در بهاگواد-گیتا (۶۶/۱۸) ذکر شده است، خداوند بی‌درنگ مسئولیت چنین روح تسلیم‌شده‌ای را بر عهده می‌گیرد و او را از واکنش‌های اعمال گناهکارانه رها می‌سازد. در کارما-کاندا واکنش‌های گناهکارانه بسیاری وجود دارد و در گیانا-کاندا^۲ یا روند فلسفی، تعداد چنین گناهانی کمتر است. ولی در راه خدمت عابدانه به خداوند یا راه بهاکتی عملاً هیچ امکانی برای ایجاد واکنش‌های گناهکارانه وجود ندارد. کسی که عابد خداست به تمامی صفات نیک خداوند دست می‌یابد، چه رسد به صفات یک برهمن. یک عابد، حتی اگر در خانواده برهمن تولد نیافته باشد، خود به خود به صفات یک برهمن متبحر که مجاز به اجرای قربانی‌هاست، دست می‌یابد. چنین است قدرت متعال خداوند. او قادر است شخصی را که در خانواده برهمن زاده شده به یک سگ‌خور پست تنزل دهد و سگ‌خوری پست را نیز تنها به نیروی خدمت عابدانه، از برهمنی شایسته برتر گرداند.

^۱ yoga-bhāṣṭas

^۲ jñāna-kāṇḍa

از آن جا که خداوند قادر متعال در قلب هر کس جای دارد، لذا می تواند عابدان صادق خود را هدایت کند تا آنها به مسیر درست نائل آیند. این گونه راهنمایی ها به خصوص در اختیار عابد قرار می گیرد؛ حتی اگر او خواهان چیز دیگری باشد. در مورد دیگران، خداوند اجازه عمل را به عمل کننده می دهد، اما مسئولیت و خطر عمل به دوش عمل کننده است. ولی در مورد عابد، خداوند به گونه ای هدایت خود را اعمال می کند که وی هیچگاه مرتکب خطایی نگردد. در شریمداد- بهاگواتام (۴۲/۵/۱۱) گفته شده است:

*sva-pāda-mūlaṁ bhajataḥ priyasya
tyaktānya-bhāvasya hariḥ pareśaḥ
vikarma yac cotpatitaṁ kathañcid
dhunoti sarvaṁ hṛdi sanniviṣṭaḥ*

”خداوند آن چنان با عابدی که به طور کامل به قدوم نیلوفرین او تسلیم شده، مهربان است که حتی اگر عابد هر از گاهی در دام ویکارما - اعمال مخالف دستورات ودایی - اسیر گردد، بی درنگ اشتباهات را در قلب او اصلاح می نماید، زیرا عابدان برای خداوند بسیار عزیز می باشند.“

عابد در این مانترا به درگاه خداوند التماس می نماید که وی را از درون قلب اصلاح کند. آدمی جایز الخطاست. روح مقید اغلب تمایل به خطا دارد و تنها اقدام چاره ساز در برابر این گناهان نامشخص آن است که شخص خود را به قدوم نیلوفرین خداوند بسپارد، تا خداوند او را از فرو افتادن در دام ها هدایت کند. خداوند مسئولیت ارواحی که به طور کامل به وی تسلیم شده اند را بر عهده می گیرد. بدین سان تمامی مشکلات تنها با تسلیم شخص به خداوند و عمل کردن طبق راهنمایی های خداوند برطرف می گردد. این راهنمایی ها به دو طریق در اختیار عابد صادق قرار می گیرد: یکی از طریق قدیسان، کتب مقدس و پیر روحانی؛ و دیگری از طریق شخص خداوند که در قلب هر کس جای دارد. بدین گونه عابدی که ذهنش با دانش روحانی روشن شده است از هر جهت حفاظت می گردد.

دانش ودایی، متعال است و درک آن از طریق روش های آموزشی دنیوی مقدور نیست. شخص تنها از طریق لطف الهی و پیر روحانی می تواند مانترای ودایی را درک کند (*yasya deve parā bhaktir yathā deve tathā gurau* [ŚU 6.23]). باید دانست که اگر شخص به یک پیر روحانی معتبر پناه برد، به لطف الهی دست یافته است. خداوند به صورت پیر روحانی برای عابد ظاهر می گردد. بدین ترتیب، پیر روحانی، احکام ودایی و شخص خداوند از درون، همگی عابد را با نیروی کامل هدایت می کنند و دیگر هیچ گونه امکانی برای فرو افتادن مجدد عابد به ورطه مایا - توهم مادی- وجود نخواهد داشت. عابدی که بدین ترتیب از همه سو محافظت شده است، بدون تردید به مقصد نهایی کمال می رسد. تمامی این روند در این مانترا مورد اشاره قرار گرفته، و در شریمداد- بهاگواتام (۱۷/۲/۱) - (۲۰) به تفصیل شرح داده شده است.

شنیدن و ذکر شکوه و جلال خداوندی، به خودی خود اعمال پرهیزکارانه محسوب می شوند. خداوند می خواهد همه به چنین اعمالی روی آورند، زیرا او خیرخواه تمامی موجودات زنده است. شخص با شنیدن و ذکر شکوه خداوند از تمامی آنچه که نامطلوب است، پاک می شود و عبودیت و

عشق او بر خداوند متمرکز می‌گردد. عابد در این مرحله ویژگی‌های برهمنی را کسب می‌نماید و واکنش‌های ناشی از گونه‌های پست‌تر (شهوت و جهل) موجود در وی نیز به طور کامل از بین می‌رود. او به واسطه خدمت عابدانه خویش، کاملاً به روشن‌بینی نائل می‌شود و بدین سان راه خدا و طریق دستیابی به او را در می‌یابد؛ و هنگامی که تمامی تردیدها از میان رفت، شخص عابد پاک می‌گردد.

بدین ترتیب شرح بهاکتی‌ودانتا بر شری - ایشوپانیشاد، دانشی که شخص را به شخصیت متعال خداوند - کریشنا - نزدیک‌تر می‌گرداند، به پایان می‌رسد.

درباره‌ی نویسنده

حضرت ا.ج. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد^۱ به سال ۱۸۹۶ در کلکته هندوستان متولد شد. او در سال ۱۹۲۲ برای اولین بار پیر روحانی خود، شریلا بهاکتی سیدهانثا ساراسواتی گوسوامی^۲ را در کلکته ملاقات نمود. بهاکتی سیدهانثا ساراسواتی، به عنوان دانشمند برجسته الهیات و بنیان‌گذار شصت و چهار گودیاماتها^۳ (مؤسسه ودایی)، به این مرد جوان تحصیلکرده علاقمند شد و او را قانع کرد تا زندگی خود را وقف آموزش دانش ودایی نماید. شریلا پرابهوپاد شاگردی او را پذیرفت و یازده سال بعد (۱۹۳۳) در الله‌آباد مرید رسمی تشریف‌یافته وی شد.

در سال ۱۹۲۲ و در اولین جلسه ملاقات، شریلا بهاکتی‌سیدهانثا ساراسواتی تهاکورا از شریلا پرابهوپاد خواست تا نسبت به اشاعه دانش ودایی از طریق زبان انگلیسی اقدام کند. در سال‌های بعد شریلا پرابهوپاد شرحی بر بهاگاود-گیتا نگاشت؛ او به امور گودیاماتها یاری رساند و در سال ۱۹۴۴ بدون هیچ کمکی، انتشار مجله "بازگشت به نزد خدا"^۴ را به زبان انگلیسی، هر دو هفته یک بار، آغاز کرد. او خود مقالات را ویرایش، تایپ و نمونه‌های چاپی را تصحیح می‌کرد؛ حتی نسخه‌هایی را به طور رایگان توزیع و برای حفظ و ادامه نشریه تلاش می‌نمود. انتشار این مجله پس از آغاز هیچگاه قطع نشد و هم‌اکنون نیز توسط مریدان ایشان به بیش از سی زبان منتشر می‌شود.

به منظور قدردانی از دانش فلسفی و عبودیت شریلا پرابهوپاد، انجمن گودیا-وایشناوا در سال ۱۹۴۷ او را به لقب بهاکتی‌ودانتا^۵ مفتخر ساخت. در سال ۱۹۵۰ شریلا پرابهوپاد در سن پنجاه و چهار سالگی از زندگی خانوادگی کناره گرفت و چهار سال بعد مرحله واناپراستها^۶ (بازنشستگی) را اختیار نمود تا زمان بیشتری را وقف مطالعات و نگارش کند. شریلا پرابهوپاد به شهر مقدس ورینداون عزیمت کرد و در آن‌جا در شرایط بسیار محقری در معبدی تاریخی متعلق به قرون وسطی، به نام "رادها-دامودار"^۷، سکنی گزید. او در آن‌جا چندسالی را به مطالعه عمیق و نگارش سپری کرد و در سال ۱۹۵۹ مرحله انقطاع از زندگی (سانیااسا)^۸ را پذیرا گردید. شریلا-پرابهوپاد در رادها-دامودار شاهکار زندگی خود یعنی ترجمه و شرح چندین جلدی هجده هزار آیه شریمداد-بهاگاواتام را آغاز نمود. او "سفر آسان به دیگر سیارات"^۹ را نیز به رشته تحریر در آورد.

¹ A.C. Bhaktivedanta Swami Prabhupada

² Srila Bhaktisiddhanta Sarasvati Goswami

³ Gaudiya Matha

⁴ Back to Godhead

⁵ Bhaktivedanta

⁶ Vanaprastha

⁷ Radha-Damodara

⁸ Sannyasa

⁹ Easy Journey to Other Planets

شریلا پرابهوپاد پس از چاپ سه جلد از بهاگواتام، در سال ۱۹۶۵ در اجرای مأموریتی که از طرف پیر روحانیش به او داده شده بود، به آمریکا عزیمت کرد. از آن زمان تا هنگام حیات در این دنیا، آن حضرت بیش از شصت جلد ترجمه، شرح و خلاصه‌های معتبر و موثق بر ادبیات فلسفی و مذهبی هند نگاشت.

هنگامی که شریلا پرابهوپاد در سال ۱۹۶۵ با کشتی باری به آمریکا رسید، عملاً بی‌پول بود. وی پس از گذشت حدود یک سال و تحمل سختی بسیار، انجمن بین‌المللی کریشنا آگاهی^۱ را در ژوئیه سال ۱۹۶۶ بنیان نهاد. او تا پیش از ترک این دنیا (۱۴ نوامبر ۱۹۷۷) به هدایت این انجمن پرداخت و انجمن تحت هدایت دقیق ایشان در مدت ده سال به یک کنفدراسیون جهانی با حدود یکصد آشرام، مدرسه، معبد، مؤسسه و مجتمع کشاورزی تبدیل و توسعه یافت.

در سال ۱۹۶۸، شریلا پرابهوپاد نیوورینداون^۲ را که یک مجتمع ودایی آزمایشی است، در تپه‌های ویرجینیای غربی تأسیس کرد. شاگردان او با الهام از موفقیت نیوورینداون که اکنون یک مجموعه کشاورزی موفق با بیش از دو هزار جریب زمین است، مجموعه‌های مشابه دیگری را در آمریکا و سراسر جهان بنا نهاده‌اند.

در سال ۱۹۷۲ ایشان با تأسیس مدرسه گوروکولا^۳ در دالاس تگزاس، آموزش ابتدایی و متوسطه به سبک ودایی را به غرب معرفی نمود. مدرسه در سال ۱۹۷۲ با سه شاگرد آغاز به کار کرد و تا آغاز سال ۱۹۷۵، یکصد و پنجاه نفر را ثبت‌نام نمود. شاگردان ایشان از آن هنگام به بعد، تحت نظارت شریلا پرابهوپاد، مدارس را برای کودکان در سراسر آمریکا و سایر کشورها تأسیس نمودند. مرکز اصلی آموزش هم‌اکنون در ورینداون هند می‌باشد.

به‌علاوه شریلا پرابهوپاد تأسیس یک مرکز بین‌المللی عظیم را در شری دهاما مایاپور^۴ در بنگال غربی هندوستان که محل احداث مؤسسه مطالعات ودایی نیز می‌باشد، ترغیب نموده است. معبد باشکوه کریشنا - بالاراما^۵ و مهمان‌سرای بین‌المللی در ورینداون هند نیز در زمره پروژه‌های مشابه است؛ و همچنین مرکز فرهنگی و آموزشی مهمی نیز در بمبئی وجود دارد. اینها مراکزی هستند که عموم مردم می‌توانند در آن‌جا زندگی، و فرهنگ ودایی را شخصاً تجربه کنند.

اما مهم‌ترین کمک و هدیه شریلا پرابهوپاد، کتاب‌های وی می‌باشد. این کتاب‌ها از طرف جوامع علمی به دلیل موثق بودن، عمق و روشنی مورد احترام بسیار است و در دروس متعدد دانشگاهی به‌عنوان کتب درسی استاندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوشته‌های وی به بیش از سی زبان ترجمه شده است.

¹ International Society for Krishna Consciousness

² New Vrindavana

³ Gurukula

⁴ Sridhama Mayapur

⁵ Krsna - Balarama

انتشارات بهاکتی‌ودانتا^۱ که در سال ۱۹۷۲ به طور اختصاصی برای چاپ آثار ایشان تأسیس شد، به عنوان بزرگ‌ترین ناشر جهان در زمینه کتاب‌های دینی و فلسفی هند محسوب می‌گردد. یکی از برنامه‌های آن، چاپ ترجمه و شرح هفده جلدی شریلا پرابهوپاد بر اثر دینی کلاسیک بنگالی، یعنی شری چیتانیا چاریتامریتا^۲ است. شریلا پرابهوپاد این اثر را تنها در هجده ماه به پایان رساند. به رغم سن زیاد، شریلا پرابهوپاد در عرض فقط دوازده سال، برای ایراد سخنرانی در شش قاره جهان، چهارده بار به گرد جهان سفر نمود. با وجود چنین برنامه سنگینی، شریلا پرابهوپاد تا پایان عمر فعالانه به نگارش ادامه داد. نوشته‌های ایشان یک کتابخانه واقعی از فرهنگ، ادبیات، مذهب و فلسفه ودایی را شکل می‌دهد.

¹ Bhakivedanta Book Trust

² Sri Caitanya-Caritamrta

